

کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد اسلامی

مؤلف:

دکتر هدایت الله مدقق

عنوان کتاب:

کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد اسلامی

تألیف:

دکتر هدایت الله مدقق

موضوع:

عقاید (کلام) - اسلام و علوم و عقاید جدید، تجدید حیات فکری

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

مهر (میزان) ۱۳۹۷ ه.ش - محرم ۱۴۴۰ ه.ق

منبع:

www.qalamlib.com کتابخانه قلم



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
پیشگفتار	۱
مقدمه	۴
اهداف تحقیق	۶
اهمیت تحقیق موضوع	۷
مروری بر آثار یا پیشینه کار	۸
حقیقت کار و نقش آن در رشد اقتصاد اسلامی	۱۳
انگیزه‌های کار در رشد اقتصاد اسلامی	۱۳
مراد از کار و اقتصاد اسلامی	۱۳
ویژگی اقتصاد اسلامی	۱۶
*خارج بر زمین‌های آزاد شده بعد از جنگ	۱۸
ارکان اقتصاد اسلامی و شروط آن	۱۸
رکن اول: ملکیت مزدوج	۱۸
رکن دوم: آزادی اقتصادی مقید به شروط	۱۹
رکن سوم: تکافل اجتماعی	۲۰
مشروعیت کار	۲۱
(۱) از قرآن کریم	۲۱
(۲) از سنت رسول الله آ	۲۴
(۳) آثار وارد شده از صحابه و تابعین	۲۸
(۴) دلیل اجماع مبنی بر مشروعیت کار	۳۰

- ۳۱..... حکمت مشروعیت کار.....
- ۳۱..... الف: اقامه دین الله بر روی زمین.....
- ۳۱..... ب: عزتمندی مسلمانان.....
- ۳۲..... ج: دفع کردن اضرار از مسلمانان.....
- ۳۲..... د: دفع اضرار بیکاری و فراغ.....
- ۳۳..... ه: اعمار سرزمین.....
- ۳۴..... ضررهای ترک کار بر اقتصاد اسلامی.....**
- ۳۴..... الف: مختل کردن دین و عقیده.....
- ۳۵..... ب: برتری جویی گسترده دشمنان اسلام علیه اقتصاد اسلامی.....
- ۳۶..... ج: شیوع جرائم در بین مسلمانان.....
- ۳۶..... د: ضعف و ناتوانی اقتصاد مسلمانان.....
- ۳۷..... ه: ضعف جسمی و انحطاط در معنویات مسلمانان.....
- ۳۸..... پیامدهای کار مسلمان.....**
- ۳۸..... مطلب اول: عبادت محض.....
- ۴۰..... مطلب دوم: کار عادت و عبادت.....
- ۴۱..... کارهای که ضامن خود کفایی‌ها می‌گردند.....
- ۴۲..... کار در اسلام وسیله است نه هدف.....
- ۴۴..... عوامل رشد اقتصاد اسلامی.....**
- ۴۵..... کار و کارگر.....
- ۴۸..... تأمین روابط بین کارگران و صاحبان کار.....
- ۵۰..... تملک و ملکیت خاص و عام و مصادر آن.....
- ۵۰..... ملکیت در نظام اقتصاد اسلامی.....
- ۵۲..... اول: زمینه‌های تملک ملکیت عام و منابع آن.....
- ۵۷..... دوم: ملکیت‌های شخصی «خاص».....
- ۶۰..... انواع کار.....**
- ۶۱..... نوع اول: کار زراعتی.....
- ۶۷..... نوع دوم: کار صنعتی.....

۷۴.....	نوع سوم: کار تجارتي
۷۸.....	نوع چهارم: کار در خدمات اجتماعي «عامه»
۷۹.....	نوع پنجم: کار در رشد و افزايش حيوانات
۸۱.....	نوع ششم: کار حرفه‌اي
۸۵	ايجاد کار جهت رفع احتياجات افراد جامعه و رشد اقتصاد
۸۵.....	ايجاد کار
۸۸.....	رسيدگي کار به احتياجات جامعه
۸۹.....	ضمانت در ادامه روند کار و رشد آن
۸۹.....	ازدياد بخشيدن فرصت‌هاي کاری و رشد آن
۹۱.....	از بين بردن عوايق کار و مبارزه عليه بيکاري
۹۴.....	موانع کار و راه‌هاي علاج آن
۹۶.....	موانع تخنيکي و وسايل
۹۸.....	مبارزه عليه بيکاري
۹۹.....	توسعه در کار و صنايع و فراهم کردن انواع مواد لازم
۱۰۰.....	تفوق و ويژگي در نوعيت کالاي توليدي
۱۰۱.....	افزايش سطح مهارت‌هاي کاری و وسايل انتاج تخنيکي و بشري
۱۰۱.....	اسباب و عوامل بالا بردن سطح شايستگي کار و کارگر
۱۰۲.....	تعليم دادن کارگران
۱۰۳.....	تمرينات متداوم
۱۰۳.....	نهادينه‌سازي فرهنگ تخنيک به کارگران
۱۰۳.....	کاشت بذر محبت و وحدت در بين کارگران
۱۰۴.....	صبر در راستاي کار
۱۰۵.....	تشويقات گاهي مادي و گاهي معنوي باشد
۱۰۶.....	تضمينات کامل توليدات هر کارگر
۱۰۸.....	انکشاف و بالا بردن توانايي ماشين آلات توليدي
۱۰۹.....	احکام کار
۱۰۹.....	تمهيد
۱۱۱.....	کار واجب

۱۱۸.....	کار مندوب «مستحب».....
۱۲۰.....	کار مباح.....
۱۲۱.....	کارهای مکروه.....
۱۲۳.....	کارهای حرام.....
۱۳۱.....	حکم ترک فرائض توسط گارگر.....
۱۳۵	خاتمه
۱۳۵.....	مهم‌ترین نتایج.....
۱۳۹.....	پیشنهاد و توصیه.....
۱۴۱	فهرست منابع

پیشگفتار

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه حمدا كما يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه وقال عز ذكره ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ١٠]، وقال أيضاً ﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ١٠٥] والصلاة والسلام على القائل رحمة للعالمين نبينا محمد عليه أفضل الصلاة وأتم التسليم إذ يقول «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»^١ وعلى آله وصحبه أجمعين ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

اما بعد:

انسان از زمانی که چشم به جهان می‌گشاید، تا وقتی که چشم از دنیا بر می‌بندد، نیاز به خوراک و پوشاک و مسکن دارد؛ و برای دستیابی به این امکانات، باید کار و کوشش نماید. هرگاه انسان از کار و تلاش دست بکشد، با فاجعه مواجه شده و راه‌های کسب معاش او مسدود می‌شوند و زندگی‌اش مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ خداوند تعالی نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: ٣٩]، «و انسان جز آنچه کرده است ندارد.»؛ در نتیجه کار و تلاش، از زمان پیدایش انسان، تا کنون جزء زندگی و لازمه حیات وی بوده و می‌باشد.

در عصر حاضر، برای حسن تنظیم و پیامدهای ارزنده‌ی کار، برنامه‌های دیگر اجتماعی و اقتصادی در معرض اجرا قرار می‌گیرند و همه ساله توسط دانشمندان و

١- مُخْتَصَر صَحِيحِ الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ (٢٢/٢) لأبي عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ) الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م عدد الأجزاء: ٤

پژوهشگران و کارشناسان و برخی از سازمان‌های مختلف در خصوص اصول کار و کارگری، کارفرماها و غیره و زمینه‌های رشد کار و اقتصاد مقالات، کتب و تالیفات زیادی به منتشر می‌شوند، تا رشد چشمگیر از یک جهت و فایق آمدن بر چالش‌ها از جهت دیگر مساعد گردیده و خدمات ارزنده‌ای صورت گیرد. در واقع مشکل بیکاری و چالش‌های اقتصادی آن در افغانستان از موضوعاتیست که افکار بسیاری از مردم جامعه ما را تسخیر نموده است. اما متأسفانه عده‌ای از افراد، این مشکلات را ابزاری برای رسیدن به آرمان‌ها و آرزوهای شخصی خود قرار داده‌اند و متوجه این مطلب نیستند که پیامدهای بیکاری تهدیدیست علیه امنیت، سلامتی و ثبات جامعه‌ی خودشان؛ و وجود بیکاری باعث فقر، بر انگیختن فتنه و آشوب‌ها و سرانجام از بین بردن اخوت مردم می‌گردد؛ همچنین عواقب بیکاری، خانواده‌ها را تهدید می‌کند، چرا که از هر جهت باعث بروز چالش‌ها و آسیب‌های متعددی می‌گردد. بیکاری خطری است برای تکامل، پیوستگی، وحدت و استقرار خانواده. با تأسف باید گفت که امروزه بجای این که مسؤولین به مشکلات و چالش‌های جامعه رسیدگی کنند، به روش‌های مختلف، بخصوص رسانه‌های گروهی و به شکل غیر مستقیم بیش از پیش بر این مشکلات دامن می‌زنند و بجای این که جوانان را از منجلاب بیکاری، فقر و انحرافات اخلاقی نجات دهند، انگیزه‌های جوانان را به سمت رذالت سوق داده و جامعه را به تباهی می‌کشاند.

از سوی دیگر، دولت از کار و تولید اقتصادی پشتیبانی نمی‌کند، بلکه برعکس کسانی را که به تأسیس کارخانجات می‌پردازند، تا زمینه شغل‌های مختلف را برای جوانان فراهم آورند، مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین می‌کنند و قیمت صرفیه برق‌شان در تولیدات چند برابر می‌باشد؛ این‌گونه کارخانه‌ها، قدرت رقابت با واردکنندگان محصولات صنعتی را نداشته و چرخ‌های‌شان متوقف می‌شود؛ علاوه بر آن نساجی‌های کشور، از جمله کارخانه‌های نیمه ملی بود و برخی از آن‌ها حتی در زمان رژیم طالبان نیز فعال بود، ولی در حال حاضر بخاطر بی‌مهری دولت‌مردان به تولید داخلی، متوقف گشته است و بجای اشتغال زایی، اشتغال زدایی رخ داده است! وجود بیکاری در جامعه، فقر اجتماعی را به بار آورده و جامعه را به چند طبقه تقسیم نموده است؛ و این مسئله، خطری اساسی برای آزادی و استقلال کشور می‌باشد؛ چرا که وقتی مردم بیکار شوند، فقر دامن‌گیرشان می‌گردد و به فکر پاسداری از ارزش‌ها و

مقدسات دینی و ملی نمی‌باشند، چون دولت شکم او را سیر ننموده، آرامش و امنیت را بر قرار نکرده و ملت خود را نجات نداده است. پس راه حل چیست؟ می‌بینیم اسلام عزیز به موضوع بیکاری که چالش اجتماعی است مانند سایر مشکلات جامعه اسلامی اهتمام داشته و راه‌های علاج آن را نیز بیان نموده است. اما این ضعف مسلمان‌هاست که به قرآن و سنت پیامبر **آ** مراجعه نمی‌نمایند؛ به همین خاطر است که روز بروز به مشکلاتشان افزوده می‌شود. بیایید برای نجات جامعه از این خطر، به دستورات دین مبین اسلام عمل نماییم، تا از سعادت دنیا و آخرت بهره‌مند گردیم. اسلام عزیز کار را وسیله بزرگ و اولین سلاح در میدان نبرد علیه بیکاری و زدودن فقر دانسته، تا سبب جلب ثروت و جذب منفعت شده و موجب عمران و آبادانی در روی زمین شود. بنابر آن خواستم رساله خود را تحت عنوان " کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد اسلامی " تهیه و ترتیب نمایم، تا وسیله‌ای برای رفع چالش‌ها شده و در میان فرهنگیان تأثیر مثبت خود را ایفا کند. وما توفیقی إلا بالله.

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:
در واقع زندگی انسان بدون کار و اقتصاد پیش نمی‌رود، زیرا از زمانی که خداوند متعال آدم ﷺ را آفرید و بر زمین فرود آورد، تا قیام قیامت، زندگی مردم وابسته به کار و اقتصاد می‌باشد.

کار از حیث نوع، اندازه، مقدار و تأثیر آن در رشد اقتصاد، از یک زمان تا زمانی دیگر و بر حسب اختلاف احوال مردم، شرایط زندگی، نیازها و توانایی‌هایشان متفاوت است. امروزه برای کار منزلت و شأن بزرگی قائل شده‌اند، بطوری که پیش از این از منزلت و جایگاه کنونی برخوردار نبود؛ و گستردگی و زمینه‌ی کاری و پیشرفت وسایل و اختلاف مقاصد، این منزلت را به آن داده است.

بنده در این رساله، در مورد حقیقت کار و انواع آن که در رشد اقتصاد و رفع نیازمندی‌های مسلمانان مؤثر هست، بحث خواهم کرد؛ همچنین تفاوت‌های موجود میان کارگر مسلمان و غیر مسلمان از جهت کار و توانایی و تولید را مورد بحث قرار خواهم داد، زیرا این امر ضامن رشد کار و ظهور تاثیرات مثبت آن در اقتصاد جامعه و توسعه‌ی آن در زمینه‌های مختلف با استخدام وسایل و آلات می‌باشد.

و در اخیر در رابطه با احکام کار و فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه شرع تحقیق نموده و کار واجب، مندوب، مباح، مکروه و حرام را مورد بررسی قرار خواهم داد؛ علاوه بر این‌ها نگاهی گذرا به مسائل متعلق به کار و عبادت کارگران، مانند فرایض، واجبات و محرمات خواهم داشت.

ارائه مشکل:

متأسفانه اکثر مسلمانان از حقیقت کار و تأثیر مثبت آن در رشد اقتصاد و خود کفایی و تأثیر منفی بیکاری بر فرد و جامعه و احکام مخصوص آن از دیدگاه شرع، آگاهی و بینشی ندارند و چنین فضایی، بستری است برای ایجاد و رشد مفاسد اجتماعی متعدد. و اگر افراد جامعه با درک مسؤولیت و تحقق بخشیدن به اهداف

مشروع زندگی گام بردارند و خود را مصروف و مشغول کار نمایند، مصالح بزرگی را در دور یا نزدیک بدست خواهند آورد؛ برعکس، اجتناب از کار و اشتغال؛ و برگزیدن زندگی راحت و آسوده، مسلمانان را با شر بزرگی روبرو می‌کند؛ علاوه بر آن زمینه‌ی استعانت و مددخواهی از بیگانگان و غالباً کشورهای غیر مسلمان را که هیچ اصل مشترک عقیدتی، ایمانی و اخلاقی با ما ندارند، فراهم می‌کند؛ این‌گونه مسلمانان به عناوین مختلف و ناخودآگاه مورد شکار دشمن قرار گرفته و آسیب‌های گوناگونی، اعم از تخریب عقیده و رخنه کردن در عمق جامعه مسلمان که باعث شیوع فساد در میان مسلمانان می‌گردد، متوجه آنان می‌شود.

لذا باید برای کار و اهمیت آن در نهضت مسلمانان و رشد اقتصاد، توجه بیشتری قایل شد و آن را از اولویتهای جامعه معرفی نمود، زیرا تمام بخش‌های جامعه بر مبنای اقتصاد است که بهبود یافته و سر و سامان می‌یابند؛ و در صورت بی‌توجهی و غفلت از این مسؤولیت بزرگ، شاهد تأثیرات مستقیم و ناگواری در عقیده، اخلاق، سیاست، اقتصاد و غیره می‌باشیم. لذا تحقیق و بررسی و پژوهش در ابعاد مختلف این موضوع، موجب ایجاد بیداری در جامعه شده و از شدت چالش‌ها می‌کاهد و ما را به مطلوب نزدیک‌تر می‌سازد و باید برای رفع معضلات اقتصادی تا حد توان از متخصصین و افراد با کفایت کار گرفت و فقر و بیچارگی را که دامن‌گیر افراد جامعه می‌گردد، از آن دور نمود.

در این بخش پیامدهای منفی بیکاری را که در رکود و شکست جامعه نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند، ذکر می‌کنم:

- ۱- باعث فقر و تنگدستی افراد و حکومت می‌گردد.
- ۲- استقلال و عزت نفس به مرور زمان از دست می‌رود.
- ۳- ذلت بر همه؛ اعم از ملت و حکومت مسلط می‌گردد.
- ۴- تأثیرات منفی عمیقی در اعتقاد و گرایش دینی گذاشته و در اکثر موارد به کفر والحاد نیز می‌انجامد.
- ۵- خیرات و نعمتهای خدادادی بدون استفاده به هدر می‌رود.
- ۶- ایجاد ضعف و خود باختگی در برابر دشمنان در مسلمانان رونما می‌شود.

اهداف تحقیق

هدف عبارت از نتایجی است که بدنبال تحقیق حاصل می‌گردد، پس هر تحقیق با داشتن هدف کلی و جزئی موفقیت را برای انسان مهیا می‌کند؛ و لازمه هر تحقیق علمی اینست که محقق اهداف خود را مشخص سازد تا بتواند در پایان کار به اهداف مطلوب خود نایل گردد؛ البته هدف کلی این تحقیق از عنوان آن شناخته می‌شود و هدف جزئی از تجزیه و تحلیل هدف کلی به میان می‌آید، بنده هم در انجام این تحقیق اهداف ذیل را تعقیب می‌نمایم:

الف) اهداف کلی

- ۱- برجسته کردن جایگاه کار در رشد اقتصاد اسلامی و دستورات دین مبین اسلام راجع به اهمیت آن و مشخص نمودن خلأهای ترک کار که موجب ایجاد مفسد بسیار بزرگی در سطح جامعه می‌شود.
- ۲- تشجیع مسلمانان به کار و فعالیت، برای تأمین نیازمندی‌های‌شان؛ چرا که این امر وسیله‌ای مهم برای حفظ عزت و کرامت نفس و خود کفایی می‌باشد.
- ۳- اعتماد به نفس و توانمندی، انسان را از اتکا به دیگران بی‌نیاز ساخته، باعث تقویت اعتماد و توکل بر پروردگار می‌شود و عمل به دستورات دین مبین اسلام را محقق می‌گرداند.
- ۴- بحث و تحقیق در این خصوص موجب حرکت و فعالیت‌های فیزیکی افراد جامعه گردیده و باعث رشد اقتصاد و خود کفایی می‌شود.

ب) اهداف جزئی

- ۱- بحث و بررسی علمی و ورود در قضایای متعدد کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد و مفسد و اثرات ناگوار ترک کار بر دین و دنیا، یکی از مباحث بسیار مهم در فرهنگ اسلامی می‌باشد که برای مُحَقِّقِ زمینه‌ی فراگیری اندوخته‌های علمی را فراهم می‌کند.
- ۲- دسترسی به پیامدهای مثبت و منفی کار به شکل علمی و تحقیقی و اتخاذ تدابیر مقتضی در رابطه با آن.
- ۳- سهمگیری در ادای مسؤولیت‌های دینی و اجتماعی و وظیفوی که از برنامه‌های وزارت محترم تحصیلات عالی برای کادرهای علمی بشمار میرود البته این موضوع ضمن مفردات مضمون ثقافت اسلامی است که در سمستر ششم زیر عنوان نظام اقتصاد اسلامی تدریس می‌گردد.

اهمیت تحقیق موضوع

ملت‌های امروزی به فن آوری و دقت کار و ظرفیت بالای کارگران‌شان می‌بالند؛ و با تمام داشته‌ها و تلاش‌های شبانه‌روزی خود در راستای بالا بردن سطح مهارت‌های بزرگ پی در پی، سعی در بالا بردن سطح استعدادها و کارایی کارگران‌شان دارند، تا با توجه به معیارهای معاصر تکنولوژی و تخنیک، قله‌های بلند این عرصه را از خود کنند و علایم رشد اقتصادشان آشکار شود و در انتاج و تولیدات ویژگی پیدا کنند و خود را برای دیگران ثابت نموده و نام نیکی از خویش به جای گذارند. وقتی این تفکر در نزد ملت‌های غیرمسلمان مطرح بوده باشد، پس این موضوع بین مسلمانان مهم‌تر و نگران‌کننده‌تر است، چرا که پیامدهای کار در نزد مسلمانان تنها منحصر به تأمین مصلحت‌های زندگی و آسایش دنیایی نیست، بلکه فراتر از آن شامل طلب ثمره‌های اخروی و نعمت‌های آن نیز می‌شود. و این مسأله تأکید می‌کند که فرد مسلمان حق اختیار در انتخاب گزینه‌ی کار کردن و یا نکردن را ندارد، زیرا بطور لزوم کار کردن برایش تعیین شده است؛ چراکه کار عامل موثر در رشد اقتصاد است و این امر بنابر اسباب ثابت و یا هم غیر متوقع آنی که ذیلاً به آن اشاره می‌نمایم ضروری پنداشته می‌شود:

۱. امت اسلام امت واحدی است، نه مانند سایر امت‌ها، پس بر امت واحد لازم است که انتاج و تولیداتی داشته باشند تا در حالت طبیعی و نیز اضطراری و یا جنگ نیازهای آن‌ها را برآورده نماید.

۲. ملت‌های غیر مسلمان در طول تاریخ با مسلمانان روبروی و جنگ گرم و سرد دارند و این مبارزه هرگز توقف پیدا نمی‌کند تا زمانی که مسلمانان را از دین‌شان گسیخته نمایند، این بغض و کینه به این خاطر است که خداوند متعال از فضل و مرحمت خویش به مسلمانان عطا فرموده است، پس در برابر چنین دشمنان اقتصاد قوی و بزرگ در کار است، لذا مسلمانان باید در هر عصر و زمانی بیدار و فعال باشند و از عقب نشینی برحذر باشند؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾ [التوبة: ۳۶]

«(ای مؤمنان!) با همه مشرکان بجنگید همان گونه که آنان جملگی با شما می‌جنگند».

و همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِن

«(مشركان) پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند».

قتال و رویارویی با کفار نیاز به توانایی مادی و معنوی دارد و هرگز توانایی مادی و معنوی بدون کار و فعالیت فراهم نمی‌شود.

۳. خوردن، نوشیدن، پوشیدن مسلمان تابع ضوابط شرعی می‌باشد و هیچ‌گاه اجازه تخطی و پامال کردن آن‌را ندارند، بنابراین بر هر مسلمان لازم است تا خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی خویش را بدستان خود تهیه نمایند، تا در سایه دستورات شرع به کسب حلال و دوری از حرام جامه عمل بپوشد. البته اتکا به تولیدات داخلی عامل موثر چند بعدی در رشد اقتصاد اسلامی است.

۴. اگر مسلمانان به کار روی نیاورند، طبیعی است که به وسایل مستعمل و ساخته‌های دیگران روی می‌آورند، مثال‌های زنده هم در این مورد داریم که در بسا موارد استعمال آن شرعا ناجایز می‌باشد، که در این صورت دین و دنیای امت مسلمه تباه خواهد شد.

۵. کار و فعالیت برای هر مسلمانی لازم و ضروری است تا بوسیله آن بتواند بدنش را تقویت بخشد و برای تحمل صبر و سختی‌ها در برابر دشمنان و اقامه‌ی اوامر الهی در سرزمین الله آماده باشد.

از نکات فوق چنین برمی‌آید که کار در اسلام از منزلت بزرگی برخوردار بوده و وسیله مهمی در رشد اقتصاد می‌باشد. خلاصه می‌توان گفت که زندگانی مسلمان همه کار و فعالیت است، و هیچ‌گاه تعطیل و فراغتی ندارد، چرا که در نظام اسلام حد معینی برای کار وضع نشده است، کار می‌تواند با دست و پا و یا به واسطه زبان، فکر و عقل و غیره انجام بگیرد، این حقیقت حیات مسلمان است و سزاوارشان است که چنین باشند، ولی با وجود این امر، حالت مسلمانان امروزی چیز دیگری است.

مروری بر آثار یا پیشینه کار

دانشمندان اسلام از قدیم الزمان توجه ویژه‌ای در خصوص کار و اهمیت آن در زندگی داشته‌اند، مسلماً کار و فعالیت تضمین ادامه حیات می‌باشد، فقه‌های اسلام بحث‌های وسیعی در ابواب معاملات به ویژه امور مالی و اقتصادی داشتند. طوریکه در تقسیمات ابواب فقهی‌شان تفصیلات خاصی را ارائه نمودند، مانند بیع، اجاره، سلم، استصناع، زراعت و مشاغل دیگری که از منابع مهم در رشد اقتصاد پنداشته می‌شوند،

ولی کار در عصر امروزی پیشرفته و گسترده‌تر شده و پیچیدگی‌هایی نیز در آن وجود دارد و در زندگی مردم بسیار پرارزش شده، لذا این امر لازم می‌گردد که کار در ضمن ابواب فقه گنجانیده شود تا مورد آموزش و تفقه مردم قرار بگیرد، تا حقیقت این که چه کاری حلال و چه کاری حرام است شناخته شود. این خود مجالی بزرگ است که باید در روشنای ضوابط فقهی مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گیرد. البته داخل شدن در جزئیات موضوع زمینه را برای وضاحت بیشتر برای شناخت کار حلال و حرام فراهم می‌نماید و باعث بلند بردن سطح دانش و همت کاری مسلمانان گردیده و راه را برای تحقق عزت، کرامت، خود کفایی و استغناء از دیگران فراهم می‌سازد.

فقه‌ها و دانشمندان بدون استثنا در کتب و مؤلفات‌شان ابواب مستقلی در خصوص فعالیت‌های انسان که مال و ثروت و تامين ما یحتاج‌شان را فراهم می‌کند تدوین نموده‌ند، چنانکه قبلاً برخی از آن ابواب را تذکر دادم. اما برخی از دانشمندان معاصر به شکل مفصل که مطابق شرایط امروزی است تألیفات داشتند که تحت عناوین: نظام اقتصاد اسلامی، اقتصاد اسلامی و نظام مالی در موضوعات کار و صنعت و کشاورزی و اهمیت آن مباحثی را تحریر داشتند، که به برخی از این تألیفات در گذشته و حاضر اشاره می‌کنم:

- ۱- مسایل امام احمد از خلال در کتاب الحث علی التجارة والصناعة والعمل.
- ۲- کتاب سلسله الإسلام والعلوم الإنسانية، وهموم العمل والعمال از عزت عبدالعظیم الطویل.
- ۳- اقتصادیات العالم الإسلامي از شیخ محمود شاکر که موارد خوبی از داشته‌های امت اسلام یاد آور می‌شوند، و نیروی بشری امت اسلام را ستایش نموده و به بهره برداری از آن توصیه می‌کند.
- ۴- النظام الاقتصادي في الإسلام از دکتر فتحی عبد الکریم و احمد العسال از جمله کتاب‌های مشهور در اقتصاد اسلامی می‌باشد و در سمستر هفتم پوهنچی (دانشکده) شرعیات پوهنتون (دانشگاه) اسلامی مدینه نیز تدریس می‌گردد.
- ۵- الاقتصاد الإسلامي والقضايا الفقهية المعاصرة از علی أحمد السالوس.
- ۶- العمل وأحكامه بحث مجلة بحوث اسلامی دار الافتاء از دکتر سلیمان الثنیا که ایشان در کنار استفاده از شیوه کتابخانه نیز از ساحه از واقعیت‌های عینی

که موجب رشد کار و اقتصاد می‌گردد کار گرفته و راهکارهای خوبی در راستای کار و رشد اقتصاد راهنمایی نموده است.

۷- کار و کارگر و منابع رشد اقتصاد مباحث از دکتر سلیمان الأشقر در کتاب نحو الثقافة الإسلامية الأصيلة از جمله کتاب‌های تدوین یافته چند سال پیش به زبان عربی است، که قضایا را با واقعیت‌های نوین تحریر نموده است. اما با نظر داشت این همه مؤلفات دانشمندان که منابع خوبی برای امثال من می‌باشد تا بتوانم که این آثار گران بهای ایشان را بعد از غور و بررسی به شیوه ساده‌تر و اختصار به زبان دری که شدیداً ضرورت محسوس است اول خود سپس دیگران را که از همچو مباحث به زبان دری در اختیار ندارند مستفید سازم.

چون که نتایج و پیامدهای کار مثبت منجر به حصول مال و ثروت می‌گردد، امور مالی تاثیر بسزایی در زندگی فرد و جامعه دارد، مال یکی از مهمترین عناصر برپا شدن و ترقی تمدنه‌ای انسانی در طول تاریخ بوده، هر زمانی که مال در جامعه تقلیل و یا تنظیم و دوران آن دچار اختلال شود، عقب ماندگی و شکست در جامعه رونما می‌گردد، و شاهد توقف چرخ تقدم و تمدن خواهیم بود، بحران و تشنج ایجاد شده و فکر و نظر کافه‌ی جامعه را مشغول می‌سازد، از مقامات گرفته تا رعیت و مفکرین، در اغلب احوال یک چالش بزرگ شده که نمی‌توانند علاجی برای آن بیابند جز همین که با استعدادهای موجود قضایای کار و اقتصاد را بطور علمی و در روشنای تعلیمات دینی بحث نموده و راه حل‌های معقول برای آن تجویز نمایم، اسلام چه تعبیر زیبایی از اهمیت مال و اقتصاد کرده است: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ

قِيَمًا﴾ [النساء: ۵]

«واموال کم‌خردان را که در اصل اموال شما است به خود آنان تحویل ندهید».

امر به ممنوعیت بر سفیه، اهمیت مال و اقتصاد را برجسته می‌کند چون تصرف سفیه برمال غیرمستقیم و مضر بر امت اسلام می‌باشد، چرا که الله تعالی مال را اسباب استقامت امتها دانسته است. مطالعات در سنت‌های الهی در مخلوقاتش چنین اقتضا دارد که تضمین رزق بندگان به سعی و تلاش خودشان بستگی دارد، بنابر آن می‌بینیم که خوردن رزق را مشروط بر گشت و حرکت در زمین قرار داده است طوری که

می‌فرماید: ﴿فَأْمْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا﴾ [الملك: ۱۵]

«در اطراف و جوانب آن راه بروید، و از روزی خدا بخورید».

پس کسی که بگردد و در حرکت باشد از رزق و روزی الهی می خورد، اما کسی که توانایی حرکت را داشته باشد و حرکت نکند سزاوار است که چیزی بدست نیابد و نخورد. الله تعالی می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰]

«آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید».

کسی که در زمین سعی و تلاش می کند و پشتکار دارد و به حصول رزق حلال خدا دادی امیدوار است، سزاوار است که خواسته اش را بدست بیاورد، اما کسی که عقب نشینی کند و سست شود، سزاوار است که محروم گردد. عمر رضی الله عنه گروهی را دیدند که دست بسته در مسجد نشستند و ادعای توکل به الله مرا دارند؛ عمر رضی الله عنه تازیانه اش را بلند کرد و سخن مشهورشان را گفتند: «لا يقعدن أحدكم عن طلب الرزق ويقول: اللهم ارزقني، وقد علم أن السماء لا تمطر ذهباً ولا فضة، وإن الله - تعالى - يقول: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰].^۱ «هیچ کسی از طلب رزق عقب ننشیند و بگوید: ای باری تعالی مرا رزق بده، و همانا می داند که آسمان نه طلا فرو می آورد و نه نقره، در حالی که الله تعالی می فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰]. «زمانیکه نماز تمام شد در زمین پراکنده شوید و از فضل و نعمت های الله بجوید».

تازیانه عمر رضی الله عنه در حقیقت رمز حاکمیت قانون بود چون مراقبت و بررسی بر تنفیذ احکام اسلام و راهنمایی های آن ایجاب می کند چنین سیاستی را اتخاذ کند، پس کسی را که توجیهات قرآن تکان ندهد عقاب سلطان باید تکانش دهد. هیچ گاه عبادت مسلمان نمی تواند مانع کار شود، زیرا در آئین اسلام انجام درست کار و شایستگی در آن خودش عبادت است، در حدیثی که ابوسعید رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند

۱- تخریج أحادیث مشكلة الفقر وكيف عاجها الإسلام، قرضاوی، (ص: ۲۵). آلبانی در مورد آن سکوت کرده است. تخریج أحادیث مشكلة الفقر وكيف عاجها الإسلام محمد ناصر الدين الألبانی، المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة: الأولى - ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۴ م

فرمودند: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ»^۱ «تاجر راستکار و امانت دار یکجا با پیامبران و صدیقان و شهدا (حشر) می گردند».

۱- روایت سنن ترمذی و حسن گفته. شماره حدیث (۱۷۸۲)؛ البانی در صحیح ترغیب و ترهیب آن را صحیح دانسته است.

حقیقت کار و نقش آن در رشد اقتصاد اسلامی

انگیزه‌های کار در رشد اقتصاد اسلامی

کاری که راجع به آن صحبت می‌کنیم کدام کار است؟ اگر کار در اسلام مشروع است، حکمت مشروعیت آن چیست؟ و در صورت مخالفت شرع، چه پیامدی به دنبال دارد و مسلمان از کار خود چه دست آوردی را توقع دارد؟ این موضوعات را در مباحث ذیل مورد بحث قرار می‌دهم:

مراد از کار و اقتصاد اسلامی

در لغت عرب، کار را عمل می‌گویند؛ کلمه عمل از «عمل يعمل عملا» که مصدر است، گرفته شده است، عامل اسم فاعل است. عین، میم، لام اصل واحد صحیح است. در عربی مزد کار را اجرت و یا عماله می‌گویند. ومعامله، مصدر فعل است. و عمله: به کسانی گفته می‌شود که به دست‌شان انواع کارها را انجام می‌دهند، مانند چاه‌کندن، حفاریات و غیره...^۱

عمل در اصطلاح: از تعاریف دانشمندان تعریفی که افاده غرض و ادای مفهوم را برساند نشده است؛ و تعاریق آن‌ها یا این‌که عام بوده و یا هم غرض از کار را اداء نمی‌کند.

کار، میدانی بزرگ دارد و دارای شاخه‌ها و اغراض متعدد می‌باشد و گنجاندن آن در یک تعریف جامع و مانع کاری بس مشکل است. از مجموع تعریف‌هایی که برای کار شده، تعریف دکتر سلیمان بن ابراهیم، تعریف جالب و خوبی است، ایشان می‌گوید: «کار عبارت از هر سعی و تلاشی است که انسان در عرصه فعالیت‌های صنعتی،

۱ - معجم مقاییس اللغة، ابن فارس: (۴/۱۴۵). أبو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، بیروت، لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ۱۳۹۹ هـ، ۱۹۷۹ م.

حرفه‌ای، زراعی، تجاری و غیره، بخاطر تحقق هر هدفی که دارد انجام می‌دهد».^۱
 در مفهوم کار هیچ محدودیتی وجود ندارد، گاهی مراد از اطلاق کار، مساعی انسان از فعالیت‌های دستی کوچک یا بزرگ است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ﴾ [سبأ: ۱۳].
 «آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند، از قبیل: پرستشگاه‌های عظیم، مجسمه‌ها، ظرف‌های بزرگ غذاخوری همانند حوض‌ها، و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل نقل نبود)».

ومی‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الصفات: ۹۶].

«و خداوند هم شما را آفریده است و هم چیزهایی را که می‌سازید».
 و گاهی مراد از استعمال کلمه کار، عمل صالح و نیکی است که وسیله‌ی تقرب به پروردگار متعال می‌باشد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلِ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۰۵].

«(هرچه می‌خواهید) انجام دهید (خواه نیک، خواه بد. اما بدانید که) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می‌بیند (و آن‌ها را به حساب شما می‌گیرد) و پیغمبر و مؤمنان اعمال (ظاهر) شما را می‌بینند و (به نسبت خوبی و بدی، با شما دوستی یا دشمنی می‌ورزند. این در دنیا، و اما) در آخرت به سوی خدا برگردانده می‌شوند که آگاه از پنهان و آشکار (همگان و دیدنی و نادیدنی جهان) است و شما را بدانچه می‌کنید مطلع می‌سازد (و پاداش اعمال و اقوال شما را می‌دهد)».

و نیز می‌فرماید: ﴿أَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۳].
 «ای آل داود! سپاسگزاری (این همه نعمت را) بکنید، و (بدانید که) اندکی از بندگانم سپاسگزارند (و خدای را به هنگام خوشی و نعمت یاد می‌آرند. پس کاری کنید که از زمره این گروه گزیده شکرگزار باشید)».

۱- مجله البحوث الإسلامية، شماره: ۶۲، ریاض، المملكة العربية السعودية، ریاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء بحث من د. سلیمان بن ابراهیم بن ثنیان، نشر ذو القعدة وذو الحجة ۱۴۲۱ هـ محرم و صفر ۱۴۲۲ هـ. (ص/۱۲۷).

و همچنین کلمه کار در قرآن مقید به عمل صالح و نیک نیز می‌باشد و این بیشتر در قرآن آمده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ [الرعد: ۲۹]

«آن کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، خوشا به حال ایشان و چه جایگاه زیبایی دارند»

و به عمل زشت و ناپسند نیز مقید می‌نماید؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَمِنُوا إِنِّي رَبُّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۵۳].

«کسانی که کارهای زشتی (چون کفر و معاصی) انجام دهند و سپس توبه کنند و (از آن‌ها دست بکشند و بسوی خدا برگردند و حقیقتاً) ایمان بیاورند، خدای تو بعد از آن (توبه که با بودن ایمان پذیرفتنی است، نسبت بدانان) بس آمرزنده و مهربان است (و ایشان را به درگاه خود می‌پذیرد و از اشتباهات و گناهان‌شان در می‌گذرد)».

از مجموع این آیات آشکار می‌شود که مفهوم کار وسیع و گسترده بوده و شامل هر عملی که انسان آن را به هر قصد و غرضی انجام می‌دهد، می‌شود.

مقام و منزلت کار با این مراتب بلند و ارزشمند و حساس و گسترده، به هیچ وجه نزد فقها نادیده گرفته نشده است، بلکه آن را بخشی از مسؤولیت خود دانسته و به تشریح و توضیح اسرار، خوبی‌ها و بدی‌های آن پرداخته‌اند و راه حل‌های معقولی در چالش‌ها و نارسایی‌ها، چه در امر حلال و یا حرام گذاشته‌اند، بنابر آن هر آنچه که در این زمینه لازم است اعم از فعل یا ترک آن و یا تقدیم و تاخیر و مضر و مفید آن را رعایت کرده و بیان داشته‌اند.

پس هیچ کس نمی‌تواند بگوید که کار در ضمن ابواب فقهی داخل نیست. بدون شک، کار از مهمترین و بزرگترین بخش‌های فقه اسلامی بوده و بابتی بزرگ و گسترده هست و هر انسانی به آن نیاز دارد؛ پس بر فقها لازم است که از احکام آن معلومات کافی داشته باشند تا در وقت استفتا و دریافت حکم شرعی آن، در روشنای کامل شرع، معلوماتی را ارائه دهند، هرچند که در رابطه با موضوعی کوچک استفسار شود، زیرا شریعت اسلام آن را نادیده نگرفته، بلکه در بیان آن، خودش مداخله کرده و تفصیل کاملی از زندگی را برای انسان فراهم نموده است.

در ذیل کار را از ناحیه تولیدی و پیداوار آن شرح می‌کنیم، چه این کار مادی باشد یا فکری:

اقتصاد در لغت: از قصد گرفته شده -در لغت عرب- استقامت راه را می‌گویند؛ و قصد: خلاف افراط یا قرار گرفتن بین اسراف و تقتیر -یعنی بخل- است؛ قصد در معیشت، یعنی این که انسان در مخارج زندگی نه اسراف به خرج دهد و نه بخل ورزد. می‌گویند: فلانی در دادن نفقه مقتصد است، یعنی استقامت و اعتدال دارد.^۱

و در حدیث آمده است: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أ: " مَا عَالَ مُقْتَصِدٌ "»^۲. «کسی که در نفقه اسراف و بخل نوزد، فقیر نمی‌شود».

اقتصاد در اصطلاح شرعی عبارت از: آن دسته از احکام و قواعد شرعی است که تنظیم کننده‌ی کسب مال و طرق انفاق آن و شیوه رشد آن می‌باشند.

ویژگی اقتصاد اسلامی

اقتصاد اسلامی از دو نوع احکام بر خودار است: احکام ثابت و احکام متغیر:

اول: احکام ثابت عبارت از احکامی است که با دلایل قاطع و یا مأخوذ از اصل قطعی در کتاب و یا سنت و اجماع گرفته شده باشد، مانند حرمت سود، اباحه‌ی بیع، چنان که در سوره‌ی بقره آمده است: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ [البقرة: ۲۷۵]. و یا در مسأله میراث که مرد دو برابر زن مستحق ارث می‌گردد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ مِثْلِ حَظِّ الْأُنثِيَّاتِ﴾ [النساء: ۱۱] و یا حرمت خون و مال مسلمان، چنان که پیامبر آ فرمودند: «فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ»^۳. و مثال‌های دیگری از این قبیل، مانند وجوب واجبات، تحریم محرمات، احکام حدود و مقررات شرعی.

۱- القاموس المحيط (ص/۲۸۱)، فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، إمام اهل اللغة، بیروت، لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ۱۴۱۵هـ، ۱۹۹۵م.

۲- السلسلة الضعيفة، شماره حدیث (۵۱۰۰)، البانی؛ أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدین بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم الأشقودی الألبانی، الرياض، المملكة العربية السعودية، مكتبة المعارف، نشر ۱۴۲۰هـ.

۳- صحیح بخاری (ص/۳۴۴)، شماره حدیث (۱۷۳۹)، امام أبو عبدالله محمد بن اسماعیل، ریاض، دارالسلام للنشر والتوزيع، سال ۱۴۱۷هـ ق، ۱۹۹۷م.

امتیاز این دسته از احکام این است که با تغییر اوضاع، شرایط و زمان، هرگز دچار تبدیل و تغییر نمی‌شوند؛ همچنین این احکام به صورت عام وصف شده‌اند که با همه افراد جامعه سازگاری داشته و بدون هیچ مشقتی بر آن‌ها تطبیق می‌شوند و همواره در تصرفات مردم حاکم بوده و محکوم قرار نمی‌گیرند.

دوم احکام متغیر: این نوع احکام بر اساس دلایل ظنی در سند و یا در دلالت که ارتباط به مصالح و تغیرات آن دارد، ثابت گردیده‌اند. گاهی تغییر این احکام نظر به اختلاف احوال در مساله می‌باشد و این احکام تحت اجتهاد علما و دانشمندان بوده و نظر به تغییر شرایط و مصلحت‌های روز و اشخاص و زمان و اماکن، تغییر می‌کنند؛ و برای ولی امر مجتهد و علما جایز است تا از احکامی که مناسب حال پدیده‌های جدید زندگی بوده و موافق با مقاصد معتبر شریعت باشند، بهره گیرند.

و از مثال‌های این نوع:

*تضمین کردن اجیر مشترک، آنگاه که دلیل و بینه‌ای بر عدم تعهد وی ثابت نشود؛ علی \bigcirc چنین کرد، در حالی که قبلاً تضمین نمی‌شدند؛ علی \bigcirc در عهد خویش تضمین کردن را بخاطر اختلاف مردم و از بین رفتن امانت، لازم دانسته و فرمود: (لا یصلح للناس إلاّ ذلك) «جز این مصلحتی بر مردم نیست».^۱

*توقف پرداخت سهم مؤلفه القلوب از زکات شرعی توسط عمر فاروق \bigcirc ؛ چرا که پیامبر آ بخاطر ضعف اسلام در آن شرایط، به مؤلفه القلوب سهم می‌دادند، تا نسبت به اسلام محبت و الفت پیدا کنند، اما عمر فاروق \bigcirc در عهد خلافت خویش فرمود: «امروز خداوند متعال دین اسلام را عزت بخشیده و نیازی به تألیف قلوب‌شان وجود ندارد و اصحاب کرام نیز این دیدگاه را تأیید کردند».^۲

۱- کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال (۳/ ۹۲۴)، علامة علاء‌الدین علی المتقی بن حسام‌الدین الیهندی، بیروت، لبنان، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹. و مكتبة الشاملة.

۲- فقه السنة (۱/ ۲۹۱-۲۹۲) محمد سید السابق، مكتبة العبيكان، القاهرة مصر، دار الفتح للعلام العربي، نشر ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م

* خراج بر زمین‌های آزاد شده بعد از جنگ

بجز موارد فوق، هر مسأله‌ای که به اصل ثابت قطعی و یا ظنی بر نگردد، باطل و بی اساس است، بلکه از جمله امور هوی و استحسان بشر است، مانند تحلیل (حلال دانستن) سود، اباحت (مباح دانستن) رشوه، فروش شراب و گوشت خوک.

ارکان اقتصاد اسلامی و شروط آن

اقتصاد اسلامی بر سه رکن استوار است:

رکن اول: ملکیت مزدوج

مراد از آن ملکیت خاصی است که انسان تصرف در شیء و تملک آن را از آن خود می‌نماید، یا ملکیت عامه و مشاع برای افراد جامعه.

اقتصاد اسلامی همزمان بر هر دو رکن استوار می‌باشد. و میان مصلحت فرد و اجتماع، در صورتی که با یکدیگر در تعارض نباشند، یا با یکدیگر هماهنگ باشند، ایجاد توازن می‌کند، ولی در صورت تعارض میان مصلحت فرد و مصلحت اجتماع، مصلحت عامه را بر مصلحت فردی مقدم می‌دارد.

دلایل این مطلب:

۱. حدیث پیامبر آ آنجا که فرمودند: «لا یبیع حاضر لباد»^۱.

یعنی در فروش جنس سمسار "دلال" نباشد که به قیمت بالا برایش بفروشد بلکه بگذارد که خودش بفروشد.

۲. قول پیامبر آ: «لا تلقوا الرکبان»^۲.

یعنی پیش از اینکه رکبان (کاروان تجاری) به بازار برسند، از ایشان خریداری نکنید، زیرا اگر چنین کنند، طبیعتاً به قیمت نازل می‌خرند، سپس آن را به قیمت بالا می‌فروشند، چنین عملکردی مردم را از خریدن از خود رکبان محروم می‌کند.

۳. برخی از فقها می‌گویند: گرفتن جبری طعام از دست محترک و فروش آن جایز است.^۱

۱- صحیح بخاری (ص/ ۴۲۲) شماره حدیث (۲۱۴۰).

۲- مرجع قبلی (ص/ ۴۲۴) شماره حدیث (۲۱۵۰).

رکن دوم: آزادی اقتصادی مقید به شروط

مراد از وضع قید و بندها در آزادی اقتصادی اسلام، ایجاد ضوابط شرعی در کسب مال و انفاق آن است، تا اینکه تحقق کسب حلال و نفع عام شامل حال افراد و جامعه شود. مخالفت نظام اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری در این است که نظام سرمایه‌داری مردم را در کسب مال آزاد گذاشته و قید و بندی را برای‌شان تعریف نکرده است. همچنین نظام اقتصادی اسلام با نظام اشتراکی در تضاد قرار دارد، زیرا نظام اشتراکی آزادی تملک را از فرد سلب نموده است.

اما نظام اقتصادی اسلام، آزادی کسب مال را تحت ضوابط و شروط ذیل قرار داده است:

۱. فعالیت‌های اقتصادی مشروع‌اند. قاعده شرعی چنین است که اصل در اشیاء اباحه است، مگر این‌که نصی وجود داشته باشد و بر حرمت آن دلالت نماید، پس میدان حلال در اقتصاد وسیع است، به شرط این‌که نصی مبنی بر حرمت آن فعالیت اقتصادی وجود نداشته باشد که در این صورت حرمت آن فعالیت اقتصادی ثابت می‌گردد.

۲. دولت می‌تواند برای حمایت از حقوق و مصالح عموم، مداخله نموده و در برابر آزادی‌های افراد، حد و حدودی قرار دهد تا این‌که تصرفات فردی ضرری به دیگران و جامعه وارد نیابد.

مثال‌هایی در این رابطه: تصمیم پیامبر ^۱ در رابطه با باغ‌های بنی نضیر؛ آنگاه که آن‌را تنها میان مهاجرین توزیع کردند و جز دو نفر از انصار که بسیار نادار بودند، به دیگر انصار چیزی ندادند ^۲ و این تصمیم بخاطر برقراری توازن در میان آن‌ها بود.
- فقها بر این باورند که در صورت ضرر عامه، می‌توان اجناس احتکار شده را بزور از صاحبان آن گرفت و به بیع مثل به فروش رساند. ^۳

۱- الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة (ص: ۲۰۶)، امام شمس الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر الجوزیة، قاهره، دار الحدیث للطبع والنشر والتوزیع، نشر: ۱۴۲۳ هـ.

۲- سیره ابن هشام (۱۹۲/۲) الکتاب مشکول وترقیمه موافق للمطبوع. ابن هشام بن ایوب الحمیری المعافری أبو محمد سال تولد / سال وفات ۲۱۳، تحقیق طه عبد الرؤوف سعد، ناشر: دار الجیل، سال نشر: ۱۴۱۱، مکان نشر: بیروت

۳- الحسبة، ابن تیمیة: (ص ۲۹، ۴۱) و الطرق الحکمیة: (ص ۳۵۴).

- تعیین قیمت، به این خاطر که جلوی فرصت طلبان گرفته شود تا از طریق گران فروشی ضرری به جامعه وارد نیاورند.
- خارج نمودن ملکیت خاصه از نزد افراد برای تأمین مصالح عامه.^۱
۳. تربیت مسلمانان بر مقدم دانستن مصالح عامه بر مصالح شخصی، تا از هر مفاد و کاری که برای خودشان مفید و به ضرر دیگران تمام شود دست بکشند، به دلیل حدیث رسول الله آ: «لا ضرر ولا ضرار»^۲ «در اسلام ضرر و ضراری وجود ندارد».

رکن سوم: تکافل اجتماعی

از حقایق ثابتی که در خصوص افراد سرشت شده اینست که توانایی‌های انسان‌ها از جنبه‌های مختلف با یکدیگر تفاوت دارند، چه از نگاه فیزیک بدنی و چه از نگاه روانی و فکری ...، در نتیجه این تفاوت در موهبه‌ها و امکانات و مقدار تحمل و بذل و جهد بروز و ظهور می‌کند، گاهی تفاوت‌ها در زمینه سازی کار و نوعیت آن است و منجر به حصول مقدار مال می‌گردد. همچنین در جانب دیگر افراد زیادی در جامعه بی‌بضاعت خواهد ماند که قادر به تأمین ما یحتاج خود نمی‌باشد. لذا تشریحات متعددی در اسلام داریم که به دنبال تحقق تکافل اجتماعی بوده و با افراد نادار و بی‌بضاعت جامعه کمک و همکاری می‌نمایند که از قرار ذیل می‌باشند:

- ۱- زکات؛ در جهت رفع نیازمندی‌های افراد بی‌بضاعت جامعه.
- ۲- برطرف نمودن نیازمندی‌های افراد نیازمند از بیت المال.
- ۳- انفاق واجب بر اقارب و کسانی که دادن نفقه آن‌ها بر انسان لازم است.
- ۴- نهی شدید از اسراف و بخل برای تحقق توازن اجتماعی و رعایت احساسات نیازمندان.

۱- النظام الاقتصادي في الإسلام (ص / ۹۲ - ۹۷) و (۵۲): (۱ / ۵۰). دكتور فتحی عبد الکریم واحمد العسأل؛ النظام الإقتصادي في الإسلام، تارنما، لینک:
www.kantakji.com/media/۳۸۲۵/۶۰۱.doc (۵۱):

۲- سلسلة الأحاديث الصحيحة (۴۹۸/۲۵۰). أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم الأشقودي الألباني؛ سلسلة الأحاديث الصحيحة، رياض، المملكة العربية السعودية، مكتبة المعارف، نشر ۱۴۱۵ هـ ۱۹۵۵ م.

۵- مشروعیت یافتن کفارات، صدقات، قروض، هبه، صدقه فطر، قربانی، عقیقه و غیره برای تحقق مبدا تکافل اجتماعی و تعاون بین افراد جامعه می‌باشد.^۱

مشروعیت کار

در رابطه با مشروعیت کار دلایلی از قرآن کریم و سنت پیامبر آ و اجماع امت وجود دارد که در ذیل ارائه می‌گردد.

۱) از قرآن کریم

الف: قول پروردگار متعال که می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ۶۰]

«و برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید؛ و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد. هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می‌شود و هیچ گونه ستمی نمی‌بینید».

وجه استدلال از این آیه چنین است: مسلمانان از طرف خداوند متعال مأمور هستند که آخرین قوت و توانایی‌شان را به خرج دهند و خوف و ترس از خود را بر قلب کفار و مشرکین بگذارند، همچنین با نمایش قدرت خویش، در دل منافقین فرصت طلب نیز بیم و هراس ایجاد کنند؛ و مسلمانان به انفاق در راه الله تشویق شدند، زیرا انفاق در راه الله ماندنی است و هرگز ضایع نمی‌شود.^۲

۱- الاقتصاد الإسلامي والقضايا الفقهية المعاصرة (۴۷/۱-۵۰). لعلى أحمد السالوس، مؤسسة الريان،

بيروت - لبنان، نشر ۱۹۹۸ - ۱۴۱۸ و ۱۱۲۹ و <http://www.waqfeya.com/book.php?bid=1129>

۲- تفسیر ابن کثیر (۳۲۱/۲).

برای آماده کردن قوت و نیرو، داشتن نفقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و نفقه بدون کار ناممکن است و بدون کار نه مالی برای انسان خواهد بود و نه قوت و نیرویی.

ب: قول پروردگار که می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الجمعة: ۱۰].

«آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید».

وجه استدلال از این آیه: خداوند متعال طلب رزق و روزی را مباح دانسته است؛ چرا که بدون کار - با اختلاف انواع و اقسام آن - رزق و روزی بدست نمی‌آید. کار، اولین سلاح برای مبارزه با فقر است و از اولین اسباب رشد اقتصاد و ثروت نیز شناخته شده است، همچنین کار اولین عنصر در راستای آبادانی و عمران زمین است، همان سرزمینی که خداوند متعال وعده استخلاف و جانشینی در آن را به مسلمانان داده است.

ج: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَلَّمَنَّهُ صِنْعَةَ لَبِيسٍ لَّكُم لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۸۰]

«و بدو ساختن زره را آموختیم تا (لباس جنگی) شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا (خدا را در برابر همه این نعمت‌ها) سپاسگزاری می‌کنید؟»

وجه استدلال از آیه: خداوند متعال به پیامبرش داود ÷ ساختن زره را که برای مبارزه و نجات از دشمن هنگام جنگ استفاده می‌شود آموخت.^۱ وقتی ساخت وسایل جنگی را به پیامبرش مشروعیت داد به این معنا است که ساختن هر چیزی که سبب نجات از شر دشمنان می‌شود لازم و مشروع است.

د: و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۳]

«آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند، از قبیل: پرستشگاه‌های عظیم، مجسمه‌ها، ظرف‌های بزرگ غذاخوری همانند حوض‌ها و دیگ‌های ثابت (که از

۱- تفسیر ابن کثیر (۳/ ۱۹۶).

بزرگی قابل نقل نبود. به دودمان داود گفتیم: ای دودمان داود! سپاسگزاری (این همه نعمت را) بکنید، و (بدانید که) اندکی از بندگانم سپاسگزارند».

وجه استدلال از این آیه: منت گذاری خداوند متعال بر سلیمان ÷ در استخدام جن‌ها در کارها از قبیل کارهای معماری و صنعتی که مطابق خواست سلیمان ÷ عمل کنند؛ و این امر دلالت بر مشروعیت کار برای انسان‌ها دارد.^۱

ه: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾ [التوبة: ۱۰۵]

«بگو: (هر چه می‌خواهید) انجام دهید (خواه نیک، خواه بد. اما بدانید که) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می‌بیند (و آن‌ها را به حساب شما می‌گیرد) و پیغمبر و مؤمنان اعمال (ظاهر) شما را می‌بینند و (به نسبت خوبی و بدی، با شما دوستی یا دشمنی می‌ورزند. این در دنیا، و اما) در آخرت به سوی خدا برگردانده می‌شوید که آگاه از پنهان و آشکار (همگان و دیدنی و نادیدنی جهان) است و شما را بدانچه می‌کنید مطلع می‌سازد (و پاداش و پادافره اعمال و اقوال شما را می‌دهد)».

وجه استدلال از این آیه: در این آیه مطلقاً دستور بر جواز کار داده شده است؛ و شامل اعمال نیک مخصوصاً عبادات، مانند: نماز، روزه و غیره می‌شود؛ و در مفهوم کار، کارهایی که مبنای عبادتی دارد و بدون آن، عبادت مورد نظر محقق نمی‌شود نیز داخل است، مانند ساختن وسایل رزمی و دفاعی برای جهاد در راه خدا و کارهای دیگری که در اصل مباح می‌باشند و موجب درآمد مال می‌گردند تا بنیه‌ی اقتصادی را تشکیل داده و رشد قابل ملاحظه‌ای ایجاد کنند و به عموم راه‌های خیر به مصرف برسند.

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که دلالت بر مشروعیت کار می‌کند، اما ما به همین قدر بسنده می‌کنیم.

۲) از سنت رسول الله آ

احادیث زیادی از رسول الله آ وارد است که به کار تشویق می‌کند و به کارگران همه اقشار جامعه مژده خیر می‌دهند و همزمان از ترک کار بیم داده و بیکاران را زشت می‌شمارد.

برخی از این احادیث عبارتند از:

الف: حدیث عبایة بن رافع بن خدیج، که از پدرش روایت می‌کند که گفت: «قیل یا رسول الله آیا الکسب أطیب؟ قال: کسب الرجل بیده و کل بیع مبرور»^۱
 «به پیامبر آ گفته شد که یا رسول الله! کدام کسب پاک‌تر و بهتر است؟ فرمودند: کسب انسان با دستانش و هر داد و ستد پسندیده‌ای».

آلبانی در صحیح الجامع حدیث ذیل را که تأکیدی است بر حدیث قبلی، تصحیح می‌کند: «أطیب الکسب عمل الرجل بیده، و کل بیع مبرور»^۲.
 «پاک‌ترین کسب انسان، کاری است که با دستانش انجام می‌دهد و هر داد و ستد پسندیده‌ای».

وجه استدلال از حدیث: این حدیث بر مشروعیت کار دلالت دارد، بگونه‌ای که پیامبر آ کاری را که انسان با دست انجام می‌دهد، اصل و اساس پاک‌ترین و لذیذترین کسب پنداشتند که مورد رضایت پروردگار نیز است.

ب: حدیثی که در صحیح بخاری / آمده است: عَنْ الْمُقَدَّامِ ○ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ آ قَالَ: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ ÷ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»^۳.

۱- مسند امام احمد بن حنبل (۵۰۲/۲۸) شماره حدیث (۱۷۲۶۵)، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (متوفای: ۲۴۱هـ)، محقق: شعيب الأرناؤوط - عادل مرشد، و دیگران، زیر نظر: دکتر عبد الله بن عبد المحسن التركي، ناشر: مؤسسة الرسالة، چاپ: اول، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م

۲- سلسله الأحاديث الصحيحة، آلبانی (۲ / ۱۵۹) شماره حدیث (۶۰۷).

۳- شرح ابن بطلال علی صحیح البخاری (۶ / ۱۷۸) شماره حدیث (۲۲۴۷). ابن بطلال، الشیخ العلامة أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك القرطبی ثم البلسنی، بیروت لبنان، دار الکتب العلمیة، سال ۱۴۲۴ هـ ق و ۲۰۰۳ م

از مقدم \odot روایت است که رسول اکرم آ فرمودند: «هرگز کسی غذایی بهتر از غذای دست‌رنجش نخورده است. و همانا داوود، پیامبر خدا ب ، همیشه از دست رنج خود، غذا می‌خورد».

وجه استدلال از این حدیث: پیامبر آ به ستایش کاری پرداخته‌اند که به دستان خود انسان انجام گیرد؛ و این حدیث بیان‌گر آن است که کاری که به دستان انسان انجام گیرد، از بهترین انواع کسب می‌باشد. و داود پیامبر الله آ از کسب دستان خود می‌خورد و این خود تشویقی بزرگ برای کار است.

ج: حدیثی دیگری که بخاری در صحیح خود نقل می‌کند: «عَنْ الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ \odot عَنِ النَّبِيِّ آ قَالَ: لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ فَيَأْتِي بِحُزْمَةِ الْحَطَبِ عَلَى ظَهْرِهِ فَيَبِيعَهَا فَيَكْفَى اللَّهُ بِهَا وَجْهَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ»^۱

از زبیر بن عوام \odot روایت است که رسول الله آ فرمود: «هرکس طناب برداشته و بار هیزمی را بر پشت خود حمل کند و در بازار بفروشد و خداوند به وسیله این کار، آبروی او را حفاظت کند، این، برایش از دست دراز کردن و خواستن از مردم، بهتر است که معلوم نیست به او چیزی بدهند یا خیر».

وجه استدلال از این حدیث: تشویق پیامبر آ به کار، هر کاری که باشد و لو جمع کردن چوب از کوه و صحرا باشد، تا این‌که از سوال کردن و گدایی از مردم مستغنی گردد؛ بدون تردید و همچنان‌که از حدیث فهمیده می‌شود، کار به مراتب از گدایی بهتر است.

د: در حدیث عقبه بن عامر \odot نزد صحیح مسلم آمده که: «أَنَّ سَمِيعَ عُقْبَةَ بْنَ عَامِرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - آ - وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَقُولُ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّئِيءُ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّئِيءُ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّئِيءُ»^۲. عقبه بن عامر جهنی \odot می‌گوید: از رسول الله آ شنیدم که بر منبر چنین فرمودند: ای مسلمانان! «هر چه در

۱- صحیح بخاری (۷۳۰/۲) شماره حدیث (۱۹۶۸).

۲- صحیح مسلم به شرح امام نووی (۵۴۳/۶)، شماره حدیث (۱۹۱۷) الإمام المحدث الفقيه محی الدین یحیی بن شرف أبي زكريا الدمشقي الشافعي، بيروت لبنان، دار إحياء التراث العربي، سال ۱۴۲۰هـ ق ۱۹۹۹م.

توان دارید برای آنان از قوه مهیا سازید» قوه: هر چیزی است که بتوان با آن در جنگ نیرومند شد و توان رزمی را بالا برد، از آن جمله؛ تجهیز نفرات، تأمین سلاح، مهمات، ساختن دژها و سنگرهای مستحکم، آموزش فنون جنگ و سایر تدابیر جنگی ای که باید توان و تلاش مسلمانان صرف آن بشود. ابن کثیر می‌گوید: «معنای قوه وسیع است». شایان ذکر است که رسول الله أ در حدیث شریف (قوه) را به «رمی: پرتاب تیر» تفسیر کرده اند: «أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ: آگاه باشید که قوه، تیر اندازی است». لذا آماده ساختن وسایل تیر اندازی و شلیک گلوله با همه انواع آن - از توپ‌های مختلف گرفته تا بمب اتمی و غیره - در مفهوم «رمی»، شامل است «و» ای مسلمانان! هر چه در توان دارید «از اسبان آماده» در برابر دشمن، مهیا سازید. در حدیث شریف آمده است: «در پیشانی اسب تا روز قیامت خیر گره زده شده است؛ [یعنی] پاداش و غنیمت». «تا با این» تدارکات و آمادگی‌ها «دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید» که همانا مشرکان مکه و دیگر گروه‌هایی‌اند که با شما می‌جنگند «و» نیز بترسانید «قوم دیگری را جز آنان که شما آنان را نمی‌شناسید و خداوند آن‌ها را می‌شناسد» که همانا منافقان و به قولی: یهود و به قولی: فارس و روم و دیگرانی هستند که دشمنی آن‌ها تا هنوز برای شما معلوم نشده است «و آنچه در راه الله انفاق کنید» یعنی: در جهاد «هرچه باشد» اندک و ناچیز، یا انبوه و بسیار «پاداشش بطور کامل به شما داده می‌شود» در دنیا و آخرت به چند و چندین برابر «و شما مورد ستم قرار نمی‌گیرید» در باز گرفتن پاداش‌تان بلکه پاداش خود را به تمام و کمال دریافت می‌کنید.^۱

بدین گونه، خداوند متعال آیه کریمه را با دستور آماده سازی نیروها آغاز و با امر به انفاق به پایان برد، زیرا بسیج و آماده سازی نیرو، بدون انفاق مال میسر نیست.

وجه استدلال از این حدیث: مراد پیامبر أ از قوت تیرانداختن و نشان زدن ذکر شده است و البته این منحصر در آن‌ها نیست، بلکه از باب ذکر اخص و اولی است. توانایی در مقابل دشمن - تا این‌که اعلائی کلمة الله صورت بگیرد - مختلف است، نظر به اختلاف قوت دشمن. امروزه قدرت و توانایی وقتی محسوس است که کار و ساخت و ساز به پیمانانه وسیع و گسترده ایجاد گردد، و حسب ضرورت بخاطر شکست و فروپاشی و درهم کوبیدن دشمن به کار گرفته شود، تا در حفاظت از سرزمین اسلامی و

۱ - تفسیر انوار القرآن (۲/ ۴۸۶). عبدالرؤف مخلص، ایران، شیخ الإسلام احمد جام، سال ۱۳۸۹ هـ.ش.

برافراشتن پرچم اسلام استفاده گردد. این روند کاری توقف نداشته و ادامه دارد، تا ضمانت بر توانایی رزمی نسل در نسل مساعد شود، روی این رفته پیامبر آ از ترک آمادگی متداوم بیم دادند، بطوری که عقبه بن عامر O روایت می کند که پیامبر آ فرمودند: «مَنْ عَلِمَ الرَّمِيَّ ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا أَوْ قَدْ عَصَى»^۱. «کسی که مهارت تیر اندازی را آموخته باشد سپس آن را ترک کند، از ما نیست؛ و یا این که نافرمانی نموده است».

ه: از ابو هریره O روایت است که پیامبر آ فرمود: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ أَحْرَصُ عَلَى مَا يَنْفَعُكَ وَاسْتَعِنَ بِاللَّهِ وَلَا تَعْجِزْ وَإِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ فَلَا تَقُلْ لَوْ أَنِّي فَعَلْتُ كَانَتْ كَذَا وَكَذَا. وَلَكِنْ قُلْ قَدَرُ اللَّهِ وَمَا شَاءَ فَعَلَ فَإِنَّ لَوْ تَفْتَحُ عَمَلَ الشَّيْطَانِ»^۲.

«در نزد خدا مؤمن قوی و نیرومند از مؤمن ضعیف بهتر و محبوب تر است؛ و در هر کدامشان خیر وجود دارد. تلاش کن و حریص باش بدانچه برایت نفع می رساند؛ و از خداوند یاری خواسته و ناتوان مشو. هرگاه تورا چیزی برسد، مگو اگر من چنین می کردم چنین و چنان می شد، ولی بگو خدا مقدر ساخته بود و آنچه خداوند بخواهد انجام می دهد. زیرا کلمهء "اگر" دروازهء وسوسهء شیطان را باز می کند».

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث، انسان مؤمن تشویق شده تا بر قوت خود بیفزاید و قوت در این حدیث، مطلق است و شامل قوت ایمان و عمل صالح با اختلاف انواع آن می باشد، مانند قوت بدنی، مالی و سایر قوت ها. پس از مؤمن قوی خیر بی شمار در عرصه های مختلف به بار می آید، اما مؤمن ضعیف موثر نبوده و توانایی خیر کثیر را ندارد؛ چرا که نه دینی را قایم می دارد و نه دنیا را آباد می کند. قرآن کریم قول دختر شعیب ÷ را که پدرش را به استخدام موسی ÷ تشویق نمود، بیان کرده

۱- شرح نووی (۵۴۴/۶) شماره حدیث (۱۹۱۹)

۲- مرجع قبلی (۸/ ۲۶۰-۲۶۱) شماره حدیث (۲۶۶۴).

است، آنجا که می‌فرماید: ^۱ ﴿إِنَّ خَيْرَ مَنْ أُسْتَجِرَتْ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ [الفصل: ۲۶]. «همانا بهترین کسی را که باید استخدام کنی شخصی است که نیرومند و درستکار باشد».

حکیم بن حزام ^۲ می‌گوید: نبی اکرم ^۳ فرمود: «الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ وَخَيْرُ الصَّدَقَةِ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ». ^۴ «دست بالا (صدقه دهنده) از دست پایین (صدقه گیرنده) بهتر است. صدقه را نخست، از افرادی شروع کنید که تحت تکفل شما هستند. و بهترین صدقه، آنست که (صدقه دهنده) از روی بی‌نیازی، آن را (صدقه) دهد. (یعنی طوری صدقه دهد که خود، محتاج نشود). هر کس، از خواستن، دوری جوید، خداوند نیز او را از آن، دور نگاه می‌دارد. و هر کس اظهار بی‌نیازی کند، خداوند او را بی‌نیاز می‌سازد».

احادیث فوق در مجموع به کار با اختلاف انواع و اهداف آن تشویق و دعوت نموده‌اند و هرگز قوتی بدون کار بدست نمی‌آید.

این‌ها مجموعه‌ای از احادیثی است که پیامبر ^۵ در آن مردم را به کار و طلب رزق و استغناء از مردم دعوت نموده است؛ همچنین ثابت گردید که تمامی پیامبران دارای کار و حرفه بودند.

۳) آثار وارد شده از صحابه و تابعین

از صحابه و تابعین نیز آثاری مبنی بر ضرورت کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد و عدم تکیه بر دیگران نقل شده است که در ذیل به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- جامع العلوم والحکم (۲/ ۴۹۶-۵۰۸) ابن رجب، الإمام الحافظ الفقیه زین الدین أبی الفرج عبد الرحمن ابن شهاب الدین البغدادی ثم الدمشقی، ریاض، طبع الخاصه بدارة الملك عبد العزيز، سال ۱۴۲۳هـ ق- ۲۰۰۲م.

۲- فتح الباری بشرح صحیح البخاری (۳/ ۳۴۵-۳۴۶)، شماره حدیث (۱۳۹۴) الإمام الحافظ أحمد بن علی بن حجر، ریاض، مکتبة العیبهکان، سال نشر: ۱۴۲۱هـ ق ۲۰۰۱م.

الف: معاویه بن قرة ○ روایت می‌کند: «آن عمر بن الخطاب آتی علی قوم» فقال: ما أنتم؟ قالوا: نحن المتوكلون قال بل أنتم المتكلمون ألا أخبركم بالمتوكلين؟ رجل ألقى حبة في بطن الأرض ثم توكل على ربه» و قوله المتكلمون يعني على أموال الناس.^۱

" عمر ○ به قومی برخورد و فرمود: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما توکل کنندگان هستیم. عمر ○ گفت: بلکه شما سر بار دیگران هستید! آیا شما را از توکل کنندگان خبر کنم؟ انسان متوکل آن است که دانه را در دل زمین بکارد و سپس به الله توکل کند " مراد از متکلمون یعنی بر اموال مردم تکیه می‌کنند.

ب: حدیث عایشه ع که می‌فرماید: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ أَعْمَالًا أَنْفُسِهِمْ وَكَانَ يَكُونُ لَهُمْ أَرْوَاحٌ فَقِيلَ لَهُمْ لَوْ اغْتَسَلْتُمْ».^۲

«یاران رسول الله ○ خودشان کار می‌کردند، در نتیجه بوی بد (عرق) از آن‌ها به مشام می‌رسید، پس به آن‌ها گفته شد: اگر غسل می‌کردید (این بوی بد از بین می‌رفت)».

وجه استدلال از آثار فوق: در اثر اول عمر ○ ترک کار را مذموم دانسته و به اختیار اسباب آن امر می‌کند. و در اثر دوم عایشه ع از حال صحابه خبر می‌دهد که آن‌ها کار را جایز دانسته و خودشان کار می‌کردند و کارهای سنگین و سختی انجام می‌دادند که عرق آن‌ها را درمی‌آورد و بوی بد عرق از آن‌ها به مشام می‌رسید.^۳

ج: پس از عصر صحابه ○ نیز آثار زیادی در دست است که به کار دعوت می‌دهد و ما در این مجال تنها به اثری که از امام احمد و ابن عیینه در خصوص وجوب کار آمده، اکتفا می‌کنیم. خلال می‌گوید: محمد بن علی از صالح پسر امام احمد بن حنبل برایم نقل کرد که وی از پدرش پرسید: مراد از توکل کردن چیست؟ ایشان فرمود: «توکل چیز خوبی است، اما برای انسان مناسب نیست که سربار دیگران شود؛ انسان باید کار کند تا خود و خانواده‌اش خودکفا باشند و هرگز کار را ترک نکنند» صالح می‌گوید: از

۱- جامع العلوم والحکم (۲/ ۵۰۷).

۲- عمدة القاری شرح صحیح البخاری، عینی (۱۱/ ۲۶۵). شماره حدیث (۲۰۷۱). الإمام العلامة بدرالدین أبی محمد محمود بن احمد، پشاور، المكتبة الحقانية ۱۹۹۵م.

۳- مرجع قبلی (۱۱/ ۲۶۳-۲۶۶).

پدرم پرسیده شد و من به چشمم گروهی از انسان‌ها را می‌دیدم که کار نمی‌کردند و می‌گفتند: ما توکل کنندگان هستیم. پدرم گفت: «اینان گروهی بدعت‌گرنده». ابوبکر مروزی روایت می‌کند که به ابو عبدالله "امام احمد" گفته شد: ابن عیینه هم می‌گفت که: «آنان بدعت‌گرانند». سپس امام احمد / گفت: «آنان قوم بدی‌اند، می‌خواهند با این ادعای خود دنیا را تعطیل کنند»^۱.

۴) دلیل اجماع مبنی بر مشروعیت کار

آیات و احادیثی که سابقاً ذکر کردیم همگی دعوت به کار داده و ثابت نموده‌اند که کار از عمل پیامبران، خلفای راشدین، صحابه کرام و جمیع سلف صالح بوده است، لذا این خود اجماع بر مشروعیت کار می‌باشد.^۲

از مجموع این منابع معتبر تشریح اسلامی برمی‌آید که اسلام دروازه‌های کار را به روی مسلمانان گشوده است تا هر فرد مسلمان کاری مناسب حال خودش که کفایت و نیازش را فراهم کند انجام بدهد و هیچ‌گاه عمل خاصی را بر مسلمانی تعیین و فرض نمی‌گرداند، مگر در صورتی که بجز او کسی دیگر این مصلحت را در جامعه آن‌ها نتواند فراهم کند، که در آن صورت بر وی لازم می‌گردد؛ همچنین هیچ دروازه‌ای را به روی مسلمانان بند نمی‌سازد مگر این‌که پیامد آن کار به ضرر دیگران و یا خودش باشد.

رزق و روزی و زندگی باکرامت برای انسان بدون سعی و تلاش بدست نمی‌آید، لذا خداوند متعال خوردن رزق را وابسته به گشت و حرکت و سعی در زمین قرار داده

است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَأَمْشُوا فِي مَنَازِلِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا﴾ [المک: ۱۵]

«پس در اطراف و جوانب زمین راه بروید و از روزی خدا بخورید».

پس کسی که تلاش نموده و حرکت می‌کند، نتیجه تلاش خود را بدست می‌آورد، ولی اگر انسان قادر حرکت نکند، سزوار آن است که از همه چیز محروم شود.

۱- سلسله أعمال القلوب، شیخ محمد صالح المنجد (۳۲/۱)، مجموعه زاد للنشر، چاپ اول، المملكة العربية السعودية ۱۴۳۰-۲۰۰۹.

۲- هموم العمل والعمال (۱۷-۱۹). الطویل؛ عزت عبدالعظیم، دار المطبوعات الجديدة، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م، اسکندریه، مصر.

حکمت مشروعیت کار

در مشروعیت کار حکمت‌های بی شمار و غیر قابل حصری نهفته است که ما به بخشی از آنها اشاره می‌کنم:

الف: اقامه دین الله بر روی زمین

خداوند متعال بندگانش را فرمان داده که به برپایی عدل و داد بر روی زمین بپردازند: ﴿كُونُوا قَوْمِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾ [المائدة: ۸]

«بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید».

مراد از قوامت در این آیه، اقامه و برپایی دین است؛ و اقامه‌ی دین نیاز به قوت دارد؛ و قوت بدون کار و تلاش در بخش‌های مختلف زندگی تحقق نمی‌یابد.

ب: عزتمندی مسلمانان

بدون قوت عزتی نیست، قوت یافتن نتیجه‌ی کار و زحمت می‌باشد، هنگامی که ما مؤمن قوی، صنعتکار ماهر، زراعت پیشه مبتکر و هنرپیشه هوشیار و لایق و تاجر بیدار و صادق داشته باشیم، امور مسلمانان به جدیت کامل و بهبودی پیش می‌رود و صنعت و تولیدات اعم از پوشاک و سلاح و محصولات زراعتی، غذا و نوشیدنی و فن آوری و حرفه‌های مختلف سد نیازمندی‌های بزرگ و کوچک مردم گردیده و تاجران ما کالاهای‌شان را وسیله رشد بازار و اقتصاد اسلامی با امانت و زیرکی خواهند نمود.

در وجود معیارهای فوق، امت اسلام هرگز مورد اهانت و ذلت و انکسار قرار نمی‌گیرند، زیرا ارشاد رب العالمین است که می‌فرماید: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۵]

«سست مشوید و (کافران را) به صلح مخوانید، چرا که شما برترید و خدا با شما است، و هرگز از (اجر و ثواب) اعمال‌تان نمی‌کاهد».

پس کار برای مسلمانان مایه‌ی عزت و عنصر مهم زندگی می‌باشد.

عمر [○] قومی را دید که دست به سینه در مسجد نشسته و مدعی توکل به خداوند هستند، ایشان تازیانه‌اش را بلند کرد و سخن مشهور خویش را گفت: لا یقعدن أحدکم

عن طلب الرزق ويقول: اللهم أرزقني وقد علم أن السماء لا تمطر ذهبا ولا فضة،^۱ وإن الله تعالى يقول: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾ [الجمعة: ۱۰].

«از طلب روزی بازنیاید و نگویید: خدایا به من روزی بده (و خود نشسته هیچ کاری نکنید) در حالی که می‌دانید، از آسمان طلا و نقره نمی‌بارد و خداوند متعال می‌فرماید: «و آنگاه که نماز به پایان رسید (برای کسب فضل و روزی پروردگار) در زمین منتشر شوید».

تازیانہ عمر O در حقیقت رمز حاکمیت قانون است، چون بررسی و مراقبت بر تنفیذ احکام اسلام و راهنمایی‌های آن چنین ایجاب می‌کند. پس کسی را که توجیه قرآن تکان ندهد، ضرورتا عقاب سلطان تکان خواهد داد.

ج: دفع کردن اضرار از مسلمانان

زمانی که مسلمانان برای خود و جامعه خویش کار نکنند و کفار بیایند و کارهای آنها را انجام بدهند، طبیعی است که زمینه برای آنها مهیا می‌شود تا به اسرار مسلمانان اطلاع یابند؛ متعاقبا شناخت مواقع ثروت و خزاین و تشخیص امکانات و اندازه آمادگی و... همه برای‌شان منکشف می‌شود، در حالیکه آنان دشمنان اسلام‌اند. تصور کنید وقتی دشمن وارد خانه‌تان شود و ستر و پرده را برهم بزند و اسرار را آشکار کند، آیا توقع خیری از دشمن بر حراست مال و نفس و ناموس وجود دارد؟!.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْكُفْرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۰۱].
«بی‌گمان کفران دشمنان آشکار شمايند».

د: دفع اضرار بیکاری و فراغ

هر امتی که بیکار و فراغ و تنبل باشد پیامدهای شومی مثل شیوع فساد، ارتکاب جرایم، ذلت و خواری، دور ماندن از ادای واجبات آنها را تهدید می‌کند؛ چرا که بیکاری و فراغ کلید همه بدی‌ها است، زیرا وقتی انسان فراغ و بیکار بماند به امور ناشایستی مثل لهو و لعب و شهوت رانی و بیهودگی‌ها روی می‌آورد، آن وقت است که

۱ - إحياء علوم الدين، للغزالي (۶۲/۲) أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: ۵۰۵هـ)

الناشر: دار المعرفة - بيروت عدد الأجزاء: (۴).

از هر خیری دست کشیده و تبدیل به بلا و مصیبتی برای جامعه و خانواده‌اش می‌گردد.

متأسفانه کم‌اند افرادی که از اوقات فراغت‌شان درست و معقول استفاده کنند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَب ۗ﴾ [الشرح: ۷-۸] «پس هنگامی که (در کار و بارت) فراغت یافتی، بکوش. * و به سوی پروردگارت روی آر».

مشروعیت کار به این هدف است تا اضرار از فرد و جامعه دفع شده و سد راه بیکاران گردد و تاثیرات مثبت خود را در رشد اقتصاد اسلامی بگذارد.

هـ: اعمار سرزمین

از حکمت‌های الهی در مشروعیت کار برای مسلمانان اعمار و آبادانی زمین است، خداوند متعال در زمین امکانات آن را گذاشته تا در وقت نیاز برای تحقق آبادی زمین از آن استفاده نمایند. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [هود: ۶۱]

«او ذاتی است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء کرده و در شما پدید آورده است)»

و نیز می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ﴾ [الحج: ۶۵] «مگر نمی‌بینی (ای انسان) که الله (به سبب رحم و لطفی که نسبت به شما بندگان دارد، تمام مواهب و امکانات و چیزهایی را که در زمین است در اختیار و دسترس شما قرار داده است)».

عمارت و آبادانی زمین طبق فرموده خداوند متعال جز به دستان مسلمانان راستکار صورت نمی‌گیرد، چرا که غیر از مسلمانان دیگران فساد برپا می‌کنند نه آبادی، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ [البقرة: ۲۰۵]

«و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود (و یا به ریاست و حکومتی می‌رسد)، در زمین به تلاش می‌افند تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان‌ها و حیوانات) را نابود

کند (و با فساد و تباهی خود، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد) و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾ ^(۱۵) الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ^(۱۶) [الشعراء: ۱۵۱-۱۵۲]

«و از فرمان اسراف کنندگان فرمانبرداری مکنید* آن کسانی که در زمین تباهی می‌نمایند و اصلاح نمی‌کنند».

خداوند متعال کار را برای آبادی زمین مشروع نموده است، بگونه‌ای که آن را از زبان صالح ÷ به قومش برای ما حکایت می‌کند: ﴿قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [هود: ۶۱]

«(صالح به آنان) گفت: ای قوم من! خدا را پرستید که معبودی جز او برای شما وجود ندارد (و کسی غیر او مستحق پرستیدن نمی‌باشد) او است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است».

ضررهای ترک کار بر اقتصاد اسلامی

ترک کار پیامدهای بد و گسترده‌ای را بر دین، جامعه و اقتصاد اسلامی می‌گذارد؛ از جمله:

الف: مختل کردن دین و عقیده

ترک کار به فقر می‌انجامد و از اثرات منفی فقر در دین شخص این است که وی را به دروغ و وعده خلافی وا می‌دارد، چنان‌که پیامبر آ می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا عَرِمَ، حَدَّثَ فَكَذَّبَ، وَوَعَدَ فَأَخْلَفَ»^۱.

«وقتی انسان بدهکار شود، دروغ می‌گوید و خلف وعده می‌کند».

دین اسلام با ایجاد کار خطرات بیکاری را برطرف ساخت و از متاثر شدن عقیده، اخلاق و سلوک افراد جامعه حفاظت نمود و این جلوگیری منجر به حفظ خانواده و

۱- صحیح بخاری (ص/ ۴۷۳)، شماره حدیث (۲۳۹۷).

جامعه می‌گردد و بر استقرار و تمسک و اخوت افراد جامعه می‌افزاید. ما مسلمانان هنگامی که کار را ترک می‌کنیم، غالباً مجبور به استخدام افراد مختلف اجنبی می‌گردیم که از ملت‌ها و ادیان مختلفی‌اند و برای انجام کار مسلمانان فرستاده می‌شوند؛ و تحقیقات نشان داده است که اکثر این کارگران خارجی در راستای اهدافی خاص و با حمایت سازمان‌ها و مؤسسات کشورهای بیرونی که دشمنی دیرینه با مسلمانان دارند، در کشورهای اسلامی مشغول به کار می‌شوند، تا از این طریق به ضرر مسلمانان و برای افساد آن‌ها بکوشند و یا علیه اهل اسلام تجسس نموده و اسرار و نوایا و نقاط ضعف و قوت ایشان را دریابند، این برنامه از سوی همان کشورها و مؤسسات طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی شده است.

از جمله دلایل واضح و آشکار مطالب فوق، وجود کارمندان مؤسسات خارجی در کشورهای اسلامی زیر فقر و جنگ زده است که از رهبری و مدیریت سالم و کارآمدی برخوردار نیستند؛ همچنین حرکات و روش برخورد خادماهای غیر مسلمان که در خانه‌های مسلمانان در کشورهای اسلامی، به ویژه دول عربی مشغول به کاراند؛ این خانم‌های کارگر زیر عنوان کار و تربیت اطفال، اعمالی را مرتکب شدند که واقعا تکان دهنده است، این‌ها چیزهایی هستند که همیشه می‌شنویم، اما اموری که دیده و شنیده نمی‌شوند، بسیار خطرناک‌تر و زشت‌تر خواهند بود. بطور مثال گروهی از این خادماها برای نشر و ترویج فسق و فجور و اظهار دین باطل و دعوت به آن تحت حمایت همان مؤسسات و نهادها می‌آیند. و همه ما شاهد نقش و نگار صلیب و کلمات و شعارهای الحادی در مصنوعات و تولیدات‌شان، مثل جانمازها، ظروف نوشابه، وسایل خانه و... هستیم. و این خللی است که مانع کار کردن مسلمانان می‌شود.

ب: برتری جویی گسترده دشمنان اسلام علیه اقتصاد اسلامی

اگر مسلمانان کار و فعالیت انجام ندهند، برای دسترسی به وسایل و آلات مختلفی که نیاز مبرم به آن دارند و بخشی از زندگی امروزی را تشکیل می‌دهد، مجبوراند که از دشمنان‌شان استمداد کنند و اسلام‌ستیزها هرگز به تمام خواسته‌های آن‌ها لبیک نخواهند گفت و داده‌های‌شان با یک سری شروط اهانت آمیز همراه خواهد بود. و مسلماً تولیداتی با کیفیت و سطح پایین را در اختیار مسلمانان قرار خواهند داد و از ارائه ماشین‌آلات و تولیدات پیشرفته به مسلمانان ابا می‌ورزند و یا اسرار تولیدات خود

را برای‌شان فراهم نخواهند کرد، تا این‌که مسلمانان بطور مستمر به تولیدات آن‌ها نیاز داشته باشند و امت اسلام را مصرف‌گرا بار آورده و تولیدات مستهلک خود را به خورد آن‌ها دهند و این روند ادامه یابد و در تمام عرصه‌های تولید همچنان برتر و موفق‌تر از مسلمانان باشند.

امروزه این واقعیت را همه می‌دانند که دشمنان اسلام سرّ مصنوعات غیر استهلاکی را می‌پوشانند، چه رسد به اینکه آنرا را در اختیارشان قرار بدهند، در حالیکه مسلمانان اجازه ساخت و ساز آلات استهلاکی را دارند ولی تجارت و فابریکه‌های بیگانگان مشغول آن هستند. دشمنان اسلام برای استمرار روند بهره‌جویی از خیرات کشورهای اسلامی و احتکار و برتری‌خواهی خود تلاش می‌کنند، در واقع تقصیری متوجه دشمنان نیست، بلکه گناه و کوتاهی همه بدوش مسلمانان است که فرصت‌های کاری‌شان را به دیگران واگذار کرده‌اند.

ج: شیوع جرائم در بین مسلمانان

اسباب ارتکاب جرائم بی‌شمار است، از جمله: بیکاری، نیازمندی، حب انتقام، و غیره. پس اگر مسلمانان کار نکنند، جوانان‌شان گمراه شده و قربانی جرائم و بدبختی‌ها می‌گردند که علت آن بیکاری است. با بررسی وضعیت مسلمانان، بخصوص در شرایط کنونی در می‌یابیم که جوانان ما قربانی جنگ فکری و یورش رسانه‌های جهانی هستند که به هر جریمه و فجور ضد اخلاقی دعوت می‌دهند. و از طرف دیگر کارگران غیر مسلمان با اختلاف اعتقادات و مذاهب‌شان انواع انحرافات و وسایل و امکانات ارتکاب جرائم را با خود دارند، مانند سرقت، جادوگری، زنا، هم‌جنس‌گرایی و غیره که از عادات محیط و کشور خودشان است و آن‌ها را بخاطر انتقام‌جویی از مسلمان در بین آن‌ها ترویج و انجام می‌دهند که همه این‌ها از مفسد ترک کار مسلمانان است.

د: ضعف و ناتوانی اقتصاد مسلمانان

عامل مهم و قوی که در ضعف اقتصاد مسلمانان نقش دارد، ترک کار است که آن را از دو نگاه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اول: تعطیل شدن انتاج و تولیدات مسلمان: به این معنا که مسلمان مکلف به تأمین هزینه‌های زندگی خود است، هزینه‌هایی چون هزینه‌های درمانی، اجتماعی و غیره، اما

از آن سو هیچ عاید و تولیدی ندارند و این جاست که یک شخص مصرف‌گرا و باری بر دوش اقتصاد امت می‌باشد.

دوم: بیرون شدن ثروت نقدی کشورهای اسلامی به خارج از کشور:

این روند به شیوه‌های مختلف صورت می‌پذیرد، در کشورهای عربی اکثر کارگران غیر مسلمان‌اند و ثروت بزرگی را از این کشورها به کشورهای غیر اسلامی انتقال می‌دهند؛ و خیرات و منابع طبیعی برخی از این کشورها را به بهانه‌های گوناگون مورد استفاده مقرر می‌دهند و این شکستی بزرگ برای اقتصاد مسلمانان است. این وضعیت مسلمانان به شکل عمومی است، اما وقتی بطور خاص و موردی بررسی شود و قدرت تولیدی کارگر مسلمان با تولید کارگر غیر مسلمان دیده شود، قابل مقایسه نیست، بنابر اسباب و عوامل موثری که وجود دارد. مشکل هم در این نقطه است.

ه: ضعف جسمی و انحطاط در معنویات مسلمانان

بدن انسان نیازمند تقویت و رشد است و بهترین چیزی که جسم را تقویت می‌کند، کار است، چون کار انسان را مجبور می‌کند تا در تقویت تمام جسم خود بکوشد و این خواه ناخواه پیش می‌آید. البته دسترسی به قوت بدنی بدون کار امکان ندارد، تقویت بدن برای مسلمانان بسیار مهم و ضروری است، تا همیشه سالم باشند و عقل و فکرشان بطور طبیعی کار کند و بتوانند سنگینی زندگی پرچالش را تحمل نمایند و از توانایی کامل برای رد مکر و بهانه‌های دشمنان اسلام برخوردار باشند. با ترک کار مسلمانان از قوت و طاقتی که دارند از هم پاشیده و بهم می‌خورند و اقتصادشان از رشد و ترقی به تنزل و عقب ماندگی بر می‌گردد، بالاخره زمینه تسلط دشمنان مساعد شده و انواع بیماری‌ها و آفات دامن‌گیر زندگی آن‌ها می‌گردد. از سویی دیگر معنویات آن‌ها نیز از هم می‌پاشد و به هموم و مصیبت‌ها مبتلا می‌شوند و شیرینی زندگی دنیا برای‌شان تلخ گردیده در نفس‌های‌شان ذلت و خواری اسقرار پیدا می‌کند و مشاهده می‌کنند که در هر نقطه‌ای کامیابی از آن کفار است. تا آنکه خودباختگی و استسلام در بین اهل اسلام آشکار می‌شود؛ و واقعیت‌های امروزی شاهدهی بر این مدعی است.

پیامدهای کار مسلمان

کار فرد مسلمان ثمره‌هایی دارد که کار کارگر کافر از آن ثمره‌ها برخوردار نیست؛ چرا که هر عمل خیر مسلمان چند برابر سنجیده می‌شود. کار و فعالیت مسلمان دو قسم است:

۱. کار عبادتی محض.

۲. کار عادت و عبادت.

در ذیل این دو مطلب را مورد بحث قرار می‌دهم:

مطلب اول: عبادت محض

بزرگترین و ارزشمندترین کاری که مسلمان به عنوان عبادت خالصانه برای الله متعال انجام می‌دهد، مثل نماز، زکات، روزه، حج، جهاد و غیره، عبادات محض است. مسلمان ثمره‌ی این عبادات صالح و خالصانه را دوبار بدست می‌آورد: یکبار در دنیا، و یکبار در آخرت. مقصود از ثمره‌ی عاجل و دنیوی همان زندگی پر لذت و آسوده‌خاطری است که انسان در سایه رحمت پروردگار و تطبیق عملی احکام و دستورات خداوند متعال از آن برخوردار می‌شود؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةًۢ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷]

«هرکس چه زن و چه مرد کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، بدو (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و (در آن دنیا) پاداش (کارهای خوب و متوسط و عالی) آنان را بر طبق بهترین کارهای‌شان خواهیم داد».

همچنین به آن‌ها مژده‌ی نعمت‌های بهشت جاودان را می‌دهد، قبل از اینکه از دنیا رحلت کنند، چنان که می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الذین] ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۱۱۳﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۴﴾ [یونس: ۶۲-۶۴]

«هان! بی‌گمان دوستان خداوند ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای

آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است). (دوستان خداوند) کسانی اند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند. برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگام رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا، (یعنی وعده‌هایی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلّف‌ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مژده داده می‌شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است».

دریافت مژده بر نعمت‌ها، گاهی از طریق رویای صالحه می‌باشد که خود انسان می‌بیند و یا کسی دیگر او را می‌بیند؛ و یا در زمان جان کندن، فرشتگان مژده‌ی بهشت و آمرزش را به او می‌دهند؛^۱ چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [فصلت: ۳۰]

«کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند؛ و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند؛ و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و به آنان مژده می‌دهند) که ترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد».

مسلمان باری دیگر ثمرات عمل نیک خود را در آخرت حاصل می‌کند. و بی شک این ثمره، بزرگترین ثمره‌ای است که همه انتظار آن را می‌کشند و افراد برای رسیدن به آن با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ و آن ثمره، بهشت جاویدان و نعمت‌های آن است، بهشتی که نهرهای جاری در آن وجود دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بُشِّرْكُمْ الْيَوْمَ جَنَّتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ [الحديد: ۱۲]

«(و فرشتگان بدیشان مبارک‌بادی می‌گویند و می‌فرمایند:) مژده باد! که امروز به بهشتی درمی‌آید که در زیر (کاخ‌ها و درختان) آن، رودبارها جاری است و جاودانه در آنجا بسر می‌برید و می‌مانید. پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ، این است (خوش باشید).

در این بهشت هر چیزی که بخواهند، هر چیزی که سبب خنکی چشم و آرامش دل‌شان گردد، چیزهایی که جز پروردگار کسی از آن خبر ندارد، وجود دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷]

«هیچ کس نمی‌داند، در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی‌آفرین و مسرت‌بخشی برای ایشان پنهان شده است.»

«مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ»: چیزهایی که برای آنان پنهان شده است. مراد مواهب عظیم و نعمت‌های فراوانی است که برای مؤمنان تهیه دیده شده است. «قُرَّةِ أَعْيُنٍ»: مایه‌ی روشنایی چشم. مراد چیزهای شادی‌آفرین و مسرت‌بخش است.^۱

از خداوند متعال می‌خواهیم که به فضل و رحمت خود ما را از اهل بهشتش قرار دهد.

مطلب دوم: کار عادت و عبادت

هر کاری که عبادت محض نباشد، یا کار عادت است و یا هم عبادت و هم عادت. عادت گاهی حرام است و گاهی هم مباح، در صورتی که حرام باشد در انجام آن انسان مرتکب گناه می‌گردد؛ و اگر مباح باشد، انجام آن مشروع و جایز است و این موضوع مورد بحث ما است که ذیلاً آن‌را توضیح می‌دهیم.

کاری که از روی عادت انجام گیرد از نگاه نیت فاعل آن، به دو قسم تقسیم می‌گردد:

- ۱- فاعل کار در انجام آن نه مرتکب گناهی می‌شود و نه اجری بر آن مترتب می‌شود.
- ۲- فاعل کار مستحق دو اجر می‌گردد.

کارهایی که انسان بخاطر انجام آن نه پاداشی کسب می‌کند و نه گناهی، عبارت است از هر کاری که عادت محض و مباح بوده و خارج از نیت خیر و شر باشد، مانند مباحات که صرفاً به قصد منافع و رشد اقتصاد و تجارت و غیره باشد. مثل سایر تجارت‌های مباح که تنها به قصد سود و منفعت است، بدون در نظر داشتن اجر و ثواب و نیت نفع‌رسانی به مسلمانان و خود کفایی آن‌ها و مقاصدی مانند آن. پس انسان در

۱- تفسیر نور (ص / ۸۷۳) دکتر مصطفی خرم دل، تهران، ایران، نشر احسان، سال نشر: ۱۳۸۸ هـ.ش.

برابر این چنین کارهایی و امثال آن نه ثوابی کسب می‌کند و نه گناهی. و اکثر کارهای انسان‌ها از این قبیل می‌باشند.

کاری که انسان بخاطر انجام آن دو بار اجر می‌گیرد، عبارت است از: هر عمل مباحی که مسلمان همزمان به قصد حصول منفعت و کسب ثواب اخروی در نظر داشته باشد، مثل زراعت به قصد فایده و صدقه و خیرات؛ و مصنوعات در فابریکه‌ها به قصد منافع و فراهم کردن وسایل ضروری؛ و استخراج معادن به هدف تأمین ما یحتاج مسلمانان از منابع طبیعی و تجهیزات نظامی؛ نوشتن و تایپ کتب بخاطر کسب و نیز آموزش فرزندان اسلام و ایجاد انگیزه در جوانان مسلمان و نجات آن‌ها از خطرات جهل و نادانی در برابر جنگ‌های فکری و غیره.

هر کار مباحی که مسلمان می‌خواهد انجام دهد، باید در چارچوب دستورات شریعت اسلام باشد؛ و به نحوی اراده منفعت رساندن به مسلمانان را در نظر بگیرد، بر این اساس هر کارگری مستحق دو اجر و پاداش می‌گردد، یکی اجر عاجل و دیگری اجر آجل، البته وجود این نوع کار را در بین سایر کارهای انسان به ندرت دریافت می‌نماید.

بدیهی است برای این‌که در ضمن عادات، قصد عبادت را داشته باشیم، نیازی به افزایش انرژی و کار بیش از حد نیست، داشتن صرف نیت کسب اجر و ثواب، کافی و معتبر است. با عرض تأسف باید گفت که در این زمینه که خیرات فراوانی نیز در بر دارد، اکثر مسلمانان در غفلت بسر برده و در معمای زندگی فرورفته و این فرصت را از دست داده‌اند.

از مطالب فوق دریافتیم که کارهای مسلمانان با در نظر گرفتن نیت، همواره عبادت است و تنها نیاز به نیت و اراده است نه چیز دیگر؛ و وجود آن موجب رستگاری و کامیابی در دنیا و آخرت و زندگی لذت‌بار دنیوی است و در آخرت سبب ورود همیشگی و جاویدان در بهشت پروردگار و کسب رضایت پروردگار می‌باشد.

کارهای که ضامن خود کفایی‌ها می‌گردند

دیدگاه اسلام و مسلمانان از کار با سایر ملت‌ها فرق دارد، اسلام کار را وسیله‌ی زندگی شناخته نه هدف و غایت، بنابر آن برای رفع نیازمندی‌ها می‌توانند از انواع کارها ضرورت‌شان را بدور از افراط و تفریط انتخاب کنند. فراهم نمودن کار، برای رفع

ضرورت‌های زندگی هر چند زیاد یا کم باشد، و طیفه‌ی ولی امر مسلمانان است که موارد مصالح ملت را شناسایی نموده به مشوره اهل حل و عقد اقدامات لازم را حسب مصلحت‌های عامه به هدف رسیدگی به حاجات و به کار اندازی افراد و غیره ایفا نماید. لذا این موضوع را در مباحث آتی توضیح می‌دهم:

کار در اسلام وسیله است نه هدف

زمانی که انسان کافر تنها بخاطر دنیای خود کار می‌کند، مسلمان نباید صرفاً بخاطر کسب حلال دنیایی کار کند، بلکه علاوه بر آن، اجر و ثواب آخرت را نیز مدنظر قرار دهد. لذا کار دنیوی برایش یک وسیله است نه هدف، با آنکه اکثر نیازمندی‌های او را مرفوع می‌سازد، این یک فضل و مرحمت الهی است که به هرکس بخواهد، می‌دهد. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۲].

«ای محمد! زشتی کار افتراء تحلیل و تحریم را بدیشان خاطر نشان ساز و به آنان بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده است و همچنین مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده است؟ بگو: این (نعمت‌ها و موهبت‌های حلال و) چیزهای پاکیزه، برای افراد باایمان در این جهان آفریده شده است (و دیگران نمی‌بایست از آن استفاده کنند. ولی در این دنیا بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست، و این هم از رحمت واسعه خدا و لطف او است. اما) در روز قیامت این‌ها همه در اختیار مؤمنان قرار می‌گیرد (و دیگران به کلی از آن محروم می‌گردند). این چنین آیات (خود را درباره احکام حلال و حرام) برای کسانی توضیح و تشریح می‌کنیم که آگاهند و می‌فهمند».

امروز نظام‌های حاکم در جهان رفاه، آسایش، ثروت و دسترسی به مال و دارایی را یگانه هدف اساسی فرد قرار داده، در راستای حصول آن در تلاش هستند؛ و جامعه نیز رسیدن به آن را منتهای هدف خود می‌داند، بنابر آن تمدن امروز تمدن مادی است، تفاوتی ندارد که نظام اشتراکی سوسیالیستی باشد و یا سرمایه‌داری غربی. مدافعین نظام سرمایه‌داری بخاطر تحقق اهداف‌شان مبادی دین و همه‌ی ارزش‌های اخلاقی را پامال نمودند. اما دین اسلام برای افراد جامعه اخلاق و ارزش‌ها را احیا نموده که در آن مال و ثروت تنها وسیله است نه هدف و مرام.

هدف اساسی در اسلام وصول به ذات پروردگار است؛ چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الذاریات: ۵۰]

«به سوی (عبادت) خدا بشتابید. من بیم‌دهنده‌ی آشکاری از سوی او برای شما هستم (و پیغمبری من با دلائل و معجزات، برای شما روشن است)».

پروردگار عالم معبود ماست و تنها او را می‌پرستیم و بسوی او سعی می‌ورزیم؛ و به رحمت او امیدواریم و از عذابش بیم داریم. نماز و روزه و قربانی ما برای اوست و در زندگی بر اساس فرامین او تعالی گام برداشته و پیوسته در این مسیر روان هستیم، در راه او زندگی را قربانی می‌نماییم و هیچ‌گاه دریغ نمی‌ورزیم و هیچ بدیلی را در برابر آن نمی‌شناسیم، در راستای تحقق این هدف عالی، نیاز به مال داریم و از مال برای استواری و استقامت جسم خود که روح ما در آن قرار دارد، بهره می‌بریم، همچنین از آن برای اعمار و آبادانی زمین استفاده می‌کنیم تا این که مطابق دستور خداوند متعال استوار شود؛ پس مال در اسلام وسیله است نه هدف و غایت؛ به همین خاطر اسلام ما را تشویق نموده تا مال را خادم قرار دهیم نه مخدوم، پیامبر آ حب مال و پرستش کننده آن را مذمت کرده و می‌فرماید: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «تَعَسَّ عَبْدُ الدِّيَّانَرِ، وَالذَّرْهَمِ، وَالْقَطِيفَةَ، وَالْحَمِيصَةَ، إِنْ أُعْطِيَ رَضِيَ، وَإِنْ لَمْ يُعْطَ لَمْ يَرْضَ»^۱.

«بنده دینار و درهم و پارچه نفیس، نابود باد. زیرا اگر به او عطا شود، خرسند می‌گردد و اگر عطا نشود، خشمگین و ناراحت می‌شود. (چنین شخصی) هلاک و سرنگون باد (تا جایی که) اگر خاری به پایش خلد، کسی پیدا نشود که آنرا در آورد. خوشا به حال بنده‌ای که با سری ژولیده و پاهایی غبار آلود، عنان اسبش را در راه الله بدست گیرد. اگر در خط مقدم جبهه، مأمور حراست شود، حراست کند و اگر مأموریتش، پشت جبهه باشد، آنجا نیز به وظیفه‌اش عمل نماید. (این شخص، نزد مردم، هیچگونه جایگاهی ندارد طوریکه) اگر اجازه بخواهد، به او اجازه نمی‌دهند و اگر شفاعتی کند، کسی شفاعتش را نمی‌پذیرد».

مال در اسلام زینت و متاع با ارزشی است، اما زینت دنیا و متاع آن نابود شدنی است؛ ارزش بزرگ در اسلام، متاع اخروی می‌باشد، بنابر این قرآن انسان را تشویق می‌کند تا بوسیله‌ی متاع دنیوی، برای کسب و حصول متاع اخروی بکوشد؛ آنجاکه

می‌فرماید: ﴿وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾ [الفصص: ۷۷]

«به وسیله آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی)».

وقتی مسلمان برای دنیای خویش کار می‌کند، هدف نهایی‌اش همین نیست، بلکه آن‌را وسیله‌ای برای تحقق یافتن هدف و غایتی که بخاطر آن آفریده شده است قرار می‌دهد؛ خداوند متعال همه چیز را خلق کرده و در اختیار انسان گذاشته تا عبادتش که همانا هدف آفرینش است انجام بپذیرد، چون قیام این هدف بر مبنای یک سلسله کارهای مختلف دنیوی استوار است. با این مفکوره مسلمان کارهایش را در ضوابط و محدوده‌های شرعی و با هدف والا انجام می‌دهد. پس در نزد مسلمان هدفمند یگانه معیار در شناسایی کار همین است.

گاهی هم مسلمان بخاطر هدف بزرگ، کاری را رها می‌کند، در حالی که بزرگترین عاید و ثروت مالی را برایش فراهم می‌سازد، و شاید هم وسیله رشد اقتصادش باشد، ولی آنرا بخاطر نامشروع بودنش ترک کرده و به کار دیگری مشغول می‌شود؛ و شاید در راستای چنین کاری، هزینه بزرگی را نیز صرف کرده باشد، ولی چون می‌خواهد با دستور شرع هم‌گام باشد، آن را رها می‌کند. چنین است راه و روش مسلمان در قبال کار و اشتغال، و این است میزان حق در هر کاری.

عوامل رشد اقتصاد اسلامی

مسئولیت انسان در زندگی، آبادانی زمین است و آبادانی زمین بدون اقتصاد و عامل رشد آن امکان ندارد؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ أَشْأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ [هود: ۶۱] «او ذاتی است که شما را از زمین آفریده است و آبادانی آن را به شما واگذار نموده است (و نیروی بهره‌وری و بهره‌برداری از آن را به شما عطاء و در شما پدید آورده است)».

یکی از وسیله‌های مهم در رشد اقتصاد، کار است که هدف را تحقق می‌بخشد، زندگی بدون کار، جسد بدون روح است، خداوند متعال انسان را به قوت و توانایی ویژه

آراسته نموده و او را قادر بر رهبری و اداره زندگی نموده است، تا با کار جدی و پرتلاش به تأمین زندگی فردی و اجتماعی بپردازد.

همچنین ملکیت، عامل تاثیرگذار دیگری در رشد اقتصاد اسلامی است، که در دید اسلام، از جمله راه‌های مشروع بوده و نتیجه جهد و تلاش شخصی انسان در خرید و فروش، زراعت، صنعت و تملک به مباحات و یا بدون سعی و تلاش، مانند نفقه خانم و فرزندان و هبه، وصیت، عطیه و میراث می‌باشد.

همچنان‌که اشاره شد، در رشد اقتصاد اسلامی دو عامل مهم و یا زمینه وجود دارد: یکی: کار و دومی هم ملکیت، و در خصوص هر یک از این دو بحثی خواهیم داشت.

کار و کارگر

مفهوم کار در نظام اشتراکی و سرمایه داری، مفهومی بسیار محدود است، چون انتاج و تولیدی که بدست مردم صورت می‌گیرد و افراد جامعه در سرمایه‌گذاری آن حقی ندارند، منحصر به فرد یا حکومت می‌باشد، بلکه از این هم محدودتر است، چون منحصر بر تولید مادی است، نه تولید فنی؛ و نام کارگر در این دو نظام بر همین دسته از مردمی که برای صاحبان کار و سرمایه‌داران رنج می‌کشند اطلاق می‌گردد.^۱

اما مفهوم کار به عنوان وسیله‌ای مهم در رشد اقتصاد اسلامی در مقایسه با دیدگاه‌های فوق الذکر خیلی وسیع و فراگیر می‌باشد، لذا هر جهد و سعی مادی یا معنوی و یا هردو، از دیدگاه اسلام کار محسوب می‌شود. باید گفت که کارگر فابریکه و مدیر آن، و موظف و مامور دولت، تاجر و صاحب زمین، دکتر و انجنیر، همه این اصناف کارگران دولت اسلامی‌اند.

بنابراین کار از دیدگاه اسلام، مفهومی فراگیر بوده و تمام فعالیت‌های مشروع را که در برابر کسب اجرت یا فایده صورت می‌گیرد، در برمی‌گیرد.

کار و فعالیت رضایت بخش در اسلام، عبارت از کار مباح می‌باشد؛ و هر کاری که شرعاً جواز نداشته باشد، مقبول و مشروع نیست.

بطور مثال: تجارتخانه‌هایی که سر و کارشان با حرام است، مثل شراب، وسایل و آلات گمراه کننده، مخدرات، سرقت، ستاره شناسی، فال بینی، تعویذات و ترویج زنا و

۱- نحو الثقافة الإسلامية الأصيلة (ص: ۳۲۸) دکتر عمر سلیمان عبدالله الأشقر، عمان الأردن، دار

کارهای مخربی که به رشد و گسترش فاحشه و رذایل اخلاقی کمک می‌کن، آن‌هم از طریق سریال‌های ضد اخلاقی و فیلم‌ها و حکایات و نشریات و مجلاتی که روی هدف خلع اخلاق کار می‌کنند و مدافعین این اندیشه که بطور گسترده به نشر فساد در جوامع اسلامی می‌پردازند. اگر نصوص قرآن و سنت مورد مطالعه قرار گیرد، آشکار می‌شود که اسلام برای آبادانی زمین، به کار دستور داده است، تا رشد چشم‌گیری در اقتصاد صورت گیرد و از بیکاری و تنبلی که عامل بزرگ شکست اقتصاد جامعه است بیم داده شده است؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰].

«آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و خدای را (با دل و زبان) بسیار یاد کنید، تا این که رستگار شوید».

و در جایی دیگر می‌فرماید: ﴿عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى وَعَآخِرُونَ يَصِرُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [المزمل: ۲۰]

«خدا می‌داند که کسانی از شما بیمار می‌شوند؛ و گروهی دیگر برای جستجوی روزی و به دست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می‌کنند».

و در حدیث صحیح آمده که پیامبر **آ** فرمود: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»^۱.
«هیچ کس طعامی را نخورده که بهتر از کار دست خود او باشد، و پیامبر خدا داود ÷ از دسترنج خود می‌خورد».

پیامبر **آ** کارگرانی را که برای رفع نیازهای خود و خانواده خود مشغول کار می‌شوند، از جمله مبارزین راه الله قرار داده است، طوریکه شخصی از نزد پیامبر **آ** عبور کرد و صحابه به پیامبر **آ** عرض کردند که از قوت و توانایی جسمی برخوردار است، اگر در راه الله کار می‌کرد، پیامبر **آ** در ادامه آن فرمودند: «اگر برای رفع نیازمندی فرزندان و خانمش بیرون شده باشد، در راه الله است؛ اگر بخاطر والدینش

بیرون شده باشد در راه الله است، اما اگر بیرون شدنش بخاطر فخر و ریاکاری باشد، در راه شیطان است). روایت طبرانی با رجال صحیح.^۱

لذا کار در نظر مردم به هر نوع و شکلی که باشد هرچند کوچک و دشوار و بی ارزش هم باشد، از دیدگاه اسلام به مراتب، از سوال کردن و متوصل شدن به گدایی بهتر است، در حدیثی که از پیامبر آ نقل می شود می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهُ، فَيَحْتَطِبَ عَلَى ظَهْرِهِ، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا فَيَسْأَلَهُ، أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ»^۲.

«به خدا سوگند اگر کسی از شما، طنابش را بر دارد و با جمع کردن و فروختن هیزم، امرار معاش کند، این کار برای او بهتر است از آن که دست گدایی، پیش این و آن دراز کند. و آن هم معلوم نیست که به او چیزی بدهند یا ندهند».

اسلام دروازه گدایی را بسته است، لذا برای هیچ کسی جایز نیست که دست به گدایی بزند، مگر سه دسته از مردم که برای شان سوال کردن بطور موقت جایز دانسته شده است؛ این سه در حدیث رسول الله آ مشخص شده اند: «الْمَسْأَلَةُ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ. لِذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ، أَوْ لِذِي غُرْمٍ مُفْطِعٍ، أَوْ لِذِي دَمٍ مُوجِعٍ»^۳. «سوال کردن بجز سه گروه برای کسی حلال نیست، برای فقیر فقر زده، بدهکاری که ملزم به پرداخت آن است و کسی که مسوولیت پرداخت دیه را بدوش داشته باشد».

اسلام بر کار تشویق نموده و تلاش دارد تا مسلمانان در براه اندازی کار و زمینه آن و رشد و رونق چشمگیر اقتصادی اقدام نمایند و هیچگاه افراد جامعه اسلامی را بر کار معینی مکلف نکرده است، بلکه تمام توجیهاتی که اسلام به آن داده مصروف بودن افراد به نفع جامعه بوده که تقصیری در روند مسوولیت هایشان نداشته باشند و در رفع هر نوع کوتاهی و گناه و معصیت تلاش نمایند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه / می گوید: «غیر از این قول، سایر فقها از یاران امام شافعی و امام احمد بن حنبل و دیگران رحمهم الله، مانند ابو حامد غزالی و ابو الفرج

۱- صحیح الترغیب والترهیب، شماره حدیث (۱۶۹۲).

۲- صحیح بخاری (ص: ۲۹۳)، شماره حدیث (۱۴۷۰).

۳- تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی (۳/ ۳۶۱)، الإمام الحافظ أبي العلاء محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحيم المبارکفوری، بیروت لبنان، دار إحياء التراث العربي سال نشر ۱۴۲۲ هـ ق - ۲۰۰۱ م.

ابن الجوزی می‌گویند: همانا این نوع صنعت کاری مانند: دهقانی، بافندگی و ساختمان‌سازی فرض کفایه بوده، مصلحت‌های مردم بدون آن حاصل نمی‌شود.^۱ همچنین علما گفته‌اند: کارهایی که ذکر شد، فرض کفایه می‌باشند، ولی در صورتی که کسی بر انجام آن همت نکند و یا این که دیگران از انجام آن عاجز باشند، فرض عین می‌گردد؛ مثلاً زمانی که مردم نیازمند کشاورزی و یا صنعت و بافندگی و معماری گردند در آن صورت بر آن‌ها واجب می‌شود و در صورتی که امتناع ورزند، دولت آن‌ها را مجبور می‌کند.^۲

اسلام موضوع کار و اشتغال را امر منصوسی گذاشته است، زیرا نیاز جامعه در این بخش ملموس و مشهود است، ولی جوانب مختلف، شیوه و تنوع کار را نظر به شرایط و احوال زمان به خود انسان‌ها واگذاشته تا بر انجام آن همت گمارند و خواسته‌های‌شان مهیا گردد. هر گاه جمعیت کارگران در محیطی کاهش پیدا کند و تقاضای مردم بیشتر گردد، حاضر می‌شوند تا برای کسب مایحتاج خود پول بیشتری بدهند و این جاست که امور کاری نیاز بیشتری به کارگران پیدا می‌کند؛ و این نیازمندی عاملی بزرگ در روی آوردن و توجه مردم به کار شده و بالأخره منجر به رفع نیازمندی‌ها می‌گردد. پس جامعه اسلامی خودش باید برای تنظیم امور دست بکار شود و کار و رشد اقتصاد را در اولویت برنامه‌های خود قرار بدهد، چون دولت مکلف است که توجیه درست و پلان‌های معقول به اتباع خود طرح نماید و نیازهای‌شان را بر طرف سازد.

تأمین روابط بین کارگران و صاحبان کار

موضوع دیگری که مهم است تأمین روابط بین کارگران و صاحبان کار است: بهبود روند کار نتیجه‌ی درستی و دقت و صداقت در کار است، لذا کارگران مکلف‌اند تا کارهایی را که بدوش‌شان گذاشته شده به بهترین شکل ادا کنند؛ در اسلام به تحسین و درستی در انجام کار، احسان می‌گویند؛ خداوند متعال احسان را در همه چیز فرض کرده است، چنان که در حدیث صحیح آمده است: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ

۱- الحسبة (ص ۳۲) شیخ الإسلام احمد بن عبدالحلیم بن عبد السلام ابن تیمیه، المكتبة الشاملة موافق للمطبوع.

۲- نحو الثقافة الإسلامية الأصيلة (ص/۳۳۰).

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلِيُحَدِّثْ أَحَدَكُمْ شَفْرَتَهُ وَلِيُرِيحَ ذَيْبِحَتَهُ»^۱.

«همانا خداوند احسان و نیکی را بر هر چیز واجب نموده است، پس چون کشتید، نیکو بکشید و چون حیوانی را ذبح نمودید، نیکو ذبح کنید، باید تیغ خود را تیز کرده و قربانی خود را راحت نمایید». در موضوع احسان کردن که عبارت از درستی و دقت و رفق در امور است هیچ فرقی بین احسان در عبادت و احسان در کار دنیوی وجود ندارد، چنان که خداوند متعال می فرماید: ﴿تَبَرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿[الملك: ۱-۲]

«بزرگوار و دارای برکات بسیار آن ذاتی است که فرمانروایی (جهان هستی) از آن او است و او بر هر چیزی کاملاً قادر و توانا است. همان ذاتی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدامتان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. و او چیره و توانا، و آمرزگار و بخشاینده است».

زمانی که اجیر یا کارگر کار سپرده شده را با کمال امانت‌داری و شیوه مناسب انجام دهد، مسؤولیت ایمانی و وجدانی خود را ادا نموده است و مستحق حقوقش می‌باشد و صاحب کار نیز باید اجرش را بدون تعلل پردازد. و از حقوق کارگر است که کارفرما نباید وی را بالاتر از توانش مکلف به کاری سازد، آن چنان که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ﴾ [الأعراف: ۸۵]. «و از حقوق مردم چیزی نگاهید».

و در حدیث قدسی فرمودند: «قَالَ اللَّهُ ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أُعْطِيَ بِي ثُمَّ عَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِ أَجْرَهُ»^۲. «خداوند می فرماید: سه نفراند که من روز قیامت، خصم آنها خواهم بود. (اول): کسی که به اسم من، پیمان ببندد، سپس، آن را نقض کند. (دوم): کسی که شخص

۱- صحیح مسلم (۷۲/۶)، شماره حدیث (۵۱۶۷) أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، ناشر: دار الحیلة بیروت دار الأفاق الجديدة - بیروت، تعداد اجزاء: هشت جزء در چهار جلد.

۲- صحیح بخاری (۹۰/۳) حدیث (۲۲۷۰).

آزادی را بفروشد و قیمتش را بخورد. (سوم): کسی که از شخصی کار بگیرد و مزدش را ندهد».

تملک و ملکیت خاص و عام و مصادر آن

ملکیت در نظام اقتصاد اسلامی

اسلام همواره سعی دارد که در اذهان و افکار اتباع خود، مفهوم تملک و ملکیت بلا قید و شرط جهان و ما فیها را صرفاً به الله تعالی اختصاص دهد که شامل زمین، آسمان، آفتاب، مهتاب ستاره‌ها، کوه‌ها، دره‌ها، حیوانات، گیاهان و همه چیز می‌باشد، بلکه حتی خود انسان و ما یملک او در ملکیت و تصرف الله متعال می‌باشد. خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ﴾ [المائدة: ۱۲۰]

«ملکیت و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌ها است، از آن خدا است»

و برای بشر اجازه تملک نسبی داده است که می‌توان آن را ملکیت موقت یا عاریه‌ای

نامید، چنان که می‌فرماید: ﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ﴾ [الحديد: ۷]

«و از چیزهایی ببخشید که شما را در آن‌ها نماینده (خود در تصرف، و جانشین

دیگران در بدست گرفتن اموال) کرده است».

هر انسان در حیات خود ملکیتی دارد که خواه ناخواه آن را بعد از مرگ بر جای

می‌گذارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿۲۶﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ ﴿۲۷﴾﴾ [الرحمن: ۲۶-۲۷]

«همه‌ی چیزها و همه‌ی کسانی که بر روی زمین هستند، دستخوش فنا می‌گردند. و

تنها روی ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس».

لذا ملکیت انسان‌ها یک عاریت محض است و مسترد شدنی هست، اما ملکیت

حقیقی که اعتبار شرعی دارد، اشیایی است که به انسان نسبت داده می‌شود، چنان که

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ﴾ [التوبة: ۱۰۳]

«(ای پیغمبر!) از اموال آنان (که به گناه خود اعتراف دارند و در صدد کاهش بدی‌ها و

افزایش نیکی‌های خویش می‌باشند) زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را (از رذائل اخلاقی،

گناهان و تنگ‌چشمی) پاک داری و (در دل آنان نیروی خیرات و حسنات را رشد دهی و

درجات) ایشان را بالا ببری».

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾ [المعارج: ۲۴]
 «همان کسانی که در دارایی ایشان سهم مشخصی است».

خداوند متعال در دو آیه‌ی فوق همان اموالی را به انسان نسبت داده که تضمین کننده سعادت اخروی او می‌باشند. اسلام تملک و ملکیت را در اشیای استهلاکی مباح غیر مقید دانسته است و هر قیدی را که وضع می‌کند بر وسایلی مقید است که ملکیت‌ها بر مبنای آن حاصل می‌شود، و راه غیر مشروع در حصول ملکیت‌ها را محدود و مشخص کرده است، از جمله دستیابی به مال و ملکیت از طریق سود، تجارت شراب و مخدرات، تعاملات مبنی بر قمار و یا اجرت گرفتن بر ارتکاب جرایم، مانند سرقت، رشوه، تقلب و اعمالی از این قبیل که شریعت احکام آن‌را به روشنی بیان نموده است.

راه‌های مشروع برای دسترسی به ملکیت‌ها نتیجه تلاش شخصی انسان است که از راه خرید و فروش، زراعت، صنعت‌کاری و یا تصاحب اشیای مباح و گاهی هم تملک بدون تلاش و زحمت بدست می‌آورد، مانند نفقه که خانم و اولادها حاصل می‌کنند، و نیز آنچه از طریق هبه و وصیت، تحفه و میراث به ملکیت انسان درمی‌آید. بحث بیشتر این موضوع را در ملکیت‌های عام و خاص بیان خواهیم کرد.

وقتی اسلام تملک ملکیت را مباح می‌داند، در جانب دیگر حقوقی را بر کسانی که مالک نصاب و توانایی مالی هستند واجب گردانده است، همچنان حقی را که فرزندان، پدران، همسران، فقرا و مساکین بر آن‌ها دارند، ادا نمایند و یا زکات را برای مستحقین آن ادا نمایند، بنابراین زکات در اسلام مشروعیت پیدا کرده است.

از دیگر خوبی‌های نظام اقتصادی، حفظ توازن و تراحم بین افراد جامعه است، بطوری که بر برخی نافرمانی‌ها و مخالفت‌های شرعی، پرداخت مقدار معینی از مال را بنام کفاره لازم گردانده است تا در وجوه خیر به مصرف برسد، مثلاً مجامعت با خانم در روز رمضان، شکستن قسم، ظهار و موارد دیگری که در فقه اسلامی به تفصیل بیان شده‌اند. در مجموع شریعت اسلامی به سهمگیری در وجوه خیر تشویق نموده تا بندگان مسلمان از مرحمت بیشتر الله تعالی در آخرت هم بهره‌مند شوند. خداوند متعال

می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ [الزلزلة: ۷]

«پس هرکس به اندازه ذره‌ی غباری کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را

خواهد گرفت»

و نیز می‌فرماید: ﴿قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَآبِنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۱۵]

«بگو: آنچه از (مال و دارایی پاکیزه و) پسندیده صدقه و انفاق می‌کنند از آن پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و بیچارگان و واماندگان در راه (و بریده از مال و دارایی خویش) است. و هر کار نیکی که می‌کنید خداوند از آن آگاه است.»

از سویی دیگر اسلام از تجاوز در انفاق و اسراف و تبذیر نهی نموده و همزمان از بخل و سختی در انفاق نیز منع نموده است.

موضوع تملک و ملکیت و مشروعیت و تشویق شریعت به آن را بیان داشتیم، حال تقسیمات عام و خاص آن را بر مبنای مصادر آن توضیح می‌دهم که از وسایل مهم در رشد اقتصاد اسلامی شناخته شده است.

اول: زمینه‌های تملک ملکیت عام و منابع آن

۱- اوقاف خیری: مراد از وقف " حبس کردن اصل و رایگان کردن منفعت آن در راه خداوند است." ^۱ و این منفعت حاصله از اصل، مخصوص فرد نبوده و حق تملک آن را ندارد، بلکه از آن عموم مردم مستحق است. علما می‌گویند: بهتر است در کارهای خیری همچون: آبادانی مساجد، کفالت اهل علم، بنای مراکز درمانی، انفاق بر اشخاص بی‌بضاعت و اموری که به نفع مردم تمام می‌شود، مصرف شود.

۲- حمی امام: عبارت از منع کردن احیای قطعه زمین لامزروع است که ولی امر مسلمانان برای مصلحت عامه و بخاطر استفاده از نباتات و چراگاهها مشخص کرده باشد. ^۲ پس حمی، زمین موات است که به ملکیت عموم مسلمانان و برای تامین

۱- المغنی (۱۸۴/۸). شیخ الإسلام موفق الدین أبي محمد عبدالله بن احمد بن محمد المقدسی

الحنبلی ابن قدامه؛ الرياض، دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۶- ۲۰۰۵ م.

۲- الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ماوردی (ص: ۲۸۵). أبو الحسن علی بن محمد بن حبيب

البصری البغدادی، بیروت، المکتب الإسلامی للنشر، نشر ۱۴۱۶ هـ.

خدمات آنها قرار داده می شود. دلیل این عمل حمی کردن پیامبر آ است: «حَمَى النَّبِيِّ آ، الرَّبْدَةَ لِأَهْلِ الصَّدَقَةِ»^۱

و همچنان دلیل دیگر از ابنِ عُمَرَ: «حَمَى الرَّبْدَةَ لِتَعَمِّ الصَّدَقَةِ»^۲.

۳- نیازمندی‌های اساسی؛ آب، علف و آتش: این موارد در ملکیت عموم مردم قرار داشته و شرعا مالک خصوصی ندارد، زیرا از جمله حاجات ضروری مشترک المنافع بوده که بدون تلاش شخصی فرد به میان می‌آید؛ و در مورد آن هیچ کسی نمی‌تواند خود را اولی از دیگران بداند، مگر در حالاتی که شرایط روز آن را ایجاب کند. وقتی مسلمانان در سرزمینی اقامت گزینند، حق دارند که در صحرای آن بدون هیچ‌گونه مانعی چهار پایان خود را بچرانند و از آب آن استفاده کنند؛ چرا که هیچ انسانی در بیرون آوردن گیاه و آب آن نقشی ندارد.

۴- معادن: معادن عبارت از مواد و ذخایر خشکی و آبی می‌باشند که خداوند متعال در درون زمین قرار داده است تا مردم از آن منفعت بجویند، مانند آهن، مس، مواد سوختی، نمک، طلا، نقره و غیره.

فقها اتفاق نظر دارند که وقتی معدنی کشف شود، نمی‌تواند در ملکیت خصوصی هیچ فردی درآید، بلکه تحت ملکیت دولت است، به این معنا که ملکیت عموم مردم می‌باشد.

گاهی برخی از علما بر خلاف نظر جمهور فتوا می‌دهند و آن زمانی است که معادن در ملکیت خصوصی شخصی کشف شوند، ولی قول راجح که نظر امام مالک / نیز می‌باشد، این است که این‌گونه معادن در ملکیت بیت المال دولت قرار می‌گیرند و باید

۱- معجم الكبير، طبرانی (۱۲ / ۳۷۰)، أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، قاهرة، مصر، مكتبة ابن تيمية، چاپ: دوم، و(دار الصمعي - الرياض / چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م).

۲- المصنف في الأحاديث والآثار (۶/۵)، ابن أبي شيبه؛ أبو بكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستی العبسی، مكتبة الرشد - الرياض المملكة العربية السعودية، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.

به مصالح عموم مسلمانان به مصرف برسند، زیرا مانند عموم منافع عامه می‌باشند و مردم به آن نیاز دارند.^۱

۵- زکات: عبارت است از حق مالی واجب بر طایفه مخصوص در زمان مخصوص.^۲ زکات از جمله مصادر اساسی ملکیت‌های عامه بشمار می‌رود، چنان‌که پیامبر آ بر آن امر نمودند - «تؤخذ من أغنيائهم وترد إلى فقرائهم»^۳ شامل عموم ملکیت‌های عامه می‌شود، مخصوصاً بیرون کردن آن برای مستحقینی که قرآن از آن‌ها ذکر نموده است: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾ [التوبة: ۶۰]

«زکات مخصوص مستمندان، بیچارگان، گردآورندگان آن، کسانی که جلب محبتشان برای پذیرش اسلام و سودگرفتن از خدمت و یاریشان به اسلام چشم داشته می‌شود، (آزادی) بندگان، (پرداخت بدهی) بدهکاران، (صرف) در راه (تقویت آئین) خدا، و واماندگان در راه (و مسافران درمانده و دورافتاده از مال و منال و خانه و کاشانه) می‌باشد».

۶- جزیه: جزیه عبارت از اموالی است که دولت اسلامی آن‌را از افراد بالغ اهل ذمه و مجوس در مقابل اقامت گزیدنشان در زیر چتر دولت اسلامی و دسترسی‌شان به حقوق، می‌گیرد؛ زیرا این گروه زکات مال خود را نیز نمی‌پردازند. این استحقاق باید در سالی یک‌بار و با رعایت عدالت اسلامی و ترحم و بی آن‌که بیش از توان‌شان مکلف شوند، گرفته شود.^۴

۷- خراج: خراج عبارت از مالی است که بر اوقات معینی از زمین‌های کفار که تحت تصرف مسلمانان قرار گرفته است اخذ می‌گردد. و یا اینکه زمین را بعد از مصالحه بدست خودشان قرار می‌دهند. بر زمین‌های مملوک افراد غیر مسلمان زکات لازم نمی‌شود لذا بجای زکات، به خراج اکتفا می‌شود.^۵

۱- الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ماوردی (ص: ۳۰۴).

۲- المجموع شرح المذهب، نووی (۵/ ۳۲۵). «مع تكملة السبكي والمطيعي» دار الفكر.

۳- صحیح بخاری (۱۰۴/۲)، شماره حدیث: ۱۳۹۵.

۴- الأحكام السلطانية والولايات الدينية (ص: ۲۲۵).

۵- مرجع قبلی (ص: ۲۳۲).

۸- خمس غنائم: مراد از خمس غنایم، اموالی است که از کفار به غنیمت گرفته می‌شود که این اموال به پنج قسمت تقسیم می‌شود و از این پنج قسمت، یک قسمت آن به کسانی داده می‌شود که در قرآن ذکرشان شده است، چنان‌که در آیه مبارکه آمده است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ [الأنفال: ۴۱]

«ای مسلمانان! بدانید که همه غنائمی را که فراچنگ می‌آورید، یک پنجم آن متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان (پیغمبر) و یتیمان و مستمندان و واماندگان در راه است.»

سهم خدا و رسول به مصالح عامه‌ای اختصاص دارد که پیامبر آ در زمان حیات خود و یا پیشوای مؤمنان بعد از ایشان معین نموده است. این مراد از خمس غنایم است.^۱

از جمله دلایل این مسأله حدیث پیامبر آ است، بعد از اینکه موی را از بغل شتر گرفتند، فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَجِلُّ لِي مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ قَدْرَ هَذِهِ إِلَّا الْخُمْسُ. وَالْخُمْسُ مَرْدُودٌ عَلَيْكُمْ».^۲

«ای مردم از آن چیزی که به عنوان فئ، خداوند متعال در اختیارتان قرار داده به اندازه این قدر هم بر من حلال نیست مگر خمس آن که آن هم به شما بر می‌گردد.»

۹- اموال بی‌صاحب: مراد از آن اموالی است که صاحب نداشته باشد، مثل ترکه کسی که وارث نداشته باشد. یا این که غیر از یکی از زوجین، وارثی نداشته باشد، که پس از پرداخت سهم شخص، هر چه باقی ماند، از آن بیت المال است. همچنین ودیعه‌ها و اموال سایبه که صاحب آن شناخته نشود. همچنین اموال رشوه که از ملکیت راشی خارج شده، به بیت المال تحویل می‌گردد و به مرتشی برگردانده

۱- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، كاساني (۲۰۱۷ - ۲۰۰۴) الإمام علاء الدين أبي بكر بن مسعود الحنفى الملقب بملك العلماء، بيروت لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ۱۴۲۰ هـ. ۲۰۰۰م.

۲- سنن نسائي (۱۳۱ / ۷)، شماره حدیث (۴۱۳۸) أبو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن علي بن بحر بن سنان بن دينار، حلب سورية، ناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية، چاپ سوم، بيروت لبنان، ۱۴۱۴ هـ.

نمی‌شود، طوریکه رسول الله آ با ابن لثبیه انجام دادند و تحفه‌ها را به دهندگان آن رد نمودند.^۱

۱۰- حصول عشر از اموال حربی‌ها:

هرگاه کافر حربی به عنوان پناهنده سیاسی وارد قلمرو اسلام شود، در ازای کل مال تجارتي، از او عشر گرفته می‌شود که مربوط به بیت المال می‌باشد.^۲

دلیل آن اثر عمر فاروق ○ است، آنگاه که یکی از والیانش برایش نوشت که: مردمانی از اهل حرب وارد قلمرو اسلام می‌شوند و اقامت می‌گیرند. در جواب برایشان نوشت: اگر شش ماه اقامت بکنند از آن‌ها عشر بگیر و اگر یک سال اقامت بکنند نصف عشر بگیر. و همچنان به اهل منبج زمانی که خواستند برای تجارت وارد سرزمین عرب شوند به عمر ○ نوشته پیشنهاد دخول شدن کردند، سپس عمر ○ با اصحاب مشوره کرد و به اتفاق به پرداخت عشر نظر دادند.^۳

از اهداف ملکیت عامه:

۱- دست یافتن کافه مردم به ثروت عامه مفید مشترک که شامل ضروریات و دیگر اشیاء است، مانند آب، علف، آتش و نمک که زندگی عامه مردم به آن مرتبط است؛ و وقتی کسی این اشیاء را احتکار بکند، به مثابه تحکم در آینده‌ی مردم بوده و مورد بازپرس قرار می‌گیرد.

۲- **تأمین نفقات دولت:** دولت مسؤول رعایت حقوق مردم است و ایجاب می‌کند بر ادای واجبات خود اقدام نماید، تا خلأها را پر نموده و نیازهای ارتش، فقرا، ایتام و مساکین را مرفوع ساخته و به مسأله امنیت، تعلیم، درمان و کافه خدمات عامه توجه جدی نماید؛ زیرا دولت هیچگاه بدون عواید عامه که ذکر شد، قادر به تأمین این امور نخواهد بود.

۱- شرح مشکل الآثار، طحاوی (۱۱ / ۱۰۸) أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدی الحجری المصری المعروف بالطحاوی، بیروت لبنان، مؤسسة الرسالة، چاپ اول - ۱۴۱۵ هـ، ۱۴۹۴ م.

۲- المغنی (۱۳ / ۲۳۵).

۳- المصنف، صنعانی (۹۷/۶)، أبوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی، بیروت، لبنان، المكتبة الإسلامية، نشر ۱۴۰۳ هـ، چاپ دوم.

۳- تشویق به کارهای خیر، تا این که کمک به همه نیازمندان برسد. پس وقف و زکات روش‌های مبارکی هستند که بوسیله آن به رفع نیازهای اعمال خیری چون: مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها و شفاخانه‌ها و غیره پرداخته می‌شود.

۴- استفاده معقول از ثروت و دارایی به بهترین وجه که مصالح بشریت را تأمین کند، مخصوصاً عملی ساختن پروژه‌های بزرگی که افراد و شرکت‌ها از آن عاجزاند، زیرا تحقق آن‌ها نیازمند امکانات و هزینه‌های هنگفتی است، مثلاً ساختن شهرک‌های بزرگ صنعتی و یا قابل زرع ساختن زمین‌های بکر و بایر، ساختن بند برق و امثال آن، پس اگر مصادری غنی برای بیت المال ایجاد شود، زمینه عملی سازی پروژه‌های بزرگ مهیا می‌شود که این خود از وسایل مهم و تأثیرگذار در رشد اقتصاد اسلامی است.

دوم: ملکیت‌های شخصی «خاص»

زمینه‌های ملکیت شخصی و مصادر آن:

۱- داد و ستد: دلیل آن این قول خداوند متعال است: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ [البقرة: ۲۷۵] «و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است». همچنین این فرموده‌ی او تعالی: ﴿وَأَشْهُدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ﴾ [البقرة: ۲۸۲] «و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید (باز هم) کسانی را به گواهی گیرید»

و پیامبر آ می‌فرماید: «التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء»^۱. «تاجر صادق و امین با انبیاء، صدیقین و شهدا (حشر) می‌شود».

۲- کارکردن به مزد: در نصوص زیادی به کار و کاسبی تشویق شده است، از جمله: «ما أكل أحد طعاماً خيراً من أن يأكل من عمل يده وإن نبي الله داود كان يأكل من عمل يده»^۲. «هیچ کس طعام بهتر از کسب دست خود نخورده است، هر آینه داود نبی الله از کسب دست خودش می‌خورد».

۱- تحفة الأحمدي شرح جامع الترمذی، مبارکفوری (۴/۴۵۰)، شماره حدیث (۱۲۰۹)، الإمام الحافظ أبي العلاء محمد عبدالرحمن ابن عبدالرحيم، بيروت لبنان، دار احیاء التراث العربی، سال نشر: ۱۴۲۲ هـ ق - ۲۰۰۱ م.

۲- صحیح بخاری: (ص: ۴۰۹)، شماره حدیث (۲۰۷۲).

و در حدیث دیگری می‌فرماید: «نهی عن استئجار الأجير حتى يتبين له أجره»^۱.
 «از اجاره کردن اجیر نهی شده تا این که اجرتش را مشخص کند».
 ۳- زراعت: از جمله منابع ملکیت‌های شخصی بوده و شریعت به آن ترغیب کرده است، چنان که در آیه مبارکه می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملك: ۱۵].
 «او ذاتی است که زمین را رام شما گردانیده است. در اطراف و جوانب آن راه بروید و از روزی خدا بخورید و زنده شدن دوباره در دست او است».
 و در حدیث پیامبر آ نیز بیان شده است که: «ما من مسلم يغرس غرساً أو يزرع زرعاً فيأكل منه طير أو إنسان أو بهيمة إلا كان له به صدقة»^۲. «هر مسلمانی که درختی غرس نماید یا بذری، بیفشاند و انسان، پرنده و یا حیوانی، از آن بخورد، برایش صدقه محسوب می‌گردد».

امام ماوردی / می‌گوید: «اصول مکاسب زراعت و تجارت است و نزد من زراعت پاک‌تر از همه می‌باشد و آن را ترجیح می‌دهم، زیرا در بر دارنده‌ی منفعت عمومی و توکل است»^۳.

۴- احیای موات: مراد از موات، زمین بایر بدون وارث و خارج از اختصاص و ملکیت است. به دلیل این فرموده رسول الله آ: «من أحيأ أرضاً ميتة فهي له»^۴ و در روایتی موقوف از عمر (هر که زمین مواتی را احیا کند، آن زمین از آن اوست).

شروط احیای موات:

- (۱) زمین در ملکیت کسی نباشد.
- (۲) در داخل محدوده شهر و سکنه نباشد.
- (۳) از جمله مرافق عامه مانند تفریح گاه و چراگاه و معبر نباشد.

۱- السنن الصغیر، بیهقی (۳۲۰/۲) أبوبکر أحمد بن الحسین بن علی بن موسی الخسروجردی

الخراسانی، جامعة الدراسات الإسلامية، کراچی - پاکستان، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۸۹ م.

۲- صحیح بخاری (۱۰۳/۳)، شماره حدیث (۲۳۲۰).

۳- فتح الباری، ابن حجر (۳۵۶/۴).

۴- صحیح بخاری (۱۰۶/۳).

۴) تحقق احیای زمین در مدتی که اکثر آن سه سال است با ایجاد دیوار و اخراج آب و گذاشتن درخت صورت بپذیرد.

۵) اهلیت احیا کننده که توانایی بر احیای زمین را دارا باشد.

۶) اجازه ولی الامر، این شرط نزد امام ابو حنیفه است، اما امام مالک در صورتی آن را شرط می‌داند که به شهر و سکنه نزدیک باشد.^۱

۵- **صنعت کاری و حرفه:** اسلام بر صنعت و حرفه تشویق می‌نماید، چنان که

پیامبر آ فرمود: «أَنْ زَكَرِيَّا كَانَ نَجَارًا» «زکریا نجار بود»، همچنین ثابت است که یاران پیامبر آ خودشان کار می‌کردند، یعنی اهل حرفه و کار بودند.

۱) هیزم چینی: هر آن چیزی که در اختیار و تصرف قرار دادن آن ممکن باشد و

در ملکیت کسی نباشد جایز است. پیامبر آ فرمودند: «لَأَنْ يَحْتَطَبَ أَحَدُكُمْ حُزْمَةً عَلَى ظَهْرِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدًا فَيُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ»^۲.

۲) شکار: شکار عبارت است از بدست آوردن حیوان حلال وحشی از طبیعت، که با آله‌ای که شرعا معتبر است و خارج از ملکیت باشد آن را شکار نماید.^۳

دلیل اباحت شکار از قول پروردگار: ﴿أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ

وَاللِّسْيَارَةِ﴾ [المائدة: ۹۶]. «حیوانی که در رودخانه یا در آبگیر زندگی می‌کند و یا در دریا، و خوردن از (گوشت) آن، برای شما (مقیمان مؤمن که آن را تازه به تازه می‌خورید) و برای (شما) مسافران (مؤمن که آن را خشکیده یا یخ‌زده و یا به صورت کنسرو می‌خورید) حلال است». و نیز می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُجِلُّ لَهُمْ قُلْ أُجِلُّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾ [المائدة: ۴]

«از تو می‌پرسند: چه چیزی برایشان حلال شده است؟ بگو: چیزهای پاکیزه برایتان حلال شده است؛ و نیز صید پرندگان و حیوانات شکارگر که شما به عنوان مربیان از آنچه

۱- الأحكام السلطانية والولايات الدينية، ماوردی (ص: ۳۷۳) و المغنی: (۱۴۵/۸-۱۸۳).

۲- صحیح بخاری (ص: ۴۰۹)، شماره حدیث (۲۹۷۴).

۳- الملخص الفقهي، فوزان (۵۹۳/۲)، شیخ الدكتور صالح بن فوزان بن عبدالله، الرياض المملكة العربية السعودية، دار العاصمة للنشر والتوزيع، نشر ۱۴۲۱ هـ ۲۰۰۱ م.

خدایان آموخته به آن‌ها تعلیم داده‌اید. پس بخورید از آنچه که حیوانات شکاری برای شما نگاه می‌دارند و نام خدا را بر آن ببرید و از خدا بترسید که خدا سریع الحساب است»

۳) پادشاه‌های رئیس دولت.

۴) جایزه برای کاری معلوم و مسابقه‌ها.

۵) پذیرفتن هبه و تحفه و عطیه‌ها.

۶) لقطه یا یافته‌های قیمتی.

۷) وصایا و میراث.

۸) مهر.

۹) اموالی که شخص محتاج از مال‌های زکات و صدقات بدست می‌آورد.

۱۰) اموالی که خانم از شوهر، و اولاد از پدر، به عنوان نفقات واجبه حاصل می‌کنند.

اهداف ملکیت‌های خاص:

۱. زمینه سازی تعاون بین المللی از طریق افراد، مؤسسات غیر دولتی، بر اساس شریک ساختن افراد در کار، به منظور رشد اقتصاد کشور در مجال زراعت و صنعت؛ و انگیزه دادن افراد جامعه از جایگاه مهم‌شان در عمارت زمین. البته در راه اندازی این پروژه مصالح بزرگ فرد و جامعه تأمین می‌گردد.

۲. تحقق یافتن خیر و آسایش برای افراد و منفعت عمومی جامعه از طریق رقابت‌های سالم و عادلانه در میان تولیدکنندگان.

۳. فارغ ساختن دولت از امور تولیدی، چون افراد توانایی تحقق بخشیدن آن‌را دارند و نیازی به مشغول کردن دولت محسوس نیست.

۴. فراهم کردن زمینه اشباع غرایز حب مال و کسب آن و گماشتن‌شان در مجالی که فطرتا بر آن آفریده شدند.

انواع کار

کار در نوعیت خود اختلاف گسترده داشته و برای حرفه‌ها و شغل‌های مردم حد معینی وجود ندارد. از جمله انواع کار، کارهای جدی و بیهوده را می‌توان نام برد. الله

تعالی در این مورد می‌فرماید: ﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ﴾ [الشعراء: ۱۲۸]

«آیا شما بالای هر بلندی و مکان مرتفعی کاخ سر به فلک کشیده‌ای می‌سازید و (در آن) به خوشگذرانی و کارهای بیهوده می‌پردازید؟»

برخی از کارها بصورت انفرادی صورت گرفته و برخی دیگر جمعی می‌باشند؛ برخی از کارها به واسطه‌ی اعضای بدن انجام می‌شود و برخی دیگر توسط فکر و دست و توسط آلات و وسایل پرخطر و ساده و بسیط و غیره انجام می‌گیرد. با وجود این تقسیمات و انواع کار، امکان حصر آن وجود دارد که در چند مهم آن را خلاصه می‌کنیم و در هر نوع آن تعداد بی‌شماری از نیروهای بشری مصروف فعالیت‌اند. و از قرار ذیل می‌باشد:

نوع اول: کار زراعتی

کار زمین داری و زراعت: کشت و زراعت از قدیمی‌ترین و گسترده‌ترین اشتغال‌ات انسان برای حصول رزق می‌باشد. کشت و زراعت ارتباط با زمین است که نزدیک‌ترین چیز به انسان می‌باشد. خداوند متعال بخاطر فضل و مرحمت خود، برای بندگانش اکثر وسایل امرار حیات و خیرات را گذاشته است، از آسمان برای احیای زمین آب را فرود آورده و جویبارها و دریاها و چشمه‌ها را جاری ساخته است تا سبب نشو و نمو و کشت و زراعت و میوه‌ها گردد. تعداد بسیار زیادی از انسان‌ها به این نعمت بزرگ الهی دسترسی داشته و از آن استفاده می‌کنند و در زمین کشت و زراعت می‌کنند و انواع مختلفی از میوه‌ها و غیره را بدست می‌آورند که خود و حیوانات‌شان از آن مستفید

می‌شوند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾^(۲۴) **أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا**^(۲۵) **ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا**^(۲۶) **فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا**^(۲۷) **وَعَبْنَا وَقَضَبًا**^(۲۸) **وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا**^(۲۹) **وَحَدَائِقَ غُلْبًا**^(۳۰) **وَفَلَكِهَةً وَأَبًا**^(۳۱) **مَتَعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَمِكُمْ**^(۳۲) [عس: ۲۴-۳۲]

«انسان باید به غذای خویش بنگرد و درباره آن بیندیشد (که چگونه ما آن را برای او فراهم کرده‌ایم و در ساخت مواد غذایی و اجزاء حیات بخش آن، چه دقت و مهارت و ظرافتی به کار برده‌ایم) ما آب را از آسمان به گونه شگفتی می‌بارانیم. سپس زمین را می‌شکافیم و از هم باز می‌کنیم. در آن دانه‌ها را می‌رویانیم (که مایه اصلی خوراک انسان است) و رزها و گیاهان خوردنی را. («عِنْبًا»: انگور. رَز. مو. «قَضَبًا»: گیاهان خوردنی همچون سبزیجات، که اغلب دستچین و به صورت خام خورده می‌شوند.

و در ختان زیتون و خرما را. و باغ‌های پردرخت و انبوه را. و میوه و چراگاه را. برای استفاده و بهره‌مندی شما و چهارپایان شما».

از خصوصیات کار زراعت اینست که هیچگاه تحت تأثیر شرایط فرار نگرفته و متوقف نمی‌شود، چون از گستردگی و سهولت و نزدیکی حاصلی که دارد برخوردار هست، لذا هیچ کاری نمی‌تواند جایگاه زراعت را احراز کند، زیرا ارتباط به رفع نیازهای اولیه‌ی انسان‌ها دارد. آیات زیادی پیرامون جایگاه زراعت و نقش حیاتی آن که نعمت بسیار ارزنده‌ای است، نازل شده تا شکر و سپاس خداوند متعال را بجا آوریم، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿۳۳﴾ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ الَّذِينَ نَزَّرْنَا ۖ﴾ [الواقعة: ۶۳-۶۴]

«آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویابید، یا ما می‌رویابیم؟»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿۷﴾ وَلَا يَسْتَثْنُونَ ﴿۸﴾ فَظَافَ عَلَيْهَا طَافٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿۹﴾ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿۱۰﴾ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿۱۱﴾ أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَٰرِمِينَ ﴿۱۲﴾﴾ [الفلم: ۱۷-۲۲]

«ما آنان را آزموده‌ایم، همانگونه که صاحبان باغ را آزموده‌ایم. هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را بامدادان (دور از انظار مردم) بچینند. و هیچ چیز از آن بر جای نگذارند. شب هنگام که آنان در خواب بودند، بلای بزرگ و فراگیری از جانب پروردگارت سراسر باغ را در بر گرفت و باغ (سوخت و) همچون شب (تاریک و سیاه) گردید! سحرگاهان همدیگر را ندا در دادند. اگر می‌خواهید میوه‌های خود را بچینید، صبح زود حرکت کنید و خویشتن را به کشتزار خود برسانید». و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿۳۳﴾ كَلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَأَتَتْ أُكُلَهُمَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ﴿۳۴﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ ۖ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿۳۵﴾﴾ [الکھف: ۳۲-۳۴]

«(ای پیغمبر!) برای آنان مثالی بیان کن، مثل دو مرد (کافر ثروتمندی و فقیر مؤمنی) را که (در روزگاران گذشته اتفاق افتاده است، و) ما به یکی از آن دو (یعنی کافر ثروتمند)

دو باغ انگور داده بودیم. گرداگرد باغ‌ها را با نخلستان‌ها احاطه کرده بودیم و در میان باغ‌ها (زمین‌های) زراعتی قرار داده بودیم. هر دو باغ (از نظر فرآورده‌های کشاورزی کامل بودند و درختان) به ثمر نشسته بودند (و کشتزارهای داخل آن خوشه بسته بودند) و هر دو باغ در میوه و ثمره چیزی فروگذار نکرده بودند؛ و ما در میان آن‌ها رودبار بزرگی (از زمین) برجوشانده بودیم (که در زیر درختان جریان داشت) (صاحب این دو باغ علاوه از آنها) دارایی دیگری (از طلا و نقره و اموال و اولاد) داشت (و دنیا به کام او بود و غرور ثروت او را گرفت) پس در گفتگویی به دوست (مؤمن) خود (مغرورانه و پرخاشگرانه) گفت: من ثروت بیشتری از تو دارم و از لحاظ نفقات (خانواده و خویش و رفیق) مقتدرتر از تو و فروزون‌ترم».

و در سوره نمل می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا﴾ [النمل: ۶۰]

«و برای شما از آسمان آبی بارانده است که با آن باغ‌های زیبا و فرح‌افزا رویانیده‌ایم؟ باغ‌هایی که شما نمی‌توانستید درختان آن‌ها را برویانید». و از احادیث پیامبر آ مجموعه‌ای از احادیث در اختیار داریم که زراعت را ستایش نموده و بر زراعت پیشگان مژده اجر و ثواب در مقابل خسارت‌هایی را که متحمل می‌گردند، می‌دهد.

۱- از انس \odot روایت است که رسول الله آ فرمودند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ»^۱
«هر مسلمانی درختی غرس نماید یا بذری بیافشاند تا اینکه انسان، پرنده و یا حیوانی، از آن بخورد، برایش صدقه محسوب می‌گردد».

مهلَب می‌گوید: این حدیث دلالت بر آن دارد که صدقه بر هر حیوان و بر هر جاندار ثابت بوده و در برابر آن اجر مترتب می‌گردد، اما برای مشرکین دادن صدقات و زکات را امر نمی‌کنیم بنابر حدیث رسول الله آ : «امر شدم که صدقات را از ثروتمندان‌شان بگیرم و به فقرای‌شان پس بگردانم»

فقه حدیث: این حدیث بر جواز گرفتن اجر از صنعتگری و کشاورزی دلالت دارد؛ و خداوند متعال این امر را برای مسلمانان مباح دانسته است، تا قوت خود و اهل و عیال‌شان را در راه بی‌نیازی از دیگران تأمین نمایند و به فساد قول کسانی دلالت دارد که

۱- صحیح بخاری (۱۰۳/۳)، شماره حدیث (۲۳۲۰).

آن را جایز نمی‌بینند، زیرا اگر قرار به گفته آنان بود نباید به کسی که کشتی کرده و از آن انسان یا حیوان بخورد اجر مترتب شود، زیرا بر امری که انجام آن جایز نیست، اجر مترتب نمی‌گردد.^۱

۲- از جابر بن عبدالله E روایت است که پیامبر A فرمودند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَانَ مَا أَكَلَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ مِنْهُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَتِ الطَّيْرُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَلَا يِرْزُوهُ أَحَدٌ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ».^۲

«هر مسلمانی که نهالی را غرس کند، همین که از آن بخورد برایش صدقه است؛ و هر مقدار که از آن دزدی شود برایش صدقه است؛ و هر حیوانی از آن بخورد، برایش صدقه است و هر چه پرندگان از آن بخورند برایش صدقه است و هر کس نقصی را بر آن وارد کند، برایش صدقه پنداشته می‌شود».

همچنین در حدیث انس O آمده که پیامبر A فرمود: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا».^۳

«اگر قیامت قایم شود و در دست کسی از شما نهالی باشد و بتواند قبل از قیامت آن را غرس کند، پس این کار را بکند».

و احادیث دیگری که پیامبر A بر بر زرع و زراعت آن تشویق نمودند.

گاهی این احادیث با احادیثی که در ذم و نکوهش زراعت آمده، برای برخی از مردم خلط می‌شود؛ مثل حدیث ابو امامه باهلی، آنگاه که بعضی از آلات کشت و زراعت را دید گفت: من از پیامبر A شنیدم می‌فرمودند: «لَا يَدْخُلُ هَذَا بَيْتَ قَوْمٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الدُّلَّ».^۴

«در هر خانه‌ای که این (ابزار و آلات کشاورزی) وارد شود، خدا آنان را، دچار ذلت و خواری خواهد کرد».

۱- شرح ابن بطلال علی صحیح البخاری (۳۷۵/۶).

۲- صحیح مسلم بشرح الإمام النووی (۶/ ۵۹-۶۰)، شماره حدیث (۳۹۴۵).

۳- المصنف فی الأحادیث والآثار، ابن أبي شیبہ (۳۸/۱)، شماره حدیث (۹).

۴- شرح السنة، بغوی (۳۰۲/۷) شماره حدیث (۳۹۵۵) أبو محمد الحسین بن مسعود، بیروت لبنان،

دار الکتب العلمیة، سال نشر ۱۴۱۲ هـ ق ۱۹۹۲ م.

مفهوم این حدیث: مهلب در مفهوم حدیث می‌گوید: - والله اعلم - تشویق بر بهترین حال زندگی و طلب رزق از اشرف صنعت‌ها است. زمانی که پیامبر آ از اشتغال امتش بر کشت و زراعت و سواری اسب احساس بیم کردند و این امر را موجب ترک جهاد فی سبیل الله دانستند، این حدیث را ایراد فرمودند، زیرا اگر امت اسلام مشغول به کشت و زراعت شوند، ملت‌های سوار بر اسب که در آسایش‌اند از مکاسب‌شان استفاده نموده و بر آن‌ها غلبه می‌نمایند، لذا تشویق نمودند تا زندگی مسلمانان توأم با جهاد باشد نه اینکه تنها رو به سکون و آرامش آورده و به آبادی زمین و ملازمت آن توجه نمایند؛ و بالاخره زمینه مسلط شدن حکمرانان سوار بر اسب مهیا گردد؛ چنان‌که عمر ○ می‌فرماید: «در معیشت، شدت و سختی به خرج دهید و آسایش و راحت طلبی در خورد و نوش و زندگی‌تان را بگذارید و بر اسب سواری روی بیاورید. یعنی تملک و آسایش طلبی ناز و نعمت را بگذارید و خشونت و سختی در زندگی را اختیار کنید تا صبر و تحمل در زندگی را بیاموزید؛ و امر فرمود با اسب سواری و تمرین کردن آن به شیوه‌های روز، ملازمت داشته باشید، تا مانند کسانی باشید که شأن‌شان صلابت در زندگی بوده و به تمرین اجسام خود مصروف‌اند و به اسب سواری مشغول‌اند. واقعا عاقبت و نتایج این وصیت گرانبهای عمر ○ را در عصر امروزی دیدیم، آنگاه که راحتی و آسایش را برای خود انتخاب نمودیم.^۱

دکتر عبدالقادر عوده می‌گوید: اصل در شریعت اسلامی اینست که هر آن چیزیکه به امت اسلام منفعت بخش است چه در خصوص دین باشد یا دنیای‌شان، از قبیل علم، فن و صنعت، فرض کفایه بوده و آموختن آن برای امت اسلامی واجب است و این امر هیچ‌گاه اختیاری نبوده بلکه تعیین شده است. بنابر آن یادگیری مهارت اسب سواری که در تحت آن انواعی از مهارت‌ها و قوت و تفوق نهفته است، فرضی از فروض کفایه بوده و بر افراد امت واجب است و عقب نشینی از آن جواز ندارد.^۲

۱- شرح ابن بطلال علی صحیح البخاری (۳۷۶/۶). شماره حدیث (۲۴۴۱).

۲- التشریح الجنائی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی (۵۲۶/۱)، عبدالقادر عوده عالم و فقیه و حقوق‌دان، بیروت، لبنان، دار الكتاب العربی.

در حدیثی که عبدالله بن عمر \bar{E} روایت نموده آمده است که پیامبر آ فرمودند: «إِذَا تَبَايَعْتُمْ بِالْعَيْنَةِ وَأَخَذْتُمْ أَدْنَابَ الْبَقْرِ وَرَضِيْتُمْ بِالزَّرْعِ وَتَرَكْتُمْ الْجِهَادَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ ذُلًّا لَا يَنْزِعُهُ حَتَّى تَرْجِعُوا إِلَى دِينِكُمْ»^۱.

«هرگاه داد و ستد ربوی عینه را انجام دهید و دم گاوها را بگیریید و به کشت و زراعت خرسند و راضی گردید و جهاد در راه الله را رها کنید، خداوند، بر شما خواری و خفتی مسلط می کند و آن را از شما بر نمی دارد تا آنکه به دین تان بازگردید».

گفتنی است که بین آن عده از احادیثی که تشویق بر زراعت نموده و بین حدیث فوق و امثال آن که ظاهرا کشت و زراعت را نکوهش نموده است هیچ تعارضی وجود ندارد، زیرا زراعتی که امت را بطرف انحراف و بی مسئولیتی در برابر ادای واجبات دینی و آسایش و راحت طلبی بکشاند و از اشتغال به امور رزمی و تدرب و آمادگی در راه الله باز دارد زراعتی مذموم است، و مراد از حدیث فوق نیز همین می باشد. و بهترین مثال بر مصداقیت حدیث مذکور، حالات درد آور اندلس است که در نتیجه روی آوردن مسلمانان به دنیا، بزرگترین مرکز سیاسی و اقتصادی و فرهنگی مسلمانان به دست صلیبی ها سقوط کرد.

پس در حدیث فوق مذمت زراعت مربوط به حالتی است که امت به زراعت راضی شده و جهاد را ترک نمایند. لذا زراعت مطلقا مذموم نیست تا زمانی که در برابر قابلیت های تاکتیکی در عرصه جهاد مانند تیر اندازی و ساخت و ساز اسلحه حایل واقع نشود؛ در غیر آن مورد ستایش بوده و از بهترین مشغولیت ها پنداشته می شود.

بدون شک زراعت از مهمترین ستون های اقتصادی و رشد آن می باشد، اما دسترسی به سطح ازدهار و انکشاف چشمگیر مراحل را نظر به محیط ایجاب می کند، گاهی هم به قوت و ضعف مواجه می گردد، روی هم رفته به پیگیری روایات تاریخی راجع به زراعت و فواید آن نیازمند هستیم.

کتاب فتوح البلدان از بلاذری از جمله مصادر معتمد در تاریخ زراعت و امور متعلق به آن می باشد، بلاذری بطور مفصل از محصولات زراعی طائف و میوه های آن و احکام

۱- عون المعبود شرح سنن أبي داود (۹/ ۲۶۱-۲۷۲)، شماره حدیث (۳۴۵۹) العظیم آبادی، أبوطیب محمد شمس الحق، بیروت لبنان، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، سال نشر: ۱۴۲۳هـ ق-۲۰۰۳م.

زکات بحث نموده است. همچنین در رابطه با محصولات زراعی کشور یمن و عراق و تولیدات زراعی آن توضیحاتی داده است. ابن عبدالحکم در رابطه با زراعت مصر و چیزهایی که در سرزمین زراعی مصر تولید می‌شد، توضیحاتی داده است.

شکی نیست که زمین از مهمترین مصادر تولید غذا برای انسان‌ها می‌باشد. و از سوی دیگر شاهد افزایش روز افزون تعداد ساکنان جهان هستیم؛ اگر در برابر این مصدر رزق و اقتصاد بی‌اعتنایی صورت گیرد، منجر به نقص تولیدات زراعتی شده و در کاهش تولیدات حیوانی نیز تاثیر بزرگی می‌گزارد و مانعی عمده در حرکت رشد اقتصاد شده و زندگی بشر را به وخامت می‌کشاند.

زراعت و کشاورزی برای مسلمانان از اهمیت بس بزرگی برخوردار است، زیرا ضمن آبادانی زمین، یکی از تکلیف‌های آن‌ها محسوب می‌شود و چنان که ذکر شد، کشاورزی از عوامل بزرگ رشد اقتصاد شناخته شده و بهبود معیشت انسان را تضمین می‌کند؛ و از پیامدهای آن سرسبز شدن صحراها و دره‌های بی‌شمار زمین است که هر بیننده‌ای را خوشحال می‌نماید.

هرگاه فکر و تامل نماییم درمی‌یابیم که معیار ثروت و رشد اقتصاد و عدم آن، تابع کثرت و قلت زراعت و زراعت‌پیشگان است؛ و هرگاه این گروه حضور چشمگیر در کشت و زراعت داشته باشند، غنماندی پیدا می‌شود و کم‌رنگی ایشان در این عرصه سبب قحطی می‌شود، پس هر ملتی که از اشتغال به زراعت و ملحقات آن دست بکشد سربار دیگران می‌گردد. لذا زراعت و کشاورزی را باید به عنوان اساس و منبع رشد اقتصاد و آبادانی زمین شناخت.

نوع دوم: کار صنعتی

کار صنعت از فرصت‌های گسترده و اشتغال‌زایی بزرگ برای انسان‌ها بشمار می‌رود. هرچند زراعت را تاج کارها در زندگی بشناسیم، ولی گاهی صنعت و تولیدات در بعضی شرایط و زمان بر زراعت برتری پیدا می‌نماید، چون شکل زندگانی مردم تغییر کرده و به بطرف اسراف و تجمل‌طلبی روی آورده‌اند لذا تقاضای صنعت‌های غیر ضروری و غیر اساسی حیات را بار آورده است. البته صنعت در هر شرایط و احوال، به قوای کاری زیادی نیاز دارد، تا خواسته‌های مردم را تأمین کند، روی هم رفته یگانه مصدر رزق اکثریت مردم را تشکیل خواهد داد.

تولیدات صنعتی از عمده‌ترین اشیای زندگی مسلمانان بشمار رفته و بدون تولیدات صنعتی زندگی شرافت‌مندانه برای‌شان تحقق نمی‌یابد، زیرا با پیشرفت در تولیدات صنعتی، در این بخش، از دشمنان اسلام بی‌نیاز می‌گردند، همزمان ظرفیت‌های کاری و توانایی آن‌ها، بیشتر نیازمندی‌ها را مرفوع ساخته و می‌توانند در برابر دشمن با آمادگی کامل ایستادگی نموده و از دیار و اموال و ثروت‌شان حفاظت نمایند. وجود کارخانجات صنعتی، افراد جامعه اسلامی را تغذیه نموده و برای صاحبان کار زمینه رشد کار و تجارت موثرتر را ایجاد کرده و بستر خوبی برای رشد اقتصادی فراهم نموده است. کار صنعتی با کار زراعتی متفاوت هست، چون در کارهای صنعتی نیروی کارگر نیازمند تجارب و تدویر ورکشاپ‌ها و ترینگ تخنیکی است. بنیان‌گزاری این علوم و تجارب و مهارت‌ها باید در سال‌های آغازین تعلیم بطور مسلکی صورت بگیرد، برنامه‌ها باید به شکل عملی و تطبیقی و بواسطه وسایل صورت بگیرد نه فقط نظری، تا متخصصان مسلکی به جامعه تقدیم گردد، ولی با تأسف این خلأ و کمبود در اکثر کشورهای اسلامی بنظر می‌رسد، و فارغ تحصیلان دانشگاه‌ها از بخش‌های فنی و تخنیکی و لابراتواری شکایت دارند، وجود وسایل تخصصی زمینه تحصیل موثری را مهیا می‌سازد، ولی در نهادهای تحصیلی کشور ما کم رنگ و یا هم در برخی آن بی رنگ و مفقود می‌باشد و توجه خاصی در این بخش صورت نگرفته و اثرات منفی خود را بجا گذاشته است.

زمینه‌های کار صنعتی، انواع و بخش‌های آن بسیار زیاد است، مثلاً: ماشین آلات نفتی با زمینه‌های بزرگ کاری، صنعت آهن، وسایل اکتشاف و استخراج فنی معادن، و سخت ابزارها و انواع و اقسام آن، صنعت لوازم جنگی و اسلحه اعم از کوچک و بزرگ، صنعت وسایل نقلیه زمینی، هوایی و دریایی، صنعت وسایل ارتباطی لین دار و بی‌لین، برق و لوازم آن، صنعت مواد غذایی با اختلاف انواع و اقسام آن، صنعت وسایل و سامان خانه چوبی و پلاستیکی و غیره. صنعت ماشین آلات سنگین و سبک که به اغراض مختلف تهیه و تدارک می‌گردند. صنعت اوراق به اشکال و اندازه‌های مختلف... که حد معینی ندارند. کارگران صنعت و فابریکه‌ها با کارگران زراعت از چندین جنبه متفاوت‌اند، چون کارگران صنعت و فابریکه‌ها و معادن تحت برخی از فشارها و عوامل نفسی و اجتماعی قرار گرفته و متأثر می‌شوند و برخی منزوی شده و دچار ناراحتی و غم می‌گردند، که به برخی از اسباب و عوامل آن اشاره می‌کنیم:

- ۱) بسیاری از کارگران هدف از کاری را که انجام می‌دهند، نمی‌دانند.
 - ۲) پایین بودن سطح آگاهی دینی و فرهنگی آن‌ها به سبب مشغولیت‌های مستمر و طولانی که موجب از هم پاشیدن روابط اجتماعی و تنفر از کار در بین آن‌ها می‌شود.
 - ۳) نادیده گرفتن شایستگی‌های برخی از کارمندان مخلص و فداکار و کاهش استحقاقات آن‌ها.
 - ۴) استمرار کار یکنواخت و مکرر و طولانی بدون هیچ تغییری و وجود اوضاع نامناسب صحتی و انسانی.
 - ۵) کار مستمر و طولانی و نداشتن فرصت تفریح و تعطیلات تا این‌که روح و روان کارگر آرامش پیدا کند.
 - ۶) پایین بودن سطح دست‌مزدها و عدم پرداخت تشویقی و پاداش به کارگران و از سویی افزایش قیمت مواد اولیه و مورد نیاز.
 - ۷) برخورد متکبرانه و خشن برخی از صاحبان کار با کارگران و حقیر شمردن آن‌ها.
 - ۸) احوال نامناسب و بد بعضی از فابریکه‌ها و معادن و وجود سر و صداهای اذیت کننده و چراغ‌های نادرست و یا نبودن آن به شکل معیاری در فضای فابریکه و پرخطر بودن فضای معدن‌ها.
 - ۹) بهره برداری از اوقات و توانایی جسمی کارگران و عدم توجه به بالا بردن سطح معنویات آن‌ها در تولید و انتاج صنعتی در بیشتر فابریکه‌ها.
- این‌ها از جمله عواملی بودند که گاهی کارگر شرکت صنعتی و تولیدی و معادن را به آثار روانی و اجتماعی کشنده دچار می‌کنند و این پدیده خصوصا در فابریکه‌های کشورهای غیر اسلامی بیشتر اتفاق می‌افتد، اما کارگران فابریکه‌ها، در کشورهای اسلامی که صاحبان آن، شریعت اسلامی را در محیط فابریکه اجرا می‌کنند، از این ناهنجاری‌ها در امن خواهند بود و این خود تفاوتی بزرگ میان فابریکه‌های اسلامی و غیر اسلامی است.
- چنان‌که قبلا تذکر یافت، قرآن و سنت، صنعت و تولید را مشروع دانسته و کار صنعتی را ستوده‌اند که ما به برخی از آن اشاره می‌کنیم:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ

فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿۸۰﴾ [الانبیاء: ۸۰]

«و به او ساختن زره را آموختیم تا (این لباس جنگی) شما را در جنگ‌ها حفظ کند. آیا (خدا را در برابر همه این نعمت‌ها) سپاسگزاری می‌کنید؟»

و در موضعی دیگر می‌فرماید: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجُبَابِ وَفُدُورٍ رَاسِيَتٍ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۳]

«آنان هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند، از قبیل: پرستشگاه‌های عظیم، مجسمه‌ها، ظرف‌های بزرگ غذاخوری همانند حوض‌ها و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل نقل نبود. به دودمان داود گفتیم): ای دودمان داود! سپاسگزاری (این همه نعمت را) بکنید، و (بدانید که) اندکی از بندگانم سپاسگزارند (و خدای را به هنگام خوشی و نعمت یاد می‌آرند. پس کاری کنید که از زمره این گروه گزیده شکرگزار باشید)».

و در آیه‌ای دیگر از سوره هود می‌فرماید: ﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا﴾ [هود: ۳۷] (به نوح وحی شد که) کشتی را تحت نظارت ما و برابر تعلیم وحی ما بساز» و آیات دیگری که دلالت بر مشروعیت این موضوع دارد و این امتنانی است از جانب پروردگار متعال بر بندگانش که چنین مهارت‌هایی را به ایشان بخشیده است.

دلایلی از سنت پیامبر آ:

پیامبر آ بر آموختن تیراندازی امر نموده و تشویق کردند، تیر و کمان و امثال آن که امروزه اسلحه پیشرفته جای آن را گرفته است بدون صنعت امکان ندارد، طوری که از ارشادات ایشان معلوم است. عقبه بن عامر رضی الله عنه از پیامبر آ شنید که بر بالای منبر فرمودند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ ۚ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّئِيَّ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّئِيَّ﴾^۱

«برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیرو آماده کنید، آگاه باشید که قوت همانا انداختن (تیر) است، قوت همانا انداختن تیر است، قوت همانا انداختن تیر است».

۱- الجمع بین الصحیحین البخاری ومسلم، محمد بن فتح الحمیدی (۳/۳۵۱)، شماره حدیث (۲۹۹۴)، تحقیق: د. علی حسین البواب، تعداد اجزاء: ۴، دار النشر / دار ابن حزم - لبنان / بیروت - ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م، چاپ دوم.

و در حدیث عقبه \odot پیامبر آ تاکید می کند که: «مَنْ عَلِمَ الرَّمِيَّ ثُمَّ تَرَكَهُ فَلَيْسَ مِنَّا أَوْ قَدْ عَصَى»^۱.

«کسی که تیر انداختن را بیاموزد سپس ترکش کند از ما نیست، یا این که نافرمانی کرده است».

و نیز در حدیث دیگری می فرماید: «وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَدْخُلُ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ ثَلَاثَةَ الْجَنَّةِ: صَانِعَهُ مُحْتَسِبًا فِيهِ، وَالْمُيَدَّ بِهِ، وَالرَّامِيَ بِهِ، وَقَالَ: ارْمُوا وَارْكَبُوا، وَلَأَنْ تَرْمُوا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرْكَبُوا»^۲.

«خداوند متعال بواسطه‌ی یک تیر سه کس را وارد بهشت می کند، تولید کننده‌ی آن را که نیت دریافت اجر و پاداش از سوی خدا را داشته باشد؛ پیش کش کننده تیر تا پرتاب شود و رامی که تیر می اندازد؛ و فرمودند: پرتاب کنید و سوار شوید؛ و انداختن تیرتان برایم خوشایندتر از سوار شدن تان است».

در این حدیث پیامبر آ کارگر و صانع تیر را برابر مجاهد تیرانداز در اجر قرار داده است، البته کارگری که اراده خیر داشته باشد، این در حقیقت فضل و کرامت بزرگی برای کارگر خیر اندیش است. بیشتر انبیا و صالحین صاحبان صنعت و حرفه بودند، طوری که اهل تجارب گفته اند: صنعت سپر و وقایه از فقر می باشد.

در مورد اهمیت صنعت در رشد اقتصاد می توان از حال اروپایی ها بعد از انقلاب صنعتی هم استدلال نمود، در مقابل برخی از شعرا و قصیص های غربی مانند شیلر Schiller، وردز Wordsworth، و کیر جارد Kieegaed و فولکنر Fau Lkner، همواره از منزلت جامعه صنعتی می کاستند - بنابر عقیده آنها - کار و صنعت ارزش های انسانی را پایین می آورد!

اما در اسلام، مساله مسلم و آشکار است، چرا که کار صنعت چیزی ضروری و لاینفک زندگی انسان بوده و متضمن دستیابی به زندگی شرافت مندانه است، چنان که قرآن به برخی از صنعت های مهم جوامع آن روزگار اشاره نموده و آثار و فواید بزرگ

۱- صحیح مسلم بشرح الإمام النووي (۵/۴۴۶)، شماره حدیث (۴۹۲۶).

۲- تحفة الأحوذی شرح جامع الترمذی (۵/۲۵۸)، شماره حدیث (۱۶۳۷).

آن را تذکر داده است، زیرا کار صنعت از بزرگترین نعمت‌های خداوند بر بندگانش می‌باشد و خداوند برخی از صنایع و حرفه‌های بشری را یادآور شده است:

صنعت آهن و معادن: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ﴾ [الحديد: ۲۵]

«و آهن را فرود آوردیم که دارای نیروی زیاد و سودهای فراوانی برای مردمان است».

و در خصوص آهنگری می‌فرماید: ﴿عَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ أَنْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ عَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا﴾ [الكهف: ۹۶]

«(سپس ذوالقرنین شروع به کار کرد و گفت:) قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. (آن گاه دستور چیدن آن‌ها را بر روی یکدیگر صادر کرد) تا کاملاً میان دو طرف دو کوه را برابر کرد (و شکاف بین آن‌ها را از آهن پُر نمود. فرمان داد که بالای آن آتش بیفروزند، و) گفت: بدان بدمید؛ تا وقتی که قطعات آهن را سرخ و گداخته کرد (و قطعات به هم جوش خورد. سپس) گفت: مس ذوب شده برای من بیاورید تا (آن را) بر این (سد) بریزم».

و در خصوص مواد خام معدنی می‌فرماید: ﴿وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ﴾ [سبا: ۱۲]

«و چشمه مس مذاب را برای او روان ساختیم».

یعنی مس ذوب شده‌ای که در صنعت دیگرهای بزرگ و ظروف استفاده می‌شود.

صنعت لباس: چنان‌که در این آیه به آن اشاره شده است: ﴿يَبْنِي عَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا

عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا﴾ [الأعراف: ۲۶]

«ای آدمیزادگان! ما لباسی برای شما درست کرده‌ایم که عورات شما را می‌پوشاند و لباس زینتی را (برایتان ساخته‌ایم که خود را بدان می‌آرایید. اما باید بدانید که) لباس تقوا و ترس از خدا، بهترین لباس است (که انسان خود را بدان می‌آراید و خویشتن را از عذاب آخرت می‌رهاند». و نیز می‌فرماید: ﴿وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتَعًا إِلَىٰ

حِينٍ﴾ [النحل: ۸۰]

«و از پشم و کرک و موی چهارپایان وسایل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را

فراهم کرده است که تا مدتی (که زنده‌اید) از آن‌ها استفاده می‌کنید».

صنعت چرم: و در باره آن چنین اشاره شده است: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ﴾ [النحل: ۸۰]

«خانه‌هایتان را محل آرامش و آسایش‌تان گردانده است و از پوست‌های چهارپایان (با ایجاد خواص ویژه) خیمه‌هایی برای‌تان ساخته است که در سفر و حضر خود، آن‌ها را (به آسانی جابجا می‌کنید و) سبک می‌یابید»

بنایی یا گلکاری غرض سکونت: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا﴾ [الأعراف: ۷۴]

«در سرزمین (حجر، میان حجاز و شام) استقرار بخشیده است. (سرزمینی با دشت‌های مسطح و حاصل‌خیز و با کوهستان‌های مستحکم و مستعدی که می‌توانید) در دشت‌های آن کاخ‌ها برافرازید و در کوه‌های آن خانه‌ها بتراشید و بسازید.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ﴾ [الشعراء: ۱۴۹]

«و ماهرانه در دل کوه‌ها خانه‌هایی را بتراشید (و بسازید و در آن‌ها به عیش و نوش بپردازید؟)»

در رابطه با صنعت کشتی‌های بحری می‌فرماید: ﴿وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا﴾ [هود: ۳۷]

«و -به نوح وحی شد که- کشتی را تحت نظارت ما و برابر تعلیم وحی ما بساز.»

و در موضع دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ﴾ [الرحمن: ۲۴]

«خدا کشتی‌هایی ساخته و پرداخته (آفریدگان خود به نام انسان‌ها) در دریاها دارد که همسان کوه‌ها هستند.»

شکار و وسایل صنعتی آن: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بَشِيرًا مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ﴾ [المائدة: ۹۴]

«ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! خداوند شما را به چیزی از شکار که دست و نیزه‌های‌تان بدان می‌رسد آزمایش خواهد کرد.»

و نیز می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا﴾ [النحل: ۱۴]

«و اوست که دریا را مسخر (شما) ساخته است تا این که از آن گوشت تازه بخورید و از آن زیوری بیرون بیاورید که بر خود می‌پوشید (و خویشان را بدان می‌آرایید)».

جامعه اسلامی و صنعت کاری

کار و فعالیت‌های متعدد صنعتی از خصوصیت‌های اساسی تمدن اسلامی پنداشته می‌شود، مسلمانان بنا بر سطح بالای عقلی و کاری‌شان توانسته‌اند همه نظریات علمی را در عمل پیاده نمایند و هدف بزرگ نفع‌رسانی به مردم را محقق ساخته و به مراتب عالی اجتماع متمدن نایل گردند، این امر در قرون عدیده باعث پیشرفت تمدن و اقتصاد اسلامی در تمامی عرصه‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی گردیده بود، زیرا وجود عقیده ناب اسلامی یگانه وسیله مهم برای اتباع و پیروی بوده و با نظر سلیم و واقعیت‌های روز تعامل می‌نماید.

در مورد این نکته می‌خواهم به مساله مهمی اشاره نمایم: در شریعت اسلامی برای هیچ کارگری جواز ندارد که بخاطر کار و صنعت و غیره، ادای فرایض و واجبات دینی و شرعی را ترک کند، همچنین در هیچ صورتی نباید از ادای نمازهای پنجگانه با جماعت تخلف ورزد. اوقات نماز را مطابق کار خود نسازد، بلکه کار را در اوقاتی انجام دهد که با اوقات نماز در تزامم قرار نگیرد، به همین شکل کار در ایام ماه رمضان نیز باید متناسب با آن روزها باشد، تا کارگران بتوانند واجبات دینی‌شان را در فضای امن ادا نموده و مسولیت کاری آن‌ها نیز انجام پذیرد. این است نمونه‌ای از کار و صنعت در فابریکه و کارخانجات اسلامی که نسبت به دیگران در برکت و سلامتی و برتری در تولید و پیداوار متفاوت است.

نوع سوم: کار تجارتي

کار تجارت معنا و مفهوم بزرگی در عرصه طلب رزق و اشتغال زایی و رشد اقتصاد دارد. مفهوم کار معلوم است و نیازی به توضیح بیشتر ندارد. اما تجارت نیاز به توضیح و تعریف دارد: کلمه تجارت در لغت عربی چنین آمده است: تجر و اتجر يتجر تجرا و تجارة؛ و به اسم فاعل آن تاجر می‌گویند. تاجر به کسی گفته می‌شود که داد و ستد

داشته باشد. و تجارت عبارت است از پیشکش و دوران دادن مال غرض فایده و منفعت.^۱

تعریف تجارت در اصطلاح عام نیز به تعریف لغوی آن نزدیک است که عبارت از خرید و فروش و دوران اموال به قصد سود و منفعت است.^۲ تجارت از حیث مقصد بر سه دسته تقسیم می‌گردد:

۱/ تجارت آجله. "به تأخیر"

تجارت آجله: این نوع تجارت از بهترین تجارت‌ها به شمار می‌رود، این همان تجارتی است که هرگز تباہ و نابود نمی‌گردد. یعنی بی‌رونقی و زیانمندی و نابودی ندارد، این نوع تجارت، تجارت با خداوند متعال است که عبارت از به مصرف رساندن اوقات، مساعی و اموال در راه الله به امید حصول رضایت او تعالی است، چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورًا﴾ [فاطر: ۲۹]

«کسانی که کتاب خدا (قرآن را) می‌خوانند و نماز را برپا می‌دارند و از چیزهایی که بدیشان داده‌ایم، پنهان و آشکار، بذل و بخشش می‌نمایند، آنان چشم امید به تجارتی دوخته‌اند که هرگز بی‌رونق نمی‌گردد و از میان نمی‌رود».

و در موضع دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۱۱﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۲﴾﴾ [الصف: ۱۰-۱۱]

«ای مؤمنان! آیا شما را به تجارت و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک دوزخ رها سازد؟ (و آن این است که) به خدا و پیغمبرش ایمان می‌آورید و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد می‌کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است».

۱- تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی (۲۷۹/۱۰) فصل تا از باب راء؛ محمد بن محمد بن عبدالرزاق الزبیدی، قاهره مصر، دار الهدایة.

۲- التعریفات، جرجانی (ص: ۷۳)، علی بن محمد بن علی الجرجانی، بیروت لبنان، دار الکتاب العربی للطباعة والنشر والتوزیع، نشر ۱۴۰۵ هـ.

۲/ تجارت عاجل و آجل: این نوع تجارت عبارت از تجارتي است که به قصد دنیا و آخرت انجام شود، مسلمان در این نوع تجارت علاوه بر تجارت مادی، اراده کسب خیر نیز می‌کند، ضمناً طلب رزق حلال نموده و از طلب رزق حرام پرهیز می‌کند و خود را در داد و ستدش در چارچوب دستورات شرع آماده می‌کند، تا حصول ثواب اخروی تحقق یافته و از عقاب پروردگار پناه یابد؛ به علاوه از این راه برای یاری دین الله استفاده نموده و موفقیت دنیا و آخرت را از آن خود می‌کند.

۳/ تجارت عاجل: این نوع تجارت، تجارتي است که هدف انسان از آن صرفاً منفعت دنیایی است و از آخرت در غفلت کامل قرار دارد، این چنین انسان‌هایی بین تجارت سودمند و مضر فرقی نمی‌گذارند و این نوع تجارت، از زیان‌مندترین تجارت‌ها بشمار می‌آید.

دلایل مشروعیت کار تجارتي:

دلایل کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ بر مشروعیت کار تجارت دلالت دارند و از قرار ذیل می‌باشند:

دلایلی از قرآن کریم:

۱. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُوهَا بَيْنَكُمْ﴾ [البقرة: ۲۸۲]

«مگر این که داد و ستد حاضر و نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید، پس در این صورت بر شما باکی نیست اگر آن را ننویسید».

۲. و نیز می‌فرماید: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ﴾ [النساء: ۲۹]

«مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد».

دلایلی از سنت رسول الله ﷺ :

۱. از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «التاجر الأمين الصدوق المسلم مع الشهداء يوم القيامة».^۱

«تاجر مسلمان امانت دار و راست گو روز قیامت با شهدا می‌باشد».

۱ - ضعیف الجامع الصغیر و زیادته، البانی (۳۶۷/۱)، أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدین بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم الأشقودي الألبانی، بیروت لبنان، المكتبة الإسلامية.

۲. در حدیث ابو موسی اشعری \odot آمده است: «أَنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ اسْتَأْذَنَ عَلَيَّ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ \odot فَلَمْ يُؤْذَنَ لَهُ وَكَأَنَّهُ كَانَ مَشْغُولًا فَرَجَعَ أَبُو مُوسَى فَفَرَغَ عُمَرُ فَقَالَ أَلَمْ أَسْمَعْ صَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ إِذْ دُنُوا لَهُ قِيلَ قَدْ رَجَعَ فَدَعَاهُ فَقَالَ كُنَّا نُؤَمِّرُ بِذَلِكَ فَقَالَ تَأْتِينِي عَلَيَّ ذَلِكَ بِالْبَيْتَةِ فَأَنْطَلَقَ إِلَى مَجْلِسِ الْأَنْصَارِ فَسَأَلَهُمْ فَقَالُوا لَا يَشْهَدُ لَكَ عَلَيَّ هَذَا إِلَّا أَصْغَرْنَا أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ فَذَهَبَ بِأبي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ فَقَالَ عُمَرُ أَخْفِي هَذَا عَلَيَّ مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ آ أَلْهَانِي الصَّفْقُ بِالْأَسْوَاقِ يَعْنِي الْخُرُوجَ إِلَى تِجَارَةٍ»^۱.

«از ابوموسی اشعری \odot روایت است که وی اجازه خواست تا نزد عمر \odot برود. ظاهراً عمر مشغول کاری بود و به ایشان، اجازه داده نشد. ابوموسی برگشت. وقتی عمر \odot فارغ شد، گفت: آیا صدای عبد الله بن قیس (ابوموسی) نبود که من شنیدم؟ به او اجازه دهید تا بیاید. گفتند: برگشته است. عمر \odot او را طلبید و (علت برگشتنش را از او جويا شد). ابوموسی گفت: آن حضرت آ به ما چنین امر فرموده است (که اگر اجازه ندادند برگردید). عمر \odot گفت: برای این (ادعای خود) گواه بیاور. ابوموسی به مجلس انصار رفت و از آن‌ها (در این مورد)، پرسید. گفتند: کوچکترین فرد ما که ابوسعید است، بر این مطلب، گواهی خواهد داد. او (ابوموسی) ابوسعید را نزد عمر \odot برد. عمر (با تعجب) فرمود: آیا چنین دستوری از رسول الله آ بر من پوشیده مانده است؟ و افزود که داد و ستد در بازار مرا از (شنیدن) آن باز داشته است.» یعنی تجارت باعث شده بود که کمتر در مجلس رسول الله آ حاضر شوم.

و دیگر احادیثی که دلالت بر اشتغال در تجارت از قبیل بیوع و اجاره و غیره دارد. اما سخن از انواع تجارت و شاخه‌های آن بسیار گسترده است و نمی‌توان آن را محصر نمود. و هر کار و شغلی که شامل تعریف گذشته تجارت گردد، در ضمن تجارت داخل است. در تجارت فعال با امانت مصلحت‌های بزرگ برای جامعه اسلامی وجود دارد، که زمینه رونق و بازاریابی کالاهای صنعتی و فابریکه‌ها می‌گردد، و کشت و حاصلات زراعتی و تولیدات افزایش می‌یابد و بازارها مورد هجوم و ازدحام داد و ستد

۱- فتح الباری بشرح صحیح البخاری (۱۱/۲۸-۲۹)، شماره حدیث (۶۰۲۵).

قرار می‌گیرند و تاثیر مثبت در عواید فرد گذاشته و سیستم اداری تقویت شده و نیازمندی‌ها را تکافو می‌نماید.

تاجر مسلمان باید تقوا پیشه کند و بیاد آورد که قبل از اینکه بنام تاجر شناخته شود، یک مسلمان است و از تجارت حرام و هر چیزی که برای دین، اخلاق، عادات و اقتصاد ضرر داشته باشد، باید بپرهیزد، تا مبدا اسلام از همچو حرکات و تصرفات ناشایستی بدنام شده و مورد نکوهش قرار بگیرد. زیرا تاجر، قوی‌ترین انسان فعال جامعه بوده و می‌تواند امور را به بهبودی و یا به بیراهه و فساد سوق دهد.

نوع چهارم: کار در خدمات اجتماعی «عامه»

مراد از خدمات عامه اجتماعی، همان کارهایی است که هر کارگری در عوض کار خود، از بیت المال مسلمین اجرتی را می‌گیرد که از رئیس دولت شروع شده و تا پایین‌ترین کارمند دولت را شامل می‌شود و همه پست‌ها، وظایف یا ماموریت دولتی نامیده می‌شوند. این بخش، از بزرگترین بخش‌های کاری در امت اسلامی می‌باشد و اینان کسانی‌اند که مسؤولیت همه‌ی کارهای دولت اسلامی مثل سیاست، روابط، قضا، اقتصاد، اجتماع، امنیت، تعلیم، رسانه و دیگر خدمات عمومی را بر عهده دارند. بر دوش این طبقه از مردم مسؤولیت بزرگ دینی گذاشته شده که باید نزد خداوند متعال پاسخگو باشند، لذا باید تمام تلاش خویش را به خرج دهند و مخلصانه، صادقانه و بدون از ظلم و خیانت و اختلاس در این میدان گام بردارند. این میدان، بخش بزرگی از نیروی بشری را پوشش می‌دهد، ولی برخی بنابر اغراض خاصی مانند راحت طلبی، شهرت، یا خوف از اشتغال، به کارهای خصوصی که گاهی منجر به خسارت می‌گردد روی می‌آورند. واقعیت نشان می‌دهد که تنها تعداد کمی از مردم از روی اخلاص و رضایت و ضمیر بیدار در وظایف دولتی اراده منفعت رساندن به مردم را دارند.

خدمات عامه اجتماعی اعم از ملکی و نظامی، از ضرورت‌های زندگی می‌باشند، چون برای همبستگی و امرار شئون‌شان جز آن راه دیگری نیست. پس باید صالح‌ترین افراد جامعه بر این پست‌ها گماشته شوند، تا اینکه حقوق محفوظ مانده و صفا و صمیمیت و همبستگی ایجاد گردد و ظلم و ستم و رشوه‌گیری و دیگر انحرافات از تمامی سطوح جامعه رخت بر بندد. کارمندان، نخستین کسانی‌اند که در این میدان، الگو و نقش سازنده در توجیه و راهنمایی افراد جامعه را ایفاء می‌نمایند و نظر به

عملکرد آنان امت یا سربلند و یا سرافکنده می‌شوند. بر این اساس تمام کارها به آن بستگی دارد، پس باید توجیه سالم، تنظیم درست، مراقبت و پیگیری که از عناصر مهم در کیفیت سازی کار می‌باشد در نظر گرفته شود، تا خود کفایی و تکامل را در تمامی احتیاجات و خواسته‌ها تضمین نموده و تحقق ببخشد و بالأخره تاثیر مثبت در ادامه روند رشد اقتصاد و شایستگی تولیدات و سلامتی حقوق داشته باشد.

قضات، فرماندهان ارتش و افراد مسؤول در دولت، در این راستا نقش اساسی داشتند، به خلفای راشدین O نیز این روند را پیمودند. آن‌ها نیز در انتخاب افراد بسیار دقت می‌کردند تا این‌که فرد اصلح و برازنده‌ترین اشخاص را به وظایف بگمارند، با این وجود نیز بر آن‌ها تکیه کامل نداشتند و همیشه آن‌ها را مورد پیگیری و مراقبت قرار می‌دادند، تا امانت رعایت شده و نیازهای مردم برآورده گردد.

نوع پنجم: کار در رشد و افزایش حیوانات

مقصد از افزایش ثروت حیوانی، ازدیاد نسل حیوانات با اختلاف انواع‌شان است، چه حیوانات بحری باشد یا بری "خشکه" و یا گوشت آن حلال باشد یا حرام.

حیوانات به چند هدف تربیت می‌شوند، از جمله: برای خوردن گوشت، نوشیدن شیر، ریستن پشم، استفاده از پوست، استخدام برای حمل و نقل و قلبه، استفاده در جنگ، برای زینت و امور دیگری که مهمترین آن خوردن گوشت و نوشیدن شیر آن است.

اشتغال در افزایش و تربیت حیوانات از مهمترین بخش‌های کار در نزد مسلمانان می‌باشد، زیرا به گوشت و مرکبات آن نیاز دارند و باید در این عرصه خودکفا شوند، تا این‌که محتاج گوشت کشورهای غیر اسلامی نگردند، ساکنان کشورهایی که حلال و حرام در نزدشان مطرح نیست و ذبح غیر شرعی را می‌خورند، در واقع حیوان خود مرده و مردار را می‌خورند که عواقب بدی را برای سلامتی آن‌ها در پی دارد؛ پس مسلمانان باید در چنین مسائل و موضوعاتی تعاون و همکاری داشته باشند تا رشد و تکثیر ثروت حیوانی عمومیت پیدا کند و از احتیاج یافتن به غیرمسلمان استغنا حاصل نمایند. الحمدلله کشورهای اسلامی از نگاه ثروت‌های مختلف طبیعی از قبیل چراگاه‌ها و علوفه و غیره غنی‌اند و یگانه چیزی که به آن ضرورت محسوس است، همانا

توزیع ثروت‌های حیوانی است که می‌تواند زمینه رشد خوب اقتصاد اسلامی را ایجاد می‌کند.

خداوند متعال در سیاق امتنان بر انسان‌ها از وجود این حیوانات و تسخیر آن و نعمت‌های دیگری که از آن‌ها استفاده‌های متنوع می‌نمایند خبر داده فرموده است:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾﴾ [یس: ۷۱-۷۳]

«مگر نمی‌بینند که برخی از آن چیزهایی که داستان ما آفریده است، چهارپایانی است که برای انسان‌ها خلق کرده‌ایم و ایشان صاحب آنهایند؟ و چهارپایان را رام ایشان ساخته‌ایم. برخی از آن‌ها را مرکب خود می‌سازند و از برخی دیگر تغذیه می‌کنند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٨١﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٨٢﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٣﴾﴾ [النحل: ۵-۸]

«و چهارپایان (چون گاو و شتر و بز و گوسفند) را آفریده است که در آن‌ها برای شما وسیله گرما (در برابر سرما، از قبیل پوشیدنی و گسترده‌ی ساخته از پشم و مویشان) و سودهایی (حاصل از نسل و شیر و سواری و غیره) موجود است و از (گوشت) آن‌ها می‌خورید (و در حفظ حیات خود می‌کوشید). و برایتان در آن‌ها زیبایی است بدان‌گاه که آن‌ها را (شامگاهان از چرا) باز می‌آورید و آن‌گاه که آن‌ها را (بامدادان به چرا) سر می‌دهید. آنها بارهای سنگین شما را به سرزمین و دیاری حمل می‌کنند که جز با رنج دادن فراوان خود بدان نمی‌رسیدید. بی‌گمان پروردگارتان (که این‌ها را برای آسایش‌تان آفریده است) دارای رأفت و رحمت زیادی (در حق شما) است. و (خدا) اسب‌ها و اشته‌ها و الاغ‌ها را (آفریده است) تا بر آن‌ها سوار شوید و زینتی باشند (که به دل‌هایتان شادی بخشد، و خداوند) چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافت) می‌آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی‌دانید».

همچنین در آیهی دیگری می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمَتْنًا إِلَىٰ حِينٍ﴾ [النحل: ۸۰]

«خدا است که (به شما قدرت آن را داده است که بتوانید برای خود خانه‌سازی کنید (و) خانه‌هایتان را محل آرامش و آسایش‌تان گردانده است، و از پوست‌های چهارپایان (با ایجاد خواص ویژه) چادرهایی برای‌تان ساخته است که در سفر و حضر خود آن‌ها را (به آسانی جابجا می‌کنید (و) سبک می‌یابید، و از پشم و کرک و موی چهارپایان وسایل منزل و موجبات رفاه و آسایش شما را فراهم کرده است که تا مدتی (که زنده‌اید) از آن‌ها استفاده می‌کنید (و پس از پایان این جهان، نه شما می‌مانید و نه نعمت‌های آن».

آیات زیادی وجود دارد که خداوند متعال با لطف و مرحمت خود حیوانات بری و بحری را برای انسان مسخر گردانده است تا وسیله خوبی برای زندگی و ثروت و مایه آرامش گردد.

در ثروت‌های حیوانی فارم‌های ماهی، مرغداری و سایر پرنده‌ها و انواع شکارهای حلال با اختلاف انواع‌شان داخل است. کار در زمینه رشد و افزایش حیوانات، میدان بزرگی برای طلب رزق و روزی حلال است و تأثیر بسزایی در بالا بردن سطح اقتصاد امت اسلامی دارد.

نوع ششم: کار حرفه‌ای

حرف و احترف یعنی کسب کرد. و مراد از حرفه کسب، است؛ و محترف: به کسی اطلاق می‌شود که کسب کند و یا کار صنعتی انجام دهد، در اثری که از عمر \bigcirc نقل شده می‌فرماید: «الْحَرْفَةُ أَحَدُهُمْ أَشَدُّ عَلَيَّ مِنْ عَيْلَتِهِ»^۱.
«حرفه نداشتن یکی از شما بر من سخت‌تر از اینکه فقیر باشد».

۱- غریب الحدیث لابن الجوزی (۲۰۵/۱) أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد بن علی ابن عبیدالله بن حمادی بن أحمد بن جعفر الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة الأولى، ۱۹۸۵ تحقیق: د. عبدالمعطی أمين قلعجی عدد الأجزاء

ابن قتیبه می‌گوید: مراد عمر O این است که رسیدگی به فقر و ناداری فقراء برایم ساده‌تر است از اینکه به اصلاح فاسدی بپردازم؛ مانند کسی که نه تجارتي دارد و نه سعی و تلاشی برای کسب معاش می‌نماید و اگر سعی هم نماید، صاحب رزق نمی‌گردد. و از آن جمله گفته می‌شود: محارف. و در جایی دیگر، حرفه را به معنای کسب و حاصل گفته‌اند.^۱

«قال عمر O إِنِّي لِأَرَى الرَّجُلَ فَيُعْجِبُنِي فَأَقُولُ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا سَقَطَ مِنْ

عَيْنِي»^۲

عمر O می‌فرماید: «زمانی که مردی را می‌بینم، خوشم می‌آید و با خود می‌گویم: آیا این مرد حرفه‌ای دارد؟ اگر بگویند: خیر، از چشمم می‌افتد».

پس کار حرفه‌ای عبارت است از: کسب و کار انسان در تمامی عرصه‌هایی که برای دستیابی به روزی حلال آموزش دیده، تا در آن کار کند و به نیازهای مردم رسیدگی نماید، مانند معماری، نجاری، آهنگری، نلدوانی، لین دوانی برق، زرگری، حجامت، آبرسانی، خیاطی، رنگ‌مالی، آشپزی، خبازی، ترمیم عراده‌جات و ماشین‌آلات، خطاطی و رسامی، طبابت، دارو سازی و حرفه‌های دیگری که در بین مردم معروف و معمول می‌باشد. حرفه‌های فوق از حیثیت ویژه‌ای در زندگی مردم برخوردار است، چرا که این طبقه از اهل حرفه نیازمندی‌های مردم را تهیه و فراهم می‌کنند، البته هیچ‌گاه یک فرد به تنهایی نمی‌تواند همه‌ی این حرفه‌ها را آموخته و انجام بدهد و نیز اکثریت مردم از این خدمات و سهولت‌ها بی‌نیاز نیستند.

کسانی می‌توانند از عهده این اعمال برآیند، که در آن کار و حرفه مهارت داشته باشند. لذا به عموم اداراتی که وظیفه‌ی صدور مجوز فعالیت را به عهده دارند، توصیه می‌گردد که به متقاضیان توجه جدی داشته باشند و به مجرد ادعای حرفه‌ای بودن، به آن‌ها جواز فعالیت ندهند، تا عملاً مورد امتحان قرار نگیرند، اگر در حرفه‌های خود لیاقت و توانایی داشته باشند خوب؛ در غیر آن نباید مجوز فعالیت به آن‌ها داده شود تا زمانی که از شایستگی برخوردار گردند.

۱- غریب الحدیث لابن قتیبه (۳۲۲/۱)، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبة الدینوری المحقق: د.

عبد الله الجبوری الناشر: مطبعة العانی - بغداد الطبعة: الأولى، ۱۳۹۷ عدد الأجزاء: ۳

۲- مصدر قبلی (۳۲۲/۱).

این نوع توجه در حقیقت حمایت و حفاظت از حقوق و اموال مردم است، از جانب دیگر زمینه رشد و شایستگی و دقت کاری در بین اهل حرفه ایجاد می‌گردد، تا هرچه بیشتر در مقبولیت کارشان تلاش به خرج دهند و نباید آن‌ها را به کارهایی گمارد که توان آن را ندارند، زیرا این کار هم به جامعه خسارت می‌زند و هم بر خود فرد؛ و در میان مردم بذر خصومت را کاشته و سبب نابودی اموال آن‌ها می‌شود و تاثیرات منفی در رشد اقتصاد می‌گذارد.

کار حرفه‌ای در اسلام از مشغولیت‌های محترم شناخته می‌شود، زیرا به واسطه دستان انسان‌ها انجام می‌گیرد و کار دست از مرغوب‌ترین کسب و کارهاست، طوریکه در حدیث مقدم آمده که پیامبر آ فرمودند: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ»^۱. «هرگز کسی غذایی بهتر از غذای دست رنجش، نخورده است. و همانا داود، پیامبر خدا جل جلاله همیشه از دست رنج خود، غذا می‌خورد».

کار حرفه‌ای از وسیع‌ترین میدان‌های کار و زمینه مناسبی برای طلب رزق و روزی می‌باشد، به همین خاطر عدد بزرگی از قوای بشری در این زمینه مشغول هستند، چون مساعد بودن فرصت‌های کاری، عواید بهتر، سهولت روابط و محدود بودن در مسئولیت‌ها و آسایش در تولیدات و سرعت در روند حصول عواید، مورد توجه بوده و علاقه مردم را بخود جلب نموده است.

فوایدی که در کارهای حرفوی وجود دارد بر مسلمانان لازم می‌گرداند که تعداد زیادی از آنان به تعلیم و تدریب در بخش‌های مختلف حرفه‌ای گماشته شوند تا تعلیم تطبیقی و تدریب عملی ببینند و با تقدیم خدمات متنوع به نیازمندی سایر مسلمانان لیبیک گفته کفأت عالی و تخنیک وسیعی را به نمایش بگذارند، تا نیازی به ساخته‌ها و تولیدات دشمنان احساس نشود.

نکات فوق شش نوع از انواع مهم کار بود که توضیح گردید و فرصتی خوب و مناسب برای هر جوینده کار است و هیچ گونه محدودیتی در فراروی آن‌ها وجود

۱- إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری للقسطلانی (۴/ ۱۹) شماره حدیث (۲۰۷۲). أحمدبن محمد ابن أبی بکر بن الملک أبو العباس شهاب الدین، مصر، المطبعة الكبرى الأمیریة، طبع هفتم، سال نشر ۱۳۲۳ هـ.ق.

ندارد. بدون شک راه اندازی کارهای فوق با شایستگی و لیاقت عالی، سبب عزت و سرفرازی مسلمانان شده و دشمنان اسلام را مایوس می‌نماید.

مسأله: کدام نوع کار بهتر است: دانشمندان اسلام در خصوص اینکه کدام کار بهتر است اختلاف نظر دارند؟ با وجود این اختلاف، بر فضیلت کار مشروع اتفاق نظر دارند. دسته‌ای از دانشمندان کار زراعت را نظر به دلایلی که در مورد آن آمده و تشویق نموده بر سایر کارها فضیلت داده‌اند؛ اما بعضی دیگر گفته‌اند که: حرفه‌های صنعتی بهتر است، چون که صد در صد کار دست می‌باشد. و بعضی هم گفته‌اند: بهترین کار، تجارت حلال با صدق و راستی است، چون کار تجارت اکثراً تاجران را به فریب و حيله وادار می‌کند تا از حلال بگذرند، ولی زمانی که در مقابل آن ایستادگی نموده و به دنبال رزق حلال باشند و صداقت پیشه کنند، بدون شک بهترین کار خواهد بود. و بعضی گفته‌اند: بهترین کار، جهاد در راه الله است، زیرا از پیامدهای آن بدست آوردن اموال و املاک کفار است»^۱.

با نگرش دقیق به نظریات فوق، روشن می‌گردد که بهترین کسب و کار، کاری است که در رفع نیازمندی‌های ضروری امت و نظر به شرایط زمان مؤثر واقع شود، چرا که در سد احتیاجات امت نیاز و وابستگی به دشمنان اسلام باقی نمی‌ماند؛ زیرا دشمنان اسلام هرگاه مسلمانان را بخود محتاج ببینند، بخاطر تأمین اهداف خودشان، دست همکاری دراز می‌نمایند و از ذلت و احتقار مسلمانان لذت می‌برند و این چیزی است که برای مسلمانان شرعاً مناسب و قابل تحمل نیست.

دانستن وضعیت و شرایط زندگی مسلمان در این بابت مهم و لازم است، شاید گاهی صنعت به نفع مسلمانان باشد و آن وقتی است که مسلمانان به صنعت اسلحه و ماشین آلات جنگی به منظور تاثیر اندازی بر دشمن نیاز داشته باشند. و گاهی هم شرایط طوری ایجاب کند که عمل و رشد زراعت را بهتر بدانیم. به این ترتیب گاهی تجارت و گاهی رشد ثروت حیوانی از بهترین کارها خواهد بود آنگاه که ضرورت بیشتری به آن احساس شود. اما اگر مسلمانان از قوت و نیروی همه جانبه برخوردار بوده در برابر دشمنان اسلام سلطنت و حکم‌فرمایی قوی داشته باشند و ضرورت جدی به هیچ نوعی از انواع کارهای فوق نداشته باشند، در آن صورت شاید زراعت از بهترین

کارها محسوب شود، چرا که در زراعت، زمینه گسترده کار و اشتغال زایی وسیع برای افراد جامعه ایجاد می‌گردد. والله اعلم

ایجاد کار جهت رفع احتیاجات افراد جامعه و رشد اقتصاد

زمینه سازی افزایش کار که توانایی و امکانات دست داشته مردم را تحت پوشش خود قرار داده و در رشد اقتصاد تاثیر گزار باشد، بر دولت و جامعه اسلامی واجب است، تا از این طریق جوابگوی احتیاجات مردم شده و زندگی‌شان به سامان گردد. این موضوع را در مطالب ذیل بررسی می‌کنیم:

ایجاد کار

اصل این است که کار در جامعه باید بدون ایجاد کردن موجود باشد نه اینکه با احداث اشیا و آلات برای مشغولیت افراد بیکار گام برداشته شود. چون تحقق بخشیدن مصالح و اغراض انسان، خودش تقاضای کارگران را می‌نماید، اما گاهی بنابر اسباب و عوامل گوناگونی ناگزیر از این اصل مخالفت صورت می‌گیرد، که اینک به برخی آن‌ها اشاره می‌نمایم:

گاهی فقط بخاطر گماشتن افراد بیکار کار ایجاد می‌شود و گاهی بخاطر احیای کاری که تعطیل شده است و به کار بستن افراد بیکار، طرح‌هایی اتخاذ می‌گردد.

فرصت‌های کار برای کارمندان شامل سه حالت ذیل می‌باشد:

حالت اول: تساوی فرصت‌ها با گراف کارگران موجود: وقتی کار پاسخگوی تمام احتیاجات مردم باشد، نیازی به ایجاد فرصت‌های کاری دیگر نیست، اما اگر در این جانب نقصی وجود داشته باشد پس لازم می‌گردد که به سد احتیاجات مردم رسیدگی صورت گیرد تا از این طریق مایحتاج‌شان را بدست بیاورند.

حالت دوم: برای احیای کار تعطیل شده لازم است کارگران مسلمان استخدام شود و در حالت نقص کارگران در پیشبرد وظایف، حسب ضرورت باید به افراد مسلمان تعلیمات و تمرینات ویژه داده شود و سعی شود که در آینده به افراد غیر مسلمان تکیه نشود، چون این عمل خلاف مصلحت مسلمانان است. و لازم است هنگام طرح و برنامه‌ریزی، بین کار و کارگران و امکانات موجود اندازه‌گیری دقیق در نظر گرفته شود،

تا بر یک‌دیگر غلبه نداشته باشند. در این خصوص نباید با نظر سطحی و محدود گام برداشت، بلکه با یک نظرسنجی عالی و دورنمای وسیع و فراخ حرکت کرد.

حالت سوم: در جوامع بشری پدیده‌ای بنام بیکاری و یا بطلالت یاد می‌شود که حتی کشورهای غیر اسلامی در طول تاریخ از آن شکایت داشته و آن‌ها را مورد تهدید قرار داده‌اند، اما مسلمانان از این ناحیه در امنیت قرار داشته و راه حل‌هایی که کفار برای رفع این چالش گذاشتند از دیدگاه اسلام مورد تایید نیست، چرا که اسلام حلول بی‌نظیر و اساسی را در نظر گرفته که هرگز از بیکاری شکایت نشده و نیاز شدید محسوس نمی‌شود؛ و آن عبارت است از اعتقاد و عمل به شریعت اسلام به عنوان دین و روش زندگی. توضیح این مطلب ویژه و متمایز را ذیلا خلاصه می‌نمایم:

۱. اصل سهولت و سادگی در زندگی مسلمان و ندرت بودن تکلفات زندگی، و اجتناب از انواع محرمان مانند شراب، اسراف و تجملات بی‌مورد زندگی.
۲. اجتناب مسلمانان از هر آن چیزی که موجب مضایقه دیگران و بهره برداری از حاجت و فقرشان می‌شود، مانند ظلم و ستم و ارتکاب جرایم و محرمان؛ چون سود خواری، قمار، تزویر، نیرنگ، تقلب، به تاخیر انداختن حقوق و غیره.
۳. مراقبت ذاتی در نفس کارگر مسلمان، چون می‌داند که خداوند متعال بر همه امورش آگاه و مطلع است، پس با این باور و اعتقاد، اموال مسلمانان در امن مانده و خوف ترسی در دل‌شان جای نمی‌گیرد و این‌گونه باورهاست است که تاثیر مثبت و اخلاص را در کار؛ و صبر را در نفس کارگر مسلمان ایجاد می‌نماید، که در تفوق و تقویت فعالیت و معنویت آن‌ها نقش بسزایی دارد.
۴. محبت و دوستی ذات البینی مسلمانان؛ و این تعامل، دعوتی است بسوی تعاون و همکاری و زمینه‌ی راهنمایی و هم‌یاری یکدیگر برای زدودن چالش‌ها و دشواری‌ها، که این خود خوش بینی و آرامش را در بین کارگران فراهم نموده و موانع برطرف می‌کند.
۵. وسعت موارد رزق و دست آوردها نزد مسلمانان بگونه‌ای که دیگران ندارند، از آن جمله جهاد در راه الله، پیامدهای آن از قبیل اموال و مکاسب بی‌شمار که فئی و غنیمت نامیده می‌شود. در این راستا رزقی بزرگ و مشروع برای مسلمانان وجود دارد که در زمان رسول الله آ و یاران شان و سلف امت، از وسیع‌ترین منابع رزق محسوب می‌شد.

۶. هرگاه مسلمان از انجام کار عاجز شد، فقر دامنگیرش شده و او را مجبور به عقب‌نشینی می‌نماید، ولی در سایه اسلام، دلایلی برای رفع این چالش وجود دارد، اسلام دروازه‌های دیگری را برویش گشوده است تا از آنجا نفقاتش را بدست بیاورد، از جمله:

الف: مصرف کردن صدقات واجبه مستحبه. با اختلاف انواع و اقسام آن.

ب: نفقات واجبه بر کسانی که پرداخت آن به اهلش واجب است، مانند خویشاوندان و دیگر مستحقین.

ج: کفاره‌ها و نذرها و دیگر اموری که موجب رفع احتیاجات مسلمانان فقیر می‌گردد.

د: بیت المال یا خزانه دولت: این اداره در پشت تمام مشکلات اقتصادی قرار گرفته و متکفل هر فرد بی‌بضاعت و نادار می‌شود؛ وقتی مسلمان از انجام کار عاجز شود و نتواند به احتیاجات خود رسیدگی کند و از موارد فوق بهرمنند نشود، بیت المال کفیل و ضامن زندگی شریفانه ایشان می‌باشد.

این روش بزرگ و متمایز منحصر به اسلام است که هیچ روشی با آن مقایسه نمی‌شود، و یگانه پناه‌گاه از شر بیکاری و فقر است. پس نباید این مساله را نادیده گرفت و یا اینکه گفته شود، این یک آرمانی است که در زندگی مسلمانان وجود ندارد! اما باید گفت که افعال برخواسته از اراده‌ی ناموزون مردم نمی‌تواند از شریعت اسلام نمایندگی کند و بر جامعه حاکم باشد، پس وقتی در تطبیق شریعت و اجرای احکام آن بر خود مصمم شویم، زمینه‌ی پیاده شدن قانون اسلام در جامعه فراهم می‌شود و آنگاه چشم مردم به حق دوخته شده و به دستورات آن تمسک می‌جویند، با این روند؛ اهداف تحقق می‌یابد. و عموم مردم زمانی که طعم حقیقی زندگی مسلمانان را بچشند به طرف آن روی می‌آورند، پس هیچ راه حلی برای رفع مشکلات کار و یا ایجاد کار و رفع پدیده بیکاری جز در سایه تنفیذ حکم پروردگار و گردن نهادن به دستورات خداوند متعال، نمی‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ

يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾ [المائدة: ۵۰]

«و چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می‌کند؟»

رسیدگی کار به احتیاجات جامعه

رسیدگی کار به احتیاجات جامعه مساله‌ای است مشکل، که اندازه‌گیری نمود، چه رسد به این که مقدار آن را تعیین نمود. ضرورت و خواسته‌های ملت بالخصوص در کشور ما افغانستان همواره مختلف بوده و خواهش‌ها با اختلاف عصر و زمان متفاوت است.

هرگاه گزینش مسؤولین ما بزرگ و عالی و متناسب با سمت‌های بزرگ‌شان باشد، ایجاب می‌کند که احتیاجات وسیع را فراهم کنند و باید بدانند که دستیابی به تحقق یافتن بزرگ اندیشی، جز با کاری بزرگ، با چیزی دیگر امکان ندارد. اگر کارما نسبت به مقاصد ما پایین‌تر باشد، طبیعی است که کارهای لازم به تامین آن نیز پایین می‌باشد، و گاهی هم ضرورت‌ها در بسا عصرها عالی و در بعضی آن پایین می‌باشد، لذا احتیاجات چه زیاد باشد و چه کم و یا متنوع، نظر به قوت کار و تنوع آن و بر حسب داشته‌های عصر و خواسته‌های جامعه می‌چرخد.

گاهی می‌بینیم در گذشته‌ها مثلا بعضی از اولیای امور فعال مسلمانان، در پی پیشبرد جهاد در راه الله شده و ضرورت‌های لازم جهادی را بالا می‌بردند، زیرا گسترش و توسعه‌ی سرزمین اسلامی چنین تقاضا می‌کرد، و گاهی هم نظر به شرایط روز، کشورهای اسلامی به بلند بردن ضرورت‌های زراعتی و حیوانی و رشد اقتصاد برای نجات از آفت فقر نیاز دارند که جز آن چاره‌ای برای بیرون رفت از این معضل وجود ندارد، پس در این صورت لازم است کارها بطور اختصاصی بررسی شوند و برای رسیدگی به رفع حاجات جامعه اقدامات لازم صورت گیرد. به این شکل احتیاجات نظر به اختلاف چالش‌ها و فراز و نشیب‌های شرایط و زمان رفع می‌گردد. در برخی اوقات امکان دارد که ضرورت، یک بخش و یا همه بخش‌ها را فرا بگیرد، لذا چنین وضعیتی ایجاب می‌کند که کار و کارگر به همه جوانب و نیازها، با ظرفیت‌های کاری و کیفیت مطلوب رسیدگی نموده و تمام و یا بیشتر نیازهای جامعه را با موفقیت بر طرف نمایند. خلاصه آماده کردن کار و کارگر برای رفع نیازمندی‌های ملت امر واجب است، تا در رشد اقتصاد گام‌های استوار و چشم‌گیری برداشته شده و به نیازهای امت با اختلاف خواسته‌ها و نیازمندی‌ها رسیدگی شود. مخصوصا در حالت استقرار کشور و در حالت اضطرار نیز، چه شرایط جنگی یا ناامن باشد، بلکه در تمامی فرصت‌ها کار فعال و موثر از قبیل زراعت، صنعت، تجارت و تربیت حیوانی و حرفه‌ها و خدمات عامه و غیره باید

انجام بپذیرد. زیرا نسل‌های بعدی هیچ عذری را نخواهند پذیرفت آنگاه که محتاج به دیگران باشند. پس نباید کار و فعالیت را به خواسته‌های دیگران و تجویزات‌شان واگذار کرد، بلکه خود ما باید پلان دقیق علمی و گسترده داشته باشیم تا در میدان علمی و عملی، کار ما مطابق با طرح و پلان و بر اساس داشته‌ها و خواسته‌های ما پیش برود، تا موانع احتمالی و غیر احتمالی که گاهی ممکن است فراروی اجرای برنامه‌ها قرار گیرد، برداشته شود. پس این همه توجه و ارج گذاری و اعتبار دادن به برنامه‌های کاری از ویژگی‌های امت اسلامی می‌باشد.

ضمانت در ادامه روند کار و رشد آن

استمرار کار و تداوم در نمو و توسعه‌دهی، ضروری بوده و ضامن بهبود اقتصاد مسلمانان و افزایش سطح معیشت فرد مسلمان است. و این مسأله به امور متعدد دیگری نیز وابسته است؛ از جمله: افزایش فرصت‌های کاری، رونق در کار، ازبین بردن موانع کار، مبارزه علیه بیکاری، فراهم کردن مواد لازم برای کارهای متنوع؛ مانند زراعت و صنعت و شایستگی و موفقیت در ساخت نوعیت کالاها. این بحث وسیعی است که در مباحث ذیل توضیح می‌دهم:

ازدیاد بخشیدن فرصت‌های کاری و رشد آن

ازدیاد بخشیدن فرصت‌های کاری و رشد آن از اموری بسیار مهم بر ضمانت ادامه روند کار و رشد و باورمندی آن ضروری است. هدف از آن سعی شباروزی برای ایجاد فرصت‌های جدید کاری می‌باشد، تا نسل حاضر و آینده را تحت پوشش خود قرار داده زمینه گنجایش کافی برای حل حاجات امت اسلامی و تعهدات‌شان ایجاد شود.

جستجو از فرصت‌های جدید کاری، تقاضای مطالعه و موشگافی عمیق، در عموم احتیاجات امت اسلامی را می‌نماید، تا مصلحت‌های امروز و فردای‌شان را تضمین کند. با مطالعه وسیع تحقیقی توسط نخبگان و اهل اختصاص می‌توان نواقص بعض جوانب کار در زندگی را دریافت نمود، تا به نیازهای که جامعه به رشد و انکشاف آن دارد رسیدگی صورت بگیرد، و یا با ایجاد تاسیسات جدیدی که نیاز مبرم به آن است و در مفکوره اکثریت مردم نمی‌باشد اقدام نمود، و امثال آن، که هنوز توجه جدی در خصوص آن نشده و ایجاب گماشتن عدد بزرگی از کارگران را می‌نماید.

هرگاه در اصل مفکوره جستجو صورت گیرد، و موضوع همچنان تثبیت گردد، و نیازمندی‌ها نیز آشکار شود، در چنین حالت می‌توان گفت که این مرحله نخستین برای تکمیل روند اثبات کار است.

بر می‌گردیم به مرحله دوم که عبارت است از بررسی و مطالعه مثبت و منفی کاری با مطابقت با دستورات شریعت، اخلاق، و اقتصاد، و چالش‌های که می‌تواند در فرا راه و به اجرا درآوردن پلان‌های کاری گردد. وقتی پدیده منفی در روند کار از دیدگاه شریعت نباشد، و نه هم به اخلاقیات صدمه وارد کند، و جهت مثبت اقتصادی بر جهت منفی غالب شده و موانع در راستای راه اندازی کار مرفوع گردیده باشد، این بمنابۀ تکمیل مرحله دوم و تثبیت آن خواهد بود.

و به مرحله سوم برمی‌گردیم که عبارت است از امکانات تمویل کار جدید و راه اندازی آن توسط ماشین آلات و نیروی بشری بدون ضرر و فساد، وقتی امکانات کار را تشخیص بدهیم به مرحله نهایی و اخیر می‌رسیم که عبارت از اعتراف رسمی و تنفیذ کار می‌باشد، البته تحت نظارت همان جهتی که مسئولیت پیشبرد کار را به نحو بهتر به عهده دارد تا جامه عمل بپوشد، چه این نهاد خصوصی باشد مانند اشخاص تجارت پیشه و کارگر و یا هم عامه باشد که عبارت از بیت المال مسلمانان است. و روند پیگیری و اجرای پیشبرد کار به بخش نظارت کننده سپرده می‌شود، تا آنرا مطابق مطالعات دقیق و تصورات تحقیق شده قبلی راه اندازی نماید. این کار گاهی در عرصه‌ی زراعت می‌باشد و گاهی هم صنعت و گاهی هم در بخش ثروت حیوانی و حرفه‌های گوناگون دیگر.

برای تضمین رشد و انکشاف و ادامه کار باید متخصصین در تمامی بخش‌ها اعم از کنترل، جستجو، تنظیم، استخدام وسایل تولید که توانایی ادامه روند عایدات را داشته باشد بکار گیرند. و در خصوص استهلاک و عوارض احتمالی و چالش‌های دیگر باید آمادگی‌های لازم داشته باشند. و بخاطر اینکه توقفی در کار رخ ندهد لازم است وسایل و سامان آلات اضافی فراهم کرده شود، تا هیچ گاهی انقطاع در استمرار کار اتفاق نیفتد.

غالباً ضررهای گسترده در تولیدات، از متوقف شدن ماشین آلات و فابریکه‌ها بخاطر عوارض و کمبود در مواد لازمه پیش می‌آید.

بدون شک در کنترل و پیگیری مستمر و اصلاح کاری ماشین آلات و آماده کردن ضروریات آن، زمینه‌ی کار افزایش یافته ادامه پیدا می‌کند، و رشد و انکشاف چشمگیری را به کمک الله مشاهده می‌نمایم.

از بین بردن عوایق کار و مبارزه علیه بیکاری

غلبه آمدن بر موانع کار و مبارزه علیه بیکاری از سخت‌ترین چالش‌های امت‌های گذشته و امروزه و آینده است، غالب آمدن بر این دو پدیده از مهمترین اسباب زمینه کار و رشد آن است.

این موضوع را در دو مطلب ذیل توضیح می‌دهم:

غلبه کردن بر موانع کار: گاهی عوایقی بر سر راه کار قرار می‌گیرد که مانع ادامه و رشد آن می‌گردد که این موانع نظر به نوعیت کار و کارگر، زیاد و مختلف است. غیر از این اموری دیگری نیز وجود دارند که نمیتوان در این جا همه‌ی آنها را توضیح داد، اما ممکن است که مهمترین موانع کار را ذیلا شرح نمود که به چهار کنگوری تقسیم می‌گردد:

موانع بشری: از جمله عوایقی است که بر سر راه تطبیق برنامه‌های تولیدی قرار گرفته مانع تنفیذ بسیاری از استراتژی‌ها و پلان‌ها می‌شود، و به سبب آن ارزنده‌ترین پلان‌ها به خطر افتیده و ناکام می‌گردد.

موانع بشری بردو نوع است:

الف: ضعف و ناتوانی ماشین آلات و شیوه‌های تخنیکی کار: عجز و ناتوانی در وسایل تخنیکی و شیوه‌های فنی کار از جمله موانعی پرخطری بشمار می‌رود که ایجاب می‌کند در حل آن توجه جدی و متداوم صورت گیرد، اما بر عکس، دیده می‌شود که این گونه موانع از یک نسل به نسل دیگر انتقال داده می‌شود نه اینکه مرفوع گردد.

لیکن امید است با تربیه و آموزش کادرهای فنی و تخنیکرهای ماهر و متخصص و اداره این بخش‌ها به وسیله انسان‌های صادق و امین این معضله به زوترین فرصت مرفوع می‌گردد. رسیدن به این هدف، با شنیدن نظریات و پیشنهادات اهل تجارب و آگاهان امور به کارهای فنی و تشریک مساعی شان امکان پذیر است، تا همزمان بین کار و تمرین تنسیق صورت گیرد. این شیوه را بنام روش چند بعدی صلاحیت‌های کاری می‌نامند، که نظریات افراد فنی و آگاه با مجموعه‌ای از اهل نظر و ذکاوت عرضه و شریک ساخته می‌شود. ایشان در مدت معین چه دراز باشد یا کوتاه، با مرافقت هم از

علم و اندوخته‌های یکدیگر درس نظری و تمرین عملی لازم را می‌آموزند، در واقع این نظارتی است از جانب آگاهان امور و متخصصین بر کارگران و شیوه کاری آنان که بر حصول نتایج مثبت جوابگو می‌باشند، تا آنان را به توانایی و نتایج کاملتر وادار نموده عملاً تشویق می‌کند تا در آینده بتوانند کارهایشان را به اساس تمرینات و عملی نمودن نظریات به بهترین وجه انجام بدهند، از جانب دیگر فضای رقابت مثبت و همکاری بین آگاهان و اهل فن به نحوی زمینه سازی می‌شود.

این روش از مفیدترین راهکارها برای افزایش عدد اهل تجارب تکنیکی و صنایع می‌باشد، که در امکان دارد بین این مجموعه کسانی پیدا شوند که از ذکاوت و مهارت‌های ویژه برخوردار باشند و به مراتب از آموزگار متفوق‌تر باشند. از این جریان می‌توانیم عدد متخصصین و اهل تجارب و تخنیکران را به همان گرافی که خواسته باشیم بلند ببریم؛ چرا که در این صورت هر فرد آموزش یافته در امور مسلکی و متخصصان و تخنیکران مکلف به آموزش و تمرین دادن دیگران شده و با انتقال اندوخته‌های علمی و فنی خود به وجه احسن مصدر خدمت به دیگران میشوند. اگر به همین منوال ادامه‌ی تربیه و آموزش را جدی قرار بدهند شاهد رشد اقتصادی چشمگیری خواهیم بود، در غیر آن رشد کار و خود کفایی جامعه ما به تعویق افتاده اقتصاد ما رشد نخواهد کرد. مشکلاتی که امروز دامنگیر امت اسلامی است از نقص کادرهای متخصص و تخنیک معاصر بیار آمده است و مرفوع ساختن این خلا زمان طولانی را دربر می‌گیرد، اما می‌توانیم از طریق آموزش و تدریب فنی به عدد بزرگی از نیروی بشری در زمینه‌های مختلف و رشته‌های مورد نیاز، این مشکل حل گردد، آری با راه اندازی برنامه‌های فوق و تمرکز بخشیدن و جدیت در عملی نمودن آن می‌توانیم مجموعه‌ای از نخبه‌ها را با مهارت‌های تکنیکی شان بدست آوریم. و پیوسته به تخنیک‌های لازم دست یابیم. لذا برای تحقق این هدف به تأسیس قواعد و مراکز قوی انجیری و تخنیکی نیاز داریم تا کارگران آموزش لازم ببینند.

بعضی مردم چنین فکر می‌کنند که مسلمانان توانایی ساختن صنایع پیچیده و مغلق و تکنالوژی را ندارند، و با غرب در انقلاب صنعتی شان رقابت کرده نمی‌توانند؛ طوریکه این مفکوره را دشمنان اسلام از یهود گرفته تا نصاری و مجوس و غیره توسط نوکران شان در جوامع اسلامی پخش و نشر می‌کنند، تا مسلمانان هرگز از غفلت شان

بیدار نشوند و به ناامیدی و یأس بدون هیچ ابتکاری دست شان به دیگران دراز بوده و ملتی مصرفی و مستهلک باشند.

در حقیقت این یک برداشت باطل و بی‌اساس و خلاف واقع است. زیرا تاریخ این حقیقت را ثابت نموده که مسلمانان ذکی‌ترین ملت‌ها هستند، و به اعتراف جهان این امر ثابت شده است طوریکه داکتر سلیمان ثنیان در مجله بحوث اسلامی دارالافتا مثال می‌دهد که: "من شاهد چندین سخنرانی علمی در کانفرانس‌ها بودم، در دانشگاه برلین که از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های انجینیری اروپا است راجع به علم فزیک سخنرانی‌هایی توسط بزرگ‌ترین استادان فزیک در آلمان ایراد شد. بیاد دارم که شمار حاضرین در تالار اعم از محصلین فزیک کشور آلمان و دیگر کشورها بیش از سه هزار محصل بودند، هنگامیکه او سخنرانی می‌کرد دیدم، اشتباهاتی که در بیان مسایل پیچیده فزیک مرتکب می‌شد کسی توانایی رد کردن آن را نداشت بجز یک محصل اردنی که اشتباهات او را در هنگام تحلیل مسایل فزیک گوشزد کرد. این استاد هیچ نظری محصل اردنی را در مسایل پیچیده فزیک رد نمی‌نمود، چون به علمیت او اعتراف داشت. برادر این محصل نیز حایز جایزه بزرگی که در طول بیست پنج سال کسی نایل آن نگردیده بود، از دانشگاه آزاد برلین بدست آورده است.^۱

مشهور است که در کشور آلمان پرخطرترین عملیات جراحی بدست داکتران جراح عراقی صورت می‌گیرد. حتی کشور امریکا امروزه در صنایع وسایل فضایی و طیارات و وسایل جنگی و ملکی از عقل و مفکوره مسلمانان و عرب خصوصا از کشورهای مصر و شام استفاده می‌کند.

وقتیکه قضیه از این قرار باشد بر مسلمانان واجب است که دروازه‌های انکشاف را گشوده و فرزندان پر انرژی و اهل کار شان را به آغوش بکشند، و به عقل و خرد درایت شان ببالند و آن‌ها را تشویق نموده همه نیازمندی‌های شانرا فراهم کنند، تا بگونه سلاحی در دستان شان قرار بگیرند و علیه دشمنان اسلام آماده شوند، نه اینکه آنانرا به مثابه اسلحه و ابزار بدست دشمنان شان قرار بدهند.

۱- مجلة البحوث الإسلامية العدد (۱۷۵ / ۶۲) مقاله دكتور سليمان بن ابراهيم بن ثنيان الرياض المملكة العربية السعودية، رياسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، نشر ذو القعدة وذو الحجة ۱۴۲۱ هـ - محرم وصفر ۱۴۲۲ هـ..

ب: عجز در عدد کارگران: عجز و کمبودی در عدد کارگران مشکل جدی نیست، چرا که با استخدام عدد لازم می‌توان بر این مشکل به ساده گی غلبه حاصل کرد و مشکل را مرفوع گرداند. در حالت کمبود کارگر و نیروی کاری، هیچگاه مناسب نیست که از کارگران غیر مسلمان استفاده کرد. و مسلمانان برای گماشتن در کار، نسبت به بیگانگان اولی‌تر و برتر هستند زیرا در قبال برادران مسلمان خود نیکخواه و خیراندیش اند، و از خیانت و تقلب دور می‌باشند، با این حال برخی متأسفانه فرقی بین مسلمان و کافر نمی‌گذارند.

موانع نفسی: موانع نفسی عبارت است از هم پاشیدن حالت نفسی یا شکست معنوی کارگران می‌باشد، که از نگاه کمّ و کیف تاثیر مستقیم در تولیدات می‌گذارد. این مشکل از عدم دلچسپی کارگران به کار، ناشی از بهبود نیافتن روند کارشان ببار می‌آید؛ همچنان کم علاقه گی کارگران با داشتن قدرت و توانایی کاری، بسبب ناملایمتهای کار، حالت نفسی برای شان بروز می‌کند. اسباب و علل بدحالی در نفسیت کارگران زیاد است که ذیلا به مهمترین اسباب و موانع و علاج آن اشاره میکنم:

موانع کار و راه‌های علاج آن

۱. ضعف ایمان برخی از کارگران آنگاه که اهمیتی به کار نمی‌دهند.
علاج: تدویر برنامه‌های اصلاحی با ارائه دروس و مواعظ در اوقات مختلف و مناسبت‌ها، تا کارگران از اهمیت کار و پیامدهای خوب آن در دنیا و آخرت آگاهی پیدا کنند.

۲. عمومیت فروپاشی و برهم خوردن معنویات کارگران از وضعیت ناهنجار مسلمانان که اکثر اوقات شاهد حوادث آن هستند.

علاج: راه اندازی برنامه‌های سخنرانی توسط دانشمندان تا در بلند بردن معنویات شان صحبت‌های مناسب نموده وضاحت بدهند که هر قدر حوادث و چالش‌ها در تضعیف مسلمانان تاثیر گذاشته باشد، ولی نباید از فضل و رحمت الله تعالی ناامید و مایوس شوند: طوری که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾ [آل عمران: ۱۳۹]

«و - از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان می‌آید- سست و زبون نشوید و (برای کشتگانتان) غمگین و افسرده نگردید، و شما (با تأییدات خداوندی و قوه ایمان

راستین و نیروی حقی که از آن دفاع می‌کنید) برتر (از دیگران) هستید (و پیروزی و بهروزی از آن شما است) اگر که به راستی مؤمن باشید (و بر ایمان دوام داشته باشید)».

برای مسلمان شایسته نیست که به حوادث تسلیم شود، بلکه سعی و تلاش فرد مسلمانان در راستای کار خیر ثابت و همیشگی، بمنظور رستگاری در دنیا و آخرت است، قطع نظر از اینکه بر دشمن غالب آمده باشند یا نیامده باشند.

۳. ادامه کار یک کارگر و یکنواخت بودن آن در یک وظیفه و بدون تغییری.

علاج: انتقال دادن کارگران غیر تخصصی به کارهای متنوع.

۴. تشخیص شدن کارگر فعال و فدا کار اما بدون تقدیر.

علاج: از کارگر فعال و فدا کار تقدیر صورت گرفته مورد دلجویی قرار یگیرد تا

احساس آرامش نموده به پیامدهای فداکاری‌هایش احساس فخر کند.

۵. نادیده گرفتن تفریح و راحت دادن برای رفع خستگی کارگران در لابلای کار، تا

که نشاط شان تجدید گردد.

علاج: تفریح دادن و وقفه‌ها در کار بخاطر خوش طبعی و زایل شدن خستگی و

ملالت کارگران.

۶. مزد ناچیز و عدم افزایش آن در خلال چندین سال.

علاج: پرداخت مزدی مناسب و افزایش آن هرساله.

۷. غرور و بلند پروازی برخی از کارفرماها بالای کارگران.

علاج: انتخاب کارفرماهای بردبار و مدبر و با احساس، تا از کارگران تقدیر و تمجید

کرده معنویات شان را بالا ببرد.

۸. بد وضعیتی کارخانه‌ها و محلات کار، مانند وجود سروصداها و سیستم روشنایی

و آب و هوای نامناسب.

علاج: کاهش دادن و محدود ساختن سروصداها از کارخانه‌ها و محلات کار تا حد

ممکن، و بهترسازی سیستم روشنایی و انتقال آب و هوای مناسب در مواسم سال

مخصوصا کاهش دادن گرمی در فصل گرما و گرم نگه داشتن در آن زمستان.

۹. فاصله گرفتن اکثر کارگران از اجتماعات و مناسبات جامعه.

علاج: دعوت به عمل آوردن از کارگران در محافل و مناسبات و فراهم کردن

دیدوادیها.

۱۰. دامنگیر بودن اکثر کارگران به مشکلات فامیلی یا اقتصادی و غیره.

علاج: رسیدگی به مشکلات شان از طریق متخصصین در حل مشکلات فامیلی و غیره، تا حل معقول جستجو نموده همکاری به موقع نموده راه بیرون رفت از مشکل را انجام بدهند.

۱۱. برخی از کارگران از مریضی شکایت دارند.

علاج: توجه به صحت کارگران و تشخیص امراض و علاج آن تا حد ممکن و همکاری مالی در راه علاج آن‌ها.

۱۲. منع کردن کارگران از استفاده رخصتی‌های سالانه.

علاج: تنظیم کردن رخصتی‌های کارگران، تا هرکارگری بتواند از رخصتی‌های سالانه خویش استفاده نماید.

این بود نمونه‌های از موانع کار و علاج آن که بیان شد.

موانع تخنیکی و وسایل

بیشتر چیزی که سبب موانع کار می‌شود وسایل تخنیکی است. مثلا کهنه و فرسوده شدن پرزه جات که جوابگوی ضرورت‌های تولیدی لازم نمی‌گردد. همچنان ناتوانی مالی برای تعویض ماشین آلات جدید و معاصر نیز از موانع کار محسوب می‌گردد. و با تأسف که قدرت ساخت آنرا نیز در اختیار نداریم؛ طوریکه واضح است دشمنان اسلام فروش وسایل مهم تولیدی و تسلیحاتی را به هیچ وجه و به ساده گی در دسترس مسلمانان قرار نمی‌دهند، این چیزی است که عملا به همگان هویدا است. بلکه چیزهای را به فروش می‌رسانند که محدود الفایده است. این نمونه‌ی از تعامل دشمنان اسلام در مقابل مسلمانان است که باید برای مسلمانانکه به پند و نصیحت گوش فرا می‌دهند و از بهترین‌ها پیروی می‌نمایند درسی باشد، پس در نقطه باید دقت نموده توجه لازم بخرچ دهند به کار و تعامل دشمنان اسلام اعتماد نکنند، مخصوصا در ساخت وساز تجهیزات و وسایل تخنیکی و یا هم در بخش‌های سیستم سازی و اداره و استخدام متخصصین و خبرگان. چون آن‌ها از این باب اولویت‌ها و مصالح خودشان را مدنظر می‌گیرند نه فرمایش‌های دیگران را.

آیا جای تعجب و تأسف نیست که مسلمانان در ساخت و تولیدات شان با داشتن توانایی‌های بزرگ و عدد بیشتر و داشتن ثروت‌های بیشمار، اعم از مواد خام کافی، موارد طبیعی، متخصصین ماهر و کار کشته باز هم از رقابت با آن‌ها عقب بمانند! در این نکته عطف و توجه جدی در کار است تا حقیقت آشکار شده تاثیرات منفی مرفوع

گردد، و حقایق در محل خود قرار گرفته امور به اهلش سپرده شود، چون مسلمانان در اصل اهل عدل و انصاف و رهبری و قیادت می‌باشند.

اگر امکان تبدیل ماشین آلات و وسایل تخنیکی سابقه به جدید نباشد، پس اقلا در حفظ و ترمیم آن توجه کرد، تا اینکه لوازم مورد نیاز تامین گردد. در همچو وضعیتی مسلمانان باید از فرصت‌ها استفاده نموده تلاش کنند تا کارخانه و فابریکه‌های تولیدی مختلف را ایجاد کنند، و به این ترتیب عزت نفس شان را حفظ نموده در برابر دشمنان سربلند بوده به هر دسیسه و پلان شومی که دارند جوابگو باشند.

موانع مالی: موانع مالی از جمله چالش‌های دشواری است که فراروی پیشبرد و ادامه اکثر کارها قرار می‌گیرد. این موانع، بعضا در عدم توانایی مالی در فراهم کردن مواد خام و یا بقیه لوازم استهلاکی مورد نیاز می‌باشد، همچنان از جمله موانع مالی عدم توانایی پرداخت مزد متخصصین، تخنیکرها، اداری‌ها، کارگران و سایر ضرورت‌های که نیاز به خریداری دارد می‌باشد، از قبیل ماشین آلات و وسایل که تضمین کیفیت بهتر را در تولیدات و رشد قابل ملاحظه می‌گذارد، البته این نظر مناسب و درست نیست که سرمایه‌گزاری و مصارف مالی در عرصه‌های متذکره در زندگی مسلمانان بدون نتیجه بماند. چون کشورهای اسلامی از غنی‌ترین سرزمین بوده دارای ذخایر و معادن سرشار طبیعی می‌باشد، چنانکه اقتصاد شان از قویترین اقتصادهای جهان بشمار می‌رود چون از موارد طبیعی دست ناخورده و نااستفاده برخوردار اند.

لذا بر مسئولین کشورهای اسلامی واجب است که از الله تعالی بهراسند، و در توظیف و به کار گیری ثروت‌های عظیم و سودمند به منفعت مسلمانان استفاده معقول نمایند، در ایجاد مراکز تولید و کارخانه‌های قوی و موثر که فرزندان اسلام را خود کف‌آزمایند، تا با طرح و ایجاد برنامه‌های بزرگ و به کار اندازی آن، آرمان‌های دشمنان اسلام و خواهشات شان برهم خورده عزت نفس و هیبت از دست رفته مسلمانان دوباره زنده شود، و بالاخره آزادی و استقلال همه جانبه را بدست خود گرفته از عقد پیمان‌ها و وابستگی‌های ننگین‌هایی یابند. فایق آمدن به این عزت دشوار نیست اگر با صداقت و راستی کار نموده دین الله را نصرت ببخشند چون همه امور نزد الله متعال است چنانکه می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ

يَنْصُرْكُمْ وَيُذْهِبِ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ [محمد: ۷]

«ای مؤمنان! اگر (دین) الله را یاری کنید، الله شما را یاری می‌کند (و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند) و گامهایتان را استوار می‌دارد (و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد)».

مبارزه علیه بیکاری

در واقع بیکاری ملت‌های غیر اسلامی را نیز بشدت تهدید می‌کند؛ این پدیده گاهی سبب فروپاشی دولت‌ها گردیده است، رفع این معضل و مبارزه علیه آن از جمله مهمترین شعارهای رقبای احزاب سیاسی در انتخابات شده است. احزاب سیاسی می‌کوشند تا با مراجعه به فعالان و دانشمندان عرصه‌ی کار، کارگری و اقتصاد، راه حل رفع بیکاری را آموخته و اجرایی کنند تا در مبارزه علیه این تهدید فایز بیابند.

اما از دیدگاه اسلام قضیه متفاوت است، اصل در شریعت اسلام این است که در هیچ حالتی نباید افراد بیکار در جامعه وجود داشته باشند؛ چون اسلام دروازه‌های متعددی را در حصول رزق و کسب و کار برای مسلمانان باز نموده است، کثرت کارهای دینی و دنیوی در زندگی مسلمانان وسیله خوبی برای حصول اجر می‌باشد، داشتن روش و اسلوب درست شیوه زندگی و اقتصاد جویی و برخورد نیک ذات البین از وسایل مبارزه علیه بیکاری و زمینه ساز فرصت‌های شغلی در جوامع اسلامی است. بنابراین بیکاری هرگز در اسلام وجود ندارد. و این یک واقعیت و حقیقت انکار ناپذیر است، به شرطی که در تطبیق شریعت کوتاهی نکنند، اما اگر تطبیق شریعت را نادیده بگیرند، در آن صورت توازن زندگی شان برهم خورده و نابسامانی‌ها رونما می‌گردد، امن و امان از جامعه رخت خواهد بست و در زندگی مردم کمبود مشکلات و احتیاجات پدید خواهد آمد و خوف و هراس بی‌سابقه اذهان‌شان را مغشوش ساخته و بحران‌هایی ایجاد خواهد شد. یگانه علاج سودمند برای معضل بیکاری، تطبیق و عملی نمودن شریعت اسلام است. اما بقیه تلاش‌ها و مساعی در راستای حل مشکل بیکاری، تلاش‌های بی‌نتیجه، زیان بار و مایوس کننده می‌باشند.

لازم است این سوال را مطرح کنیم که: چرا بیکاری جوامع اسلامی را تهدید می‌کند؟!

تنها دلیل بیکاری در جوامع اسلامی -اگر وجود داشته باشد- همانا خلل در تطبیق شریعت و یا بیرون کردن برنامه‌های نظام اجتماعی آن از زندگی است. این موضوع را باید به دقت بررسی کرد و در پی بحث و اصلاح آن برآمد. چون اگر به موقع

متوجه نشویم و شتابان از تهدیدها و پیامدهای آن عبور نموده و تدابیری پیشگیرانه اتخاذ ننماییم، عواقب وخیمی دامنگیر ما خواهد شد. پس ایجاب می‌کند که با نفس مبارزه نموده و حال خود را اصلاح کنیم و از شر بیکاری و پیامدهای مخرب آن خود و جامعه را برهانیم و آرامش روحی و انسجام حیات عزتمند در جامعه را دریابیم، در غیر آن شاهد دگرگونی‌های غیر مترقبه شده و به مصایب فرو خواهیم رفت.

توسعه در کار و صنایع و فراهم کردن انواع مواد لازم

از اسباب مهم توسعه کار و رشد آن، فراهم نمودن انواع مواد لازم در عموم کارها و فابریکه‌ها می‌باشد. این مواد به اختلاف کارخانه و فابریکه تفاوت می‌کند، گاهی کارخانه زراعتی است، پس نیاز آن به مواد مخصوص خودش نظر به طبیعت تولیداتش می‌باشد، مانند کارگیری از کود شیمیایی، نظافت و اصلاح بذر و غیره. همچنین شرکت‌های بزرگ مواد غذایی مانند پروسس و تغلیف مواد خوراکی و نگهداری آن با مواد شیمیایی که از فاسد شدن جلوگیری می‌کند. و گاهی برخی شرکت‌های تولیدی، تولید کننده صنایع مختلف می‌باشند، مثل وسایل نفتی و فلزی و ماشین آلات ثقیل فلزی. و گاهی هم مرتبط به رشد ثروت حیوانی می‌باشد، مانند پروسس گوشت و نگهداری آن و غیره. همه انواع کارها و شرکت‌ها نیاز به فراهم بودن مواد لازم دارد تا از آن در تولید استفاده و به کار گرفته شود.

فراهم کردن مواد لازم در کارخانه‌ها و فابریکه‌ها به عنوان اصل و زیربنای مهمی در بخشی‌های گوناگون کار ساده‌ای نیست، البته بخاطر نتایج مثبت، نخست باید یک پلان و برنامه قبلی طرح ریزی شود تا محصول متداوم و با کیفیت بهتر تولید گردد و ناجایز و نامعقول خواهد بود که فعالیت‌های کارگاه و فابریکه به علت کمبود و یا عدم توفیر مواد لازم تعطیل شود. این نوع خلأ بذات خود عامل بزرگ شکست و زیان بوده و روند انکشاف و رشد فابریکه را به چالش می‌کشاند. و تاثیر منفی در رشد اقتصاد کشور می‌گذارد. طوری که قبلاً نیز تذکر یافت، برای رشد و انکشاف و توسعه فابریکه‌ها لازم است تلاش جدی به خرج داده شود، تا اینکه تولیدات، متناسب با گراف و عدد سکان باشد. از همین جاست که تاکید بر توفیر مواد لازم و توسعه آن نمودیم، چون موضوعی مهم و آشکار است و ضرورتی به توضیح ندارد. الحمدلله کشور ما و سایر کشورهای

اسلامی بقدر کافی از مواد لازم و ضروری برخوردارند تا نیازمندی‌های فابریکه‌ها را با اختلاف ضرورت‌ها و توانایی فراهم کنند.

در این جا مناسب می‌بینیم که برخی از امکانات کافی کشورهای اسلامی را ذکر کنیم تا عاملی موثر برای تحقق آرمان‌های امت اسلام گردد. چیزی که در این راستا لازم و ضروری است دانستن توانایی‌های هر ملت است که همیشه بر آن متکی می‌باشند و امت اسلام بیشتر این موارد را در اختیار دارند؛ بطور مثال:

۱. نظام حاکم.
۲. نیروی بشری.
۳. موقعیت جغرافیایی استراتژی.
۴. ثروت‌های حیوانی و زراعتی.
۵. مواد خام موجود در بطن زمین و منابع انرژی.
۶. صنعت امروزی.^۱

تفوق و ویژگی در نوعیت کالای تولیدی

بهرتر ساختن و بالا بردن نوعیت انتاج و تولید و صنعت از هر نگاه برای مسلمانان بسیار مهم است. و اثبات این حقیقت که مسلمانان نسبت به سایر ملت‌ها بهتر هستند باید عملاً ثابت گردد، ملت اسلام نه تنها برای هم‌کیشان خود، بلکه برای دیگران نیز ملتی توانا و خیراندیش است. و این امتیاز هیبت‌شان را در میان سایر امت‌ها ترسیخ نموده و مورد احترام قرار می‌گیرند. و بالأخره منجر به احترام دین و عقیده‌شان شده و زمینه‌ی دخول مردم به اسلام، هموار می‌شود.

صنعت و تولید دقیق و بهتر، راهی بزرگ از راه‌های دعوت به اسلام محسوب می‌شود، مخصوصاً برای ملت‌هایی که دقت کار و توانایی در صنعت و تولید ابزار نزد آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار باشد، پس در قبال اینگونه مردمان چیز دیگری جز این موثر قرار نمی‌گیرد. همچنین تحسین و برتری در نوعیت تولیدات راهی است برای ادامه و رشد کار و اقتصاد جامعه، که زمینه رقابت سالم را نیز هموار ساخته و

۱- اقتصادیات العالم الإسلامي، محمود شاکر (ص: ۲۱) شیخ محمود شاکر، بیروت لبنان، المکتب

جوابگوی نیازهای جامعه نیز می‌گردد. پس با اعتماد کامل می‌توان گفت که هرگاه کیفیت و نوعیت عالی در انتاجات و تولیدات ما رونما شد، کارخانه و فابریکه‌های ما مورد اعتماد و پذیرش همگان قرار گرفته شاهد و روی آوری مشتریان خواهیم بود. و از جانب دیگر تولیدات ما در بازارها ترویج یافته و اموال و ثروت‌های دولتی و مردمی رشد و افزایش می‌یابد، چنان‌که ماشین‌آلات و تکنیک نیز رشد چشم‌گیری پیدا نموده و احوال و اوضاع کارگران بهتر خواهد شد. و بالاخره امت اسلامی استغنای کامل از دیگران حاصل نموده و متکی به توانایی و قدرت دست‌داشته و تولیدات کارخانه و فابریکه‌های خودشان می‌شوند و نیازی به داشته‌های دشمن پیدا نمی‌کنند.

افزایش سطح مهارت‌های کاری و وسایل انتاج تکنیکی و بشری

هر کارخانه و فابریکه که بخاطر ترقی و بالابردن سطح اقتصاد و تولیدات و توانایی بشری و تکنیکی خود سعی و تلاش دل‌سوزانه و همیشگی نداشته باشد، امکان بقا و کامیابی‌اش میسر نخواهد شد.

در طبیعت انسان سستی، کسالت، تنبلی و جمود وجود دارد. و تا زمانی که برایش عوامل دلچسپی و انگیزه و امور تشویقی داده نشود در حرکت نیامده و هدف نیز تحقق نمی‌یابد. پس برای حصول نتیجه مثبت و کشاندن وی از عقب به جلو، به وسایلی نیاز است تا مهارت‌هایش رشد داده شود. که در آن صورت داشته‌های صنعتی ما به کار و فعالیت ویژه می‌پردازند. همچنین پیگیری مداوم نیز صورت بگیرد تا فرصت خستگی و خلل در روند کار رخ نداده و تولیدات متأثر نشود.

ما باید در پیش‌برد کار و حصول نتایج مطلوب از هوشیاری، حرص، حوصله، شکیبایی، تصرفات حکیمانه در کنترل و جمع‌بندی واحدهای مختلف کارخانه، کار بگیریم تا همه بخش‌ها منسجم و متکامل شده و هر جزء در پیش‌برد وظایف و بخش کاری خود به بلندترین سطح توانایی کار کنند. این موضوع شامل بخش‌هایی است در چهار مبحث به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

اسباب و عوامل بالابردن سطح شایستگی کار و کارگر

کارگران مسلمان برای بالابردن شایستگی‌های کاری‌شان به وسایل ورزیدگی و حرفوی نیاز دارند. وسایل لازم و امدادی که در این روند محسوس است امور ذیل‌اند:

تعلیم‌دادن کارگران

فطرتا تفاوت‌های بزرگی در تعلیم کارگران وجود دارد، چون از نگاه عقل و ذکاوت یکسان نیستند، برخی از آن‌ها تنبل و بی‌هدف و برخی فعال و جدی و برخی تعلیم یافته و برخی هم عامی و بی‌سواداند. در این میان کسانی وجود دارند که مشغول به کارهایی‌اند که به مهارت‌های معاصر و فن شیوه کار و تخنیک نیازمنداند. و در بین‌شان کسانی نیز هستند که در امور کاری خود به حرفه و فن نیازی ندارند. لذا چنین وضعیتی ایجاب می‌کند که از نگاه تعلیم و آموزش طبقه بندی دوام‌دار صورت بگیرد و برحسب استعدادها و درجه فهم و عقل و درک‌شان مطابق نوعیت کارشان مجموعه بندی صورت گرفته و مورد آموزش قرار بگیرند. مجموعه‌ای که از نگاه علم و عقل و کار مشابهت دارند در یک مجموعه قرار داده شوند. هرگاه افراد یک مجموعه از نگاه عقل و علم و تخصص و سطح عالی تناسب داشته باشند به همان میزان مهارت و دانایی کاری‌شان افزایش می‌یابد و اختصاص کارگران نیز بروز یافته افراد کار فهم و موثر نیز در این ارزیابی ظاهر می‌گردد. اگر ارزیابی ما بر مبنای اختصاص نباشد نمی‌توانیم نتایج مطلوب را دریافت کنیم.

اما چه چیزی باید آموزش ببینند؟ این مساله به طبیعت و ماهیت کارشان ارتباط دارد، که برای تحقق یافتن چه هدفی مصروف کاراند، چه می‌دانند و از چه چیز بی‌خبراند؟ در روشنی این ارزیابی، از علوم مختلف اعم از هندسه و خصوصیات تخنیکی و فنون متنوعی که موجب رشد و انکشاف عقل و مهارت و استعدادهای‌شان می‌گردد استفاده صورت گیرد. اگر هر مجموعه مطابق تخصص‌شان تعلیمات فنی را فراگیرند تحول چشمگیری را شاهد خواهند بود و سطح تولیدات نیز ارتقا خواهد یافت. در طرح و اجرا قرار دادن برنامه تعلیمی عملاً موانع و اشکالات فنی و تخنیکی که فراروی کارگران بوده رفع می‌گردد. این بحث از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا در اجرای آنچه که ذکر شد، کارگران مورد تعلیم و تربیت قرار گرفته و دروس و لکچرهای ضروری به آنان داده می‌شود، تا اینکه از حقیقت کار و اهمیت آن در تعلیم والای اسلام آگاه شده و از مزایای آن آگاه شوند و اهداف کار در ذهن‌شان نقش ببندد و از ثمرات کار در عاجل دنیا و آجل آخرت خبر شده و معنویات و همت‌شان بلند برود و از یأس و ناامیدی و پریشانی نجات یابند. از همین جاست که فرق و ویژگی کارگر مسلمان از غیر مسلمان آشکار می‌شود. این تعلیم به این معنا نیست که اساس

کار بر مبنای آن گذاشته شود، بلکه علاوه بر کفایت و استعداد‌های که دارند این تعلیم بر آن نیز علاوه گردد، تا سطح استعداد‌های‌شان را بالا برده و قادر به تولید بیشتر شوند، و همت کاری‌شان افزایش یافته و به بلندترین قله‌های امکانات مادی و معنوی برسند.

تمرینات متداوم

مراد از تمرین همان تعلیم و افکار و تخنیک و فنون و دانستنی‌هایی است که قبلاً آن‌را آموخته بودند و الآن در صحنه عمل تطبیق می‌کنند، تا به دقت و درستی ادای کار هر چه بیشتر آگاهی پیدا کنند، زیرا کار بعد از علم و معرفت نتایج مثبتی در قبال دارد و بهترین کارگران کسانی‌اند که از تجربه کافی و معرفت عالی برخوردار باشند.

نهادینه‌سازی فرهنگ تخنیک به کارگران

مراد از فرهنگ تخنیک عبارت از دسترسی کارگر ویا کارمند به همه ماشین آلات تخنیکی کارخانه است که در آن کار می‌کنند. تا کار تخنیکی هر ماشین و ارتباط کار هر ماشین و تولیدات آن‌را بدانند و به مراحل تولیدات دسترسی کامل داشته باشند، آشنایی به این نکته بسیار ارزنده و اساسی می‌باشد. زیرا کارگر تخنیکی جایگاه خود را در تولیدات دانسته و احساس موثریت نموده اهمیت و نقش خود را در روند چگونگی تولیدات ارزیابی می‌نماید. و در نتیجه معنویت و اخلاص کارگر افزایش یافته و بخاطر بهترسازی کار خود تلاش بیشتری بخرج می‌دهد.

نمونه افزایش فرهنگ در تخنیک این است که کارگر باید به بعضی از ماشین آلات پیشرفته آگاهی پیدا کند که اگر روزی فابریکه مجهز به آن شود، باید معرفت و توانایی استفاده از آن را داشته باشد تا بخوبی در مسیر تولید فعالیت نماید. فرهنگ عالی تخنیکی نشانی بر بلند بودن سطح فابریکه و فعالیت‌های روزمره آن می‌باشد. فرهنگ دهی تخنیکی تنها بر متفوقین و مدیران و آگاهان امور و متخصصین منحصر نمی‌باشد، بلکه مساعی مشترک را ایجاب می‌نماید.

کاشت بذر محبت و وحدت در بین کارگران

با موجود بودن محبت و الفت و گذشت و احترام متقابل و تقدیر در بین کارگران، همت‌ها تقویت یافته و نفس‌ها احساس آرامش می‌کنند، همچنین در چنین فضایی وحدت و همبستگی ایجاد شده و کارگران با رضایت و خوشنودی و دلبستگی کارهای

خود را انجام می‌دهند. در فضای مملو از محبت و احترام متقابل، نبوغ و استعداد های ذهنی به فعالیت می‌افتد، عقل به نوآوری‌هایش می‌پردازد، توانایی‌ها برمی‌خیزد و استعدادها در حرکت می‌آید، در این فضا وسایل و ماشین آلات محافظت شده نیروی بشری نیز به تلاش‌های بیشتر پرداخته تا بهترین و نوین‌ترین ابتکارات کاری را ابراز نمایند.

صبر در راستای کار

انسان فطرتاً راحت طلب بوده و از برداشت امور سنگین دوری می‌جوید و یگانه چیزی که او را از راحت طلبی، سکون، بی‌مسئولیتی به حرکت می‌آورد، همت بالا و عزم راسخ اوست. پس شخصی که همت و عزم ندارد، فعالیت و حرکتی هم ندارد؛ چنین انسان بی‌مسئولیتی، طوری زندگی می‌کند که گویا مرده‌ی بی‌جان و بی‌حرکت است، بلکه بیچاره‌تر از حیوانات. از شهوات و لذایذ با کمال میل و علاقه استفاده می‌کند. درحالی‌که خداوند متعال در وجود او استعدادهایی را گذاشته که سکونش را به حرکت آورده و همت خوابیده‌اش را بیدار می‌کند، خوف و ترس از آتش و امیدواری و دلبستگی به جنت و نعیم آن، دو عامل و محرک مهمی است که در نفس انسان مسلمان گذاشته شده است، پس مسلمانی که امید به جنت و بیم از آتش او را به حرکت نیاورد، در زمره مرده‌ها است.

گاهی انسان به حرکت می‌آید و فعالیت انجام می‌دهد، اما به وسیله ضرورت‌های زندگی از قبیل خوردن، نوشیدن، پوشیدن، مسکن، سواری و غیره. اما این حرکت؛ حرکتی ظاهری و شکلی است و بسیار زود از بین می‌رود.

گاهی انسان در اثر حرکت عمیق داخلی در حرکت می‌افتد، که ناشی از حرکت ایمان در وجود اوست، ایمان به الله و روز رستاخیز از عالی‌ترین حرکات داخلی انسان می‌باشد، حرکتی که همت را برانگیخته و عزیمت را راسخ می‌گرداند و هرگز خاموش نشده و روشنایی آن تا زمانی که انسان حیات دارد باقی مانده و ادامه پیدا می‌کند.

پس هرکاری ضرورت به صبر و تحمل دارد تا انسان احساس خستگی نکند، البته کار خسته کننده و اذیت کننده، همان کار یکنواخت یومیه است که شرایط خاصی داشته و نا ملایمتی‌های آن بر کارگر اثر منفی می‌گذارد، زیرا انسان فطرتاً در چنین محیط و شرایط کاری یکنواختی، بیشتر احساس خستگی می‌کند.

پس اگر انسان دارای همت بزرگ و اراده متین و ایمان صادق و یقین ثابت توأم با نیت حصول خشنودی خداوند متعال باشد، گاهی صبر و حوصله و تحمل مطلوب را از دست می‌دهد و در برابر همه مشکلات و سختی‌ها ضعیف می‌گردد. لذا باید بخاطر تقویت ایمان و اراده متین کارگران از وسایل مختلف استفاده شود تا همت‌شان بالا رفته و کارشان را بخاطر رضای خداوند و کسب ثواب انجام دهند، چرا که این کار باعث تقویت عزیمت‌شان شده و توانایی و صبر و تحمل را در نفس‌هایشان زنده می‌نماید.

همچنین ضروری است که برای افزایش سطح معنویات و افزایش توانایی کارگران از تشویقات نقدی یا مالی استفاده شود، تا انگیزه مثبت داده شده و نفس‌های آن‌ها آماده کار با اخلاص و فداکاری شود، زیرا اینگونه سیاست‌های موفق در کارخانجات منجر به ازدیاد حجم کار و تولید می‌گردد. عوامل دل‌بستگی کارگر به کار، زیاد و مختلف است، خصوصاً نظرخواهی از کارگران و برآورده نمودن خواهشات‌شان و تقدیم نمودن مشوقات به آن‌ها نتیجه موثری در روند کار و تولید خواهد داشت. این چیزی است که نخست مدیر اداره فابریکه از پیامدهای مثبت آن استفاده کرده، سپس بقیه منسوبین فابریکه از این سیاست مستفید می‌گردند که این همه باعث ایجاد صمیمیت و محبت بین اعضا و کارمندان فابریکه می‌گردد و همگی از نتایج آن بهره‌برداری خواهند کرد.

تشویقات گاهی مادی و گاهی معنوی باشد

الف: تشویقات مادی: بدون شک اهمیت تشویقات مادی نسبت به تشویقات معنوی کمتر می‌باشد، که به طور نمونه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ۱- جوایز مالی معین در برابر فعالیت‌های معین.
- ۲- افزایش میزان حقوق ماهانه در ازای انجام برخی فعالیت‌های معین.
- ۳- دادن پاداش و هدیه به کسانی که در کار خود موفق هستند.
- ۴- سهام شدن شرکت و یا فابریکه در پرداخت کرایه و مصارف خانه و امثال آن با کارگران دلسوز و مخلص.
- ۵- در اختیار قرار دادن وسایل نقلیه برای کارگر موفق نظر به سطح موفقیت وی.

ب: تشویقات معنوی: این نوع تشویقات دارای تاثیری بزرگ و اثری طولانی می‌باشند، البته امور معنوی، بصورت عموم مسرور کننده و نشاط آفرین و تأثیر آن در

نفس‌ها عمیق و ماندگار می‌باشد، و هر زمانیکه خاموش شود دلچسپی و علاقه رخت می‌بندد.

ذیلاً به برخی از تشویقات معنوی اشاره می‌کنیم:

۱- سپردن بعضی صلاحیت و مسوولیت‌های کاری برای برخی از افراد پرکار و مخلص؛ تا تقدیر و تشویقی در مقابل کار و فعالیت مخلصانه او باشد.

۲- دعوت و فراخواندن بعضی از کارگران پرکار و مخلص به مجالس و گردهمایی‌های مخصوص غرض ارزیابی و مباحثه مشکلات کار، تا نظریات و آرای آنان در پیشبرد کار مورد توجه قرار گیرد.

۳- استفاده از وسایل راحتی در کارخانه نظر به مواسم سال، مثلاً در فصل زمستان از وسایل گرم کن و در فصل تابستان از وسایل سردکن و نصب چراغ‌های ویژه و دیگر وسایل راحتی استفاده شود تا کارگران احساس کنند که اداره برای آن‌ها ارزش و منزلت قایل است. این تعامل در تولیدات اثر عالی می‌گذارد.

۴- تفویض صلاحیت به بعضی از کارگران موفق، تا در بعضی مناسبت‌ها از فابریکه یا شرکت نمایندگی نمایند.

۵- استقبال گرم و پذیرایی نیک مدیر و گرداننده شرکت از کارگران و اظهار سپاس بر تلاش‌های مخلصانه آن‌ها و تشویق نمودن‌شان در برابر تلاش‌های مزیدشان و اعطای تقدیرنامه‌ها در مناسبات مختلف اداره.

۶- زمانی که کارگر به ابتکار و اختراعی دست یابد و یا حل مشکل فنی مهمی را دریابد، باید از طریق رسانه‌ها نظر به شرایط روز از وی تقدیر شده و به نشر سپرده شود.

۷- دعوت کردن بدون استثنا در مناسبت‌ها و محافل خوشی.

امثال آن که نظر به وضعیت حال هر فرد و خصوصیت او تشویق صورت گیرد و اگر سیاست‌های فوق الذکر به آسانی فراهم نشوند، علی‌الاقول حقوق و مستحقات کافه کارگران محفوظ باشد و در وقت مشخص به آن‌ها پرداخته شود. والله اعلم.

تضمینات کامل تولیدات هر کارگر

ضمانت برای تولیدات کامل هر کارگر در تمام زمینه‌های عام و خاص مساله‌ی بسیار خطیر و مهمی است؛ بنابراین انجام هر فعالیت و اسباب کار، برای تحقیق هدف

و ضمانت مثمر آن واجب است، تا از طاقت و توانایی‌های از دست رفته هر مسلمان استفاده مثبت صورت گیرد.

تعداد قابل توجهی از کارگران، مسلمان هستند که در جریان کار و وظیفه‌شان، برخی از واجبات‌شان را انجام می‌دهند، نه همه آن‌را. و در سویی دیگر مشاهده می‌شود که تعداد زیادی از کارگران، مکلف به انجام کارهایی‌اند که در برابر استعدادهای که دارند و یا بذل می‌نمایند چیزی نیست؛ مخصوصاً کسانی که در مؤسسات و ارگان‌های دولتی انجام وظیفه می‌کنند. اسباب و عوامل این خلأ بسیار است و برخی از آن‌ها عبارتند از:

ناتوانی در پلان‌گذاری، اندازه‌گیری نادرست، نبودن پیگیری و بررسی و عدم پرسش از تخطی‌ها و اسباب و عوامل دیگر.

تعطیل کردن بخش بزرگی از نیرو و توانایی بشری به این شیوه، از مصیبت‌هایی است که در نظام اسلام قابل تحمل نمی‌باشد. و این پدیده شوم آثار بد و گسترده‌ای در زندگی مسلمانان می‌گذارد و از بزرگترین آثار زشت آن، سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی برخی از مسلمانان در برابر کارهایی است که باید انجام بدهند، در حالی که این عمل بر خلاف حقایقی است که در تعالیم اسلام وجود دارد؛ زیرا دین اسلام بیشتر از همه، به مسلمانان تاکید نموده، تا در کارشان جدی و مخلص بوده و امانت کاری و اهمیت اخروی آن را مدنظر قرار دهند و در ادای واجبات بسیار حریص باشند، چون که مسلمانان هستند و کار را به دستور الله انجام می‌دهند.

برای تصحیح این وضعیت ناگوار و خطرناک لازم است در طرح و برنامه ریزی‌های عمومی و خصوصی تجدید نظر صورت بگیرد. و برای فهم بیشتر هر دو بخش توجه جدی شده و محاسبات علمی و کارا پیش بینی شود. پلان‌گذاری و توزیع وظایف باید در دایره سنجش و بررسی انجام بپذیرد. اموری که تذکر یافت باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا تولید کامل هر کارگر تثبیت گردد. این علاوه بر بررسی و کنترل نظام و اداره است، تا مراقبت، مکافات مجازات با جدیت و امانت داری انجام بگیرد. البته زیر این برنامه و نظام، همه بخش‌ها و کارمندان مشغول به کار، اعم از مسؤولین بالارته و پایین رتبه، من جمله وزراء، رؤسا، آمرین، متخصصین و سایر کارمندان و کارگران همه داخل هستند. خداوند متعال توفیق عمل نیک را نصیب همه بفرماید.

انکشاف و بالا بردن توانایی ماشین آلات تولیدی

در این شکی نیست که انکشاف دادن و بالا بردن سطح تولید ماشین آلات، تا اینکه بلندترین درجات صنعت و تولید را داشته باشد، کامیابی بزرگی برای فابریکه و دستگاه‌های تولیدی است. در حالیکه کشورهای غیر مسلمان از دست‌یابی مسلمانان به این مرحله راضی نبوده و نمی‌خواهند چیزی از این امور را در اختیارشان قرار بدهند و می‌کوشند تا اسرا موفقیت را از مسلمانان پوشیده و مرموز نگه‌دارند.

یکی از چالش‌هایی که مسلمانان امروزی با آن روبرو هستند این است که دشمنان اسلام هیچ‌گاه راضی نیستند که مسلمانان ماشین آلات و وسایل انتاج و تولید پیشرفته را در دسترس خویش داشته باشند؛ زیرا در صورت خودکفایی مسلمانان، وابستگی و نیازشان به صنایع آن‌ها متوقف خواهد شد و اگر گاهی در اختیارشان قرار بدهند، البته در بدل پرداخت پول گزافی کمرشکن وسایلی فرسوده و از کار افتاده و محدود الفایده خواهد بود. تجربه ثابت نموده که کشورهای صنعتی غیر مسلمان وسایلی را در اختیار مسلمانان قرار می‌دهند که خودشان از آن مستغنی شده و می‌خواهند از آن خلاص شوند؛ این سیاست خصمانه آن‌ها بوده که هیچ‌گاه خواسته‌های ملت مسلمان از این بابت برآورده نشده و مشکل‌شان را حل ننموده است. با این حال تمام شروطی که ایشان در مقابل تصاحب وسایل پیشرفته بر مسلمانان وضع می‌کنند، برای تحقق اهداف خودشان می‌باشد؛ آن‌ها شروطی ذلت بار و محدودیت‌هایی را می‌گذارند که بیانگر نهایت بغض و دشمنی آن‌ها با مسلمانان است. چون ادامه این روند عقب‌گرایی و تخلف مسلمانان را برایشان تضمین می‌کند. در حالیکه کشورهای اسلامی از مال و ثروت بزرگ و توانایی‌های گسترده و موارد سرشار طبیعی برخوردار می‌باشند و سزاوار است که ایشان صاحبان وسایل و ماشین آلات مدرن تولیدی و غیره باشند و مانند اجدادشان در میدان علم و فن دست بالا داشته باشند، لذا مسلمانان هیچ عذر و معذرتی در نداشتن آن را ندارند و نباید از واجبه‌های‌شان عقب نشینی کنند.

بر کسانی که استعداد استقامت بخشیدن به رشد اقتصادی و توانایی رهبری در این زمینه را دارند، پیاده کردن برنامه‌ها با نیروی علم و عمل، لازم و ضروری است. و این حقیقت مسلم است که مسلمانان توان امتلاک عناصر صنعت ثقیل با انواع و اغراض آن را دارند و یگانه چیزی که فقدان آن محسوس است، جدیت ایشان در کار است تا با عزیمت و قوت پیش برده شود. اگر مسلمانان حتی بجز مال چیز دیگری هم

نداشته باشند، می‌توانند از راه‌های لامحدود - به کمک الله - توانایی امتلاک اسرار صنعت ماشین آلات صنعتی را بدست بیاورند و وسایلی که سبب ترقی و انکشاف روز افزون غرب گردیده آن‌ها نیز در جامعه شان به بار بیاورند. امور مذکور، مسؤولیت مسلمانان است و باید تلاش کنند تا آن‌ها را به دست آورند و بر باطل غالب شده و بر آرمان‌های دشمنان خط بطلان بکشند، تا این‌که حق جایگاه خود را بدست آورد.

احکام کار

کار بذات خود انواعی از احکام را در بر می‌گیرد، برخی کارها واجب و برخی مندوب و برخی دیگر مباح و بعضی هم مکروه و بعضی دیگر حرام می‌باشند. در ابتدای این مبحث می‌خواهیم مقدمه‌ای راجع به جواز رخصت برای انجام برخی فرایض برای کارگران در وقت کارشان داشته باشیم؟ این مبحث شامل شش بخش می‌باشد.

تمهید

آیا لازم است که علما احکام همه چیز را بیان کنند؟ هیچ قضیه و هیچ مسأله‌ی دنیوی‌ای نیست -چه بزرگ باشد و چه کوچک- و مربوط به امور اخروی باشد مگر اینکه شریعت اسلامی در قبال آن احکامی را بیان داشته است. شریعت اسلام منسوب به الله است و در بر گیرنده‌ی تمامی قضایا و حوادث بوده و تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت.^۱

دانشمندان اسلام به خاطر بکار انداختن نیروی فکری‌شان تلاش‌های بزرگی را انجام دادند و احکام مختلف را از قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام **أ** و از عموم دلایل شرعی و در روشنای مقاصد شریعت استخراج و استنباط نمودند، فقهای اسلام مسایل و قضایای اتفاق افتاده را به میزان شریعت عرض داشتند، تا احکام از نگاه تخصیص و یا تعمیم واضح و روشن شود. آن‌ها در بسیاری از قضایا و مسائلی که هنوز بوقوع نپیوسته، اندیشه نموده و احکام افتراضی را ابراز نمودند، که دلایل‌شان گاهی منصوص

۱- إعلام الموقعین عن رب العالمین، ابن قیم الجوزیه (ص: ۲۴۸ و ۲۵۳). الإمام شمس الدین أبي عبدالله محمد بن أبي بكر ابن قيم، بيروت لبنان، دارالكتاب العربي، سال نشر ۲۰۰۴ م ۱۴۲۵ هـ.ق.

و گاهی هم غیر منصوص و از طریق قیاس و قواعد عام و دیگر دلایل و به مقتضای حال بوده است.

دانشمندان هر عصر مسؤولیت دارند که در قبال هر قضیه و مسأله نو پیدایی در عصر خود به احکام شرعی آن آگاهی داشته و برای دیگران نیز بیان نمایند. و هیچ‌گاه در عدم علم و تفقه در قضیه و حادثه‌ای معذور پنداشته نمی‌شوند، چه قضیه مالی باشد یا اجتماعی و چه تعلیمی و نشراتی باشد یا سیاسی و غیره.

و هرگز درست و صحیح و معقول نخواهد بود که گفته شود: درک و هضم این مسأله برای فقها و دانشمندان دشوار است؛ چرا که هر مسأله و قضیه‌ای که اهل علم و فهم در آن غور و فکر کرده و بر اخراج حکم آن در روشنای کتاب و سنت و یا قیاس صحیح و قواعد عام و مبادی شریعت اتفاق کنند، راه حل و استنباط حکم آن بدست می‌آید؛ چون احکام شریعت اسلامی در برگیرنده همه مسایل و قضایای عصرها بوده و بر آن احاطه کامل دارد و پیرامون آن مفصلا ارائه‌ی نظر می‌کند.^۱

استدلال کردن از دلایل شرعی نیاز به عدم تعصب و عدم گرایش دارد، که هیچ نوع رغبت بی‌مورد در اثبات و یا نفی حکمی مدنظر نباشد، همچنین یک عالم باید به فقه مسأله احاطه کامل داشته و در فهم آن معلومات گسترده داشته باشد، تا حکم آن‌را بیان کند؛ و تا اینکه حکم صادره در مسأله منتج از تصور کامل در اطراف آن گردیده است.

چنانکه بر علما لازم است مردم را از احکامی آگاه سازند که به بیان آن ضرورت دارند و در نشر آن از وسایل مختلف مانند رسانه‌ها، تعلیم، دروس، کنفرانس‌ها، ورکشاپ‌های دوره‌ای، خطبه‌ها و مواعظ، کتب و رسایل، نشریات و غیره استفاده نمایند - به این معنا نیست که شامل همه تفاسیل و جزئیات آن باشد - مهم این است که سعی نمایند و احکام را برای مردم برسانند. تا در برابر هر پدیده که با احکام آن ناآشنا اند و ناآگاهانه به ظن و گمان خود تعامل می‌نمایند راهنمایی گردند.

از جمله اموری که امروز رشد قابل ملاحظه‌ای نموده و نیاز به بیان و توضیح احکام دارد، کار است. کار در تقسیمات انواع و اقسامش حدودی ندارد و بیشتر مردم در حالی

۱ - رفع الملام عن أئمة الأعلام لابن تیمیه (ص/۴۵ و ۴۸)، احمد بن عبدالحلیم بن عبد السلام، ریاض المملكة العربية السعودية، الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، سال نشر ۱۹۸۳ - ۱۴۰۳ هـ.ق.

وارد کار می‌شوند که به آن آشنایی نداشته و نسبت به آن جهل کامل دارند، چه کار دستی باشد و یا غیر دستی. سکوت علما در بیان احکام کارهای‌شان، این باور را در اذهان می‌پروراند که گویا کارهای آن‌ها جایز و مباح است، در حالیکه این یک اشتباه بزرگی است؛ کار از دیدگاه شریعت اسلامی انواعی دارد، برخی کارها واجب و برخی مندوب و برخی مباح و برخی دیگر مکروه و برخی حرام می‌باشند.

در این بخش سعی داریم تا در رابطه با احکام کار صحبت کنیم و سهمی در این رابطه داشته باشیم.

در واقع این بحث گامی است در مسیر آثار دانشمندانی که از نگاه علم و فقه در مراتب بالایی قرار دارند و برای ما راهگشایی خواهد بود تا آثار و نوشته‌های علمی آن‌ها را؛ چه در گذشته و چه عصر حاضر بازنگری کرده و احکام شرعی مربوط به کار و انواع آن را که یک عمل بسیار دقیق و مهم خواهد بود، برای مردم بیان نماییم تا در این زمینه با بصیرت کامل و آگاهی تام قدم بگذارند و امیدوارم که خداوند متعال در بیان آن ما را هدایت نموده و بصیرت و توفیق را نصیب همه ما بگرداند.

کار واجب

کار چه وقت واجب می‌گردد؟ تعیین و تحدید این مساله کار مشکلی است و نیاز به بررسی همه جانبه دارد که چه چیزی سبب وجوب کار می‌گردد، پس باید بررسی و تقدیر درست و علمی صورت بگیرد، تا با نظر داشتن مصلحت‌های زنده‌ای که کار و اهداف آن را تحقق می‌بخشد، بررسی صورت گیرد، چون در نادیده گرفتن اهمیت آن مفاسد و ضررهایی شامل حال امت اسلامی می‌گردد. برخی از کارها بر هر شخصی فرض عین می‌باشند و برخی فرض کفایه‌اند و برخی نیز برای اشخاص معینی فرض عین می‌باشند و دلیل آن تمایزی است که در وجود آنان دیده شده و ضرورت مسلمانان را رفع می‌نماید.

پس کار واجب بر سه قسم است:

کار واجب بر هر مرد قادر توانا: این نوع کار از وسیع‌ترین انواع کار می‌باشد، و آن عبارت از کاری است که برای امرار معیشت و روزگار و نفقه بر خود و عیال انجام می‌شود. این نوع کار بر هر فرد قادری، واجب است؛ زیرا حاصل کردن تقاضاهای زندگی ضامن بقای حیات انسان می‌باشد و حفاظت و نگهداشتن حیات وجیبه هر فرد

است. بنابراین احادیث زیادی در رد و انکار قتل نفس وارد شده و از این عمل ننگین بیم داده است، از جمله:

۱- حدیث جابر بن سمره ○ است که می‌فرماید: «أَنَّ التَّيَّيُّ أَوْ بِرَجُلٍ قَتَلَ نَفْسَهُ بِمَشَاقِصٍ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ»^۱

«مردی نزد پیامبر ○ آورده شد که خود را توسط تیر کشته بود، پیامبر ○ بر او نماز جنازه نخواندند».

۲- از ابو هریره ○ روایت است که پیامبر ○ فرمودند: «مَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ فَقَتَلَ نَفْسَهُ فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَتَرَدَّى خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ نَحَسَى سُمًّا فَقَتَلَ نَفْسَهُ فَسُمُّهُ فِي يَدِهِ يَتَحَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ ثُمَّ انْقَطَعَ عَلَيْهَا شَيْءٌ خَالِدًا يَقُولُ كَأَنَّهُ حَدِيدَةٌ فِي يَدِهِ يَجَأُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا مُخَلَّدًا فِيهَا أَبَدًا»^۲.

«هرکس، خودش را از بالای کوهی بیندازد و خودکشی کند، برای همیشه و بطور دائم در آتش جهنم، سقوط می‌کند. و هرکس، با خوردن زهر، خودکشی کند، برای همیشه و بطور دائم آن زهر را در آتش جهنم در دست خواهد داشت و جرعه جرعه آن را خواهد نوشید. و هرکس، با آهنی، خودکشی کند، برای همیشه و بطور دائم، آن آهن را در آتش جهنم بدست خواهد داشت و در شکمش فروخواهد برد».

فرایض الله تعالی که بر بندگان مقرر نموده است بجز حیات که وجود آن مشروط بر وسایل معیشت است، ممکن نیست، "ما لا یتیم الواجب الا به فهو واجب" و تحت این قاعده فقهی قرار می‌گیرد.

کار واجب بصورت کفایی: این نوع کار عبارت از کاری است که اگر برخی مردم بر ادای آن برخیزند، گناه آن از بقیه ساقط می‌شود، اگر هیچ کسی بر ادای آن برنخیزد

۱- صحیح مسلم به شرح امام نووی، (۲۹۲/۴)، شماره حدیث (۲۲۵۹).

۲- سنن نسائی (۶۶/۴-۶۷) شماره حدیث (۱۹۶۵) أبو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی بن بحر بن سنان بن دینار، حلب سوریه، ناشر: مکتب المطبوعات الإسلامية، چاپ سوم، بیروت لبنان، ۱۴۱۴ هـ.

همه مردم گناهکار پنداشته می‌شوند. مراد از همه، عموم افراد امت اسلام نیست، بلکه متخصصین هر کاری است، اگر متخصصی وجود داشته باشد.^۱

اگر در آن کار اهل اختصاص وجود نداشته باشد و کس دیگری هم به ادای آن همت نگمارد، تمام کسانی که آگاهی به تعطیل آن دارند گناهکار می‌باشند، زیرا امکان قیام بر ادای آن را داشته اما چنین نکرده‌اند.

فروض کفایه در این نوع کار زیاد می‌باشند، برخی از آن‌ها مخصوص عبادات است و برخی مخصوص ضرورت و خواسته‌های زندگی و برخی نیز از فروض مشترک می‌باشد، برخی از واجبات کفایی عبارتند از:

۱- زراعت که از ضروریات معیشت فرزندان امت اسلامی است: لذا واجب است که مجموعه‌ای از افراد امت به زراعت مشغول شوند، تا نیازهای مسلمانان برطرف گردد؛ و اگر کسی این مسؤولیت را با آن مقداری که لازم است بر عهده نگیرد و این نیاز برطرف نشود، توانمندان و آگاهان این عرصه، گناهکارند.

۲- صنعت: امت اسلام نمی‌تواند در هیچ حالی از صنعت بی‌نیاز باشد، زیرا در وجود صنعت نیازهای خود را فراهم کرده و از اضرار نجات می‌یابند، و به واسطه آن پرچم جهاد فی سبیل الله بر افراشته می‌شود. و اگر کسی به کار صنعت که لازمه تامین مصلحت‌های فوق است، همت نگمارد، هر فرد توانا و آگاه از حالت موجود، گناهکار شمرده می‌شود و در این مورد اهل حل و عقد مسلمانان نیز گناهکار می‌شوند.

۳- تجارت: تجارت برای مسلمانان امری لازم و ضروری است و باید در ترویج و فعال ساختن آن تلاش‌های ویژه بخرج دهند، تا اینکه وجیهه خود را در قبال خدمت و بهبودی مردم به وجه درست و مطابق با شریعت ادا نمایند. اگر کسی در این خصوص برنخیزد و مصالح مردم دچار آسیب شود، تمام کسانی که توانایی تجارت دارند و از جریان نابسامان مطلع‌اند، گنهکار می‌شوند.

۴- تحمل مسؤولیت امور مسلمانان و رسیدگی به مصالح ایشان: این مسؤولیتی است واجب که بدون آن استقامت امور معطل می‌گردد، اگر کسی این امور را بدوش

۱- الموافقات في أصول الشريعة، شاطبی، (ص: ۱۰۰). الإمام ابراهیم بن موسی اللخمی الغرناتی أبو اسحاق، بیروت لبنان، دارالکتاب العربی، سال نشر: ۱۴۲۹ هـ. ق.

نگیرد و مصالح رعیت را رعایت نکند، در این حال اهل حل و عقد مسلمانان گنهکار می‌باشند.

۵- **طلب علم و فهم در دین:** بر بعضی از مسلمانان واجب است که علم دین را بیاموزند، تا بتوانند برای دیگران دین را تعلیم دهند و در پرتو شریعت الهی عدالت را در بین خود حاکم گردانند، اگر این امر معطل قرار داده شود، هر انسان توانایی در گناه آن داخل است.

۶- **امر به معروف ونهی از منکر:** امر به معروف و نهی از منکر بر اهل علم، واجب و فریضه دینی است، اگر کسی از آنان این مسؤولیت را ادا نکند، در گناه قرار می‌گیرند، همچنین اهل حل و عقد در برپا نکردن این فریضه گناهکار می‌شوند.

۷- **جهاد در راه الله:** جهاد در راه الله یکی از فرایضی الهی بوده و هیچ گاه متوقف نمی‌شود، اگر گاهی در زمان یا مکانی توقف و تعطیل شود، اهل آن زمان و مکان و کسانی که توانایی جهاد را دارند و نیز کسانی که سبب تعطیل جهاد شوند، گنهکار می‌گردند.

۸- **خدمات اجتماعی برای مسلمانان در امور مختلف:** این هم از جمله واجباتی است که امور مسلمانان بدون آن استقامت نمی‌یابد. وقتی افراد کافی‌ای به اجرای این خدمات به پا نخیزند و این امر منجر به تعطیل مصالح مردم شود و توقف یابد، در آن صورت هر شخص توانایی که از وی انجام این خدمات، درخواست شود، اما او ابا ورزد، گنهکار می‌شود. و مثال‌های دیگری از واجبات کفایی.

دلایل قسم دوم (کار واجب بصورت کفایی): بر این قسم از کارها دلایل زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها را در ذیل بیان می‌کنیم:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲]

«مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند (و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند). باید که از هر قوم و قبیله‌ای، عده‌ای بروند (و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند (به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و) آنان را (از مخالفت فرمان

پروردگار) بترسانند تا (خویشتن را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت) خودداری کنند».

۲- و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

«باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگارانند».

دلالت آیات فوق و امثال آن این است که راهنمایی کردن همه مردم به سوی یک کار معین ممکن نیست، اما وقتی افرادی در پیش برد کار معین قرار گرفتند و هدف تحقق یابد، واجب از بقیه افراد توانمند ساقط می‌گردد. سنت فعلی پیامبر اسلام نیز دلالت بر این امر دارد، بطوری که ایشان افرادی را برای انجام کارها و امور مهمی چون: ولایت، رهبری جهاد و سایر امور مسلمین انتخاب می‌کردند که تواناترین مردم بودند؛ یاران ایشان نیز بعد از رحلت‌شان همین رویه را در پیش گرفتند.

قسم سوم: کاری که بر اشخاص معین واجب می‌گردد:

گاهی نیز کار بر اشخاص، واجب عینی می‌گردد؛ آنگاه که تمایز و ویژگی از نگاه توانایی و صلاحیت‌های کاری در وجودشان دیده شود و در هیچ صورتی نقش ایشان نادیده گرفته نمی‌شود، چون اجرای کار مطلوب از دیگران توقع نمی‌رود و مردم به خدمات ارزنده آنان در امور مختلف نیازمند می‌باشند؛ بطور مثال: فقیه دانشمندی که نقش عمده‌ای در استخراج احکام و فقه نوازل در جامعه دارد و کسی خلأ او را نمی‌تواند پر کند، برایش احراز منصب فتوا لازم است، تا در قضایایی که مردم به او مراجعه می‌کنند در خدمت‌شان قرار بگیرد؛ و بر شخص صاحب نظر و تجربه در امور سیاسی و ارتباطات و در تشخیص حيله و مکر و ترفندهای دشمن، لازم است که برای افشای اهداف دشمن در خدمت قرار بگیرد. و بر کسی که از امور و اسرار اقتصاد و صنعت موثر با وسایل تخنیکی پیشرفته آگاهی دارد، لازم است در خدمت مردم قرار گرفته و با استعدادهای عالی، روند صنعت و تولیدات را انکشاف ببخشد تا نیازمندی‌های امت اسلامی را مرفوع ساخته و از سرزمین و ثروت و عزت مسلمانان حمایت نماید. بر کسی که از امور کشت و زراعت آگاهی دارد، واجب است که برای مسلمانان کار کند تا توانایی زراعتی و پیداوار آن بالا برود. و بر دکتر ماهر در

بخش‌های مختلف طبابت، لازم است تا در همان بخش که نبوغ و مهارت دارد در خدمت و علاج مریض‌ها و کشف علل مرض‌شان قرار بگیرد. و بر تاجر امین و ماهر لازم است تا کار و سعی نماید و دروازه‌های رشد و ترویج کالاهای تجار مسلمانان را بگشاید و تاثیر رو به انکشاف اقتصادی را تشدید بخشند. به همین قسم بر هر صاحب فکر و اندیشه‌ای که دارای استعداد ویژه است لازم است که با انجام کار موثر در خدمت مسلمانان قرار بگیرد.

دلایل این قسم از کارها: در مورد کارهایی که بر اشخاص معین واجب می‌گردد، کتاب و سنت و عقل دلالت دارد.

نخست دلالت کتاب الله: آیات بی‌شماری وجود دارد که دال بر این موضوع می‌باشد:

۱- ارشاد پروردگار: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا

بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿۱۵۹﴾ [البقرة: ۱۵۹]

«بی‌گمان کسانی که پنهان می‌دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستاده‌ایم، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده‌ایم، خدا و نفرین‌کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان)، ایشان را نفرین می‌کنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد)».

وجه استدلال از آیه: خداوند متعال کتمان کنندگان علم را بیم داده و تهدید به لعن از جانب خود و سایر لعنت‌کنندگان نموده است، که دلالت بر وجوب نشر علم و تبلیغ آن و بیان احکام شرعی در قبال ضرورت‌های مردم در امور دین و دنیا می‌نماید. لذا هر متخصصی که در تخصص خود کار نکند و در خدمت مردم قرار نگیرد تا از اندوخته‌های او استفاده شود، نوعی از کتمان به حساب می‌رود.^۱

۲- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ

مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۳۷﴾ [النساء: ۳۷]

«آنان کسانی‌اند که خود بخل می‌ورزند و مردمان را نیز به بخل می‌خوانند و نعمتی را که خداوند بدیشان داده است پنهان می‌دارند و (نه خودشان از آن استفاده می‌کنند و نه دیگران را از آن بهره‌مند می‌سازند و پیوسته سعی در کفران نعمت مادی و معنوی دارند،

۱- التفسیر الوسیط، زحیلی به همین معنا (۷۳/۱) وهبة ابن مصطفى، دمشق، دارالفکر، سال نشر:

اینان بدانند که) ما برای کسانی که (همچون ایشان) کفران نعمت می‌کنند، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم».

وجه استدلال از این آیه: این آیه انسان مغرور و خودپسند را نکوهش نموده است، همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به آن توصیه می‌کنند و داده‌های الله را نادیده گرفته و کتمان می‌کنند.

دانشمند توانا و ورزیده در امور شریعت، انجنیر ماهر، دکتر حاذق، صاحب رای و نظر و مشوره سدید، آگاه به اسرار صنعت و تولید، صاحب ثروت و خزانه بزرگ و دیگر افراد نخبه و موفق در زمینه‌های مختلف، همه و همه از جمله کسانی‌اند که خداوند متعال از فضل و کرم خود به آن‌ها ارزانی نموده است و بیم می‌دهد که اگر به داده‌های الله اعتراف نکرده و آن‌را بکار نیندازند، در این صورت کار بر آن‌ها لازم می‌گردد، اما اگر آنان کار کنند و کتمان نکنند و بخل نورزند و خود پسندی و فخرفروشی نکنند و داده‌های الله را شکر و سپاس کرده و بذل نمایند، در این حال واجبی را که بدوش‌شان است، ادا نموده‌اند.

دلایلی از سنت:

۱- عن أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ فَكْتَمَهُ أَجَمَهُ اللَّهُ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱

از ابو هریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که از او در باره دانشی پرسیده شود و او آن را بپوشد، در روز قیامت به لگامی از آتش لگام کرده می‌شود». وجه استدلال از حدیث: الله تعالی کتمان کننده علم را که بعد از پرسش هم کتمان می‌کند، به وعید شدید تهدید کرده است، بگونه‌ای که روز قیامت با لگام آتشین عذاب کرده می‌شود. در نتیجه اگر کسی که در بخشی از اعمال زندگی مسلمانان تجربه و استعداد دارد، مورد سوال قرار گیرد، ولی از ابراز آن ابا ورزد، در حقیقت علمی را کتمان کرده که الله تعالی برایش ارزانی نموده است و مسلمانان ضرورت جدی به آن دارند، آنان کسانی‌اند که مورد وعید الله قرار گرفته‌اند. امور دنیایی در حقیقت امور

۱- عون المعبود شرح سنن أبي داود، العظیم آبادی (۱۰/۷۳-۷۴) شماره حدیث (۳۶۵۵)، أبوطیب محمد شمس الحق، بیروت لبنان، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، سال نشر ۱۴۲۳هـ ق- ۲۰۰۳م).

آخرت بنده را استقامت می‌بخشند، و در قاعده فقهی آمده است که " ما لایتم الواجب الا به فهو واجب" پس کسانی که در کاری از کارهای زندگی صاحب تخصص‌اند و مسلمانان به آن نیاز دارند، انجام آن بر ایشان واجب می‌گردد.

۲- از حدیث جابر نزد مُسْلِم مَرْفُوعًا روایت می‌شود که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْفَعَ أَخَاهُ فَلْيَفْعَلْ»^۱.

«کسی که توانایی نفع رساندن به برادرش را داشته باشد، پس چنین کند». وجه استدلال از حدیث: پیامبر ﷺ امر فرمودند اگر کسی می‌تواند سود و نفعی به برادر مسلمانش برساند پس باید این کار را بکند. صاحب تجربه و استعداد، تنها به یک مسلمان نفع نمی‌رساند، بلکه نفع و سود او به عموم مسلمانان می‌رسد و بوسیله اندوخته‌هایش شورو و اضرار بزرگ را نیز از مسلمانان دفع می‌نماید، چون توجه و توقع همه به آنان بیشتر است، پس سزوار است که به علم‌شان عمل کنند.

دلیل عقل: با نظر دقیق و بصیرت عمیق در توظیف افراد، باید مطابق توانایی و استعدادهای‌شان در راستای نتایج و ثمره‌های بیشتر اقدامات صورت گیرد، مسلمان خیری را بدست نمی‌آورد اگر در اقامه امر الله نباشد، چون همان پیامدهای خوبی را در دنیا و آخرت دربر دارد، در صورتیکه طلب خیر داشته باشد. نظر درست ایجاب می‌کند که در پیشبرد کارها، افراد توانا و صاحبان فن و مهارت گماشته شوند تا بهره برداری بهتر با شرایط پر امن‌تر در زمینه‌های مختلف از آن‌ها استفاده شود.

کار مندوب «مستحب»

ندب در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله: ندب از ندبا گرفته شده، به این معنی که به آن فرا خوانده شد و اجابت کرد.^۲ مندوب در نزد اصولی‌ها تعاریف زیادی دارد که مناسب‌ترین آن عبارت است از کاری که انجام آن مستوجب ثواب است و ترک آن عذابی را در پی ندارد.^۱

۱- رفع الملام عن أئمة الأعلام (۴/ ۵۱۱-۵۱۲)، شماره حدیث (۸۲۷۷).

۲- مختار الصحاح، رازی (ص: ۵۶۱)، زین الدین محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، بیروت لبنان، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ: یازدهم، نشر ۱۴۲۶ هـ ۲۰۰۵ م.

و تعریف دیگرشان این است: «مندوب عبارت است از فعلی که اقتضای شرعی داشته و به ترک آن ملامتی نباشد».^۲

کار مندوب که در سدد بیان آن هستیم فرصتی است بزرگ و گسترده که امکان حصر و یا تحدید آن به نظر نمی‌رسد، لیکن گذاشتن قواعد و ضوابطی عمومی برای برخی از مندوبات امکان دارد؛ به عنوان مثال:

هر کار مشروعی که مربوط به یکی از بخش‌های زندگی باشد و مسلمانان از آن بهرمنند گردند و از جمله کارهای واجب نباشد، مندوب پنداشته می‌شود. پس گسترش و توسعه زمینه‌های زراعتی یا انکشاف وسایل و آلات سودمند که مردم شدیداً به آن نیاز و ضرورت نداشته باشند، مندوب است.

افزایش در درستی تولید و مقبولیت آن که باعث رغبت مردم شود و رشد روز افزون در ترویج، و ازدیاد در منافع، همگی مندوب الیه می‌باشند.

هر کاری که در کل واجب باشد، پس جزئیات آن کار مندوب است.^۳ مثل زراعت، صنعت، افزایش ثروت حیوانی، تجارت و سایر حرفه‌هایی که بدون آن‌ها زندگی امت اسلام به طور عادی پیش نمی‌رود، در کل واجب است، اما در جزء مندوب الیه می‌باشد. یعنی زراعت و صنعت و امثال آن که عموماً موجب استقامت ضروریات و احتیاجات جامعه می‌گردد، کار کردن برای برپایی و اقامه آن‌ها واجب است، و اگر اعتماد و تکیه کل بر اقامه جزء آن نباشد، مندوب است.

هرکاری که تکمیل کننده کار واجب باشد و خود تکمیل کننده امر لازمی نباشد، پس مندوب الیه است. همچنان هر کاری که موجب زیبایی کار واجب باشد مندوب است.

هر کاری که مندوب الیه بدون آن تحقق نیابد، آن کار مندوب الیه است. هر کاری که کمک و معاونت برای فردی از مسلمانان باشد، بدون اینکه ضررش بر دیگران عاید گردد، مندوب الیه است.

۱- روضة الناظر و جنة المناظر، ابن قدامه (ص: ۳۶)، شیخ الإسلام موفق الدین أبی محمد عبدالله بن احمد بن محمد المقدسی الحنبلی، بیروت، دارالزحام للنشر والتوزیع، ۱۴۲۴-۱۴۲۵.

۲- البرهان في أصول الفقه، جوبنی (۱/ ۲۱۴) أبو المعالی عبدالملک بن عبدالله الجوبینی، المنصورة مصر، دار الوفاء للنشر، نشر ۱۴۱۸ هـ.

۳- الموافقات في أصول الشريعة (ص: ۷۶).

هر کاری که در آن رفع حرج از برخی مسلمانان باشد، پس آن کار مندوب الیه است.

هر کاری که در آن مصلحتی برای خویشاوندان باشد، مندوب الیه است.

کار مباح

مباح در نزد علمای لغت ضد محظور است و باب بزرگی است.^۱
مباح نزد اصولی‌ها: "عبارت از هر امری است که حرج از انجام و ترک آن مرفوع شده باشد".^۲

کار مباح - علی الاطلاق - از وسیع‌ترین کارهاست، چون اصل در اشیاء اباحه است، مگر اینکه دلیلی آن را از این اصل خارج کرده باشد؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۹]. «خدا آن ذاتی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید، آن‌گاه به آسمان پرداخت و از آن هفت آسمان منظم ترتیب داد. خدا دانا و آشنا به هر چیزی است».

کار در عموم اباحت داخل است، برخی کارها واجب، برخی‌ها مندوب الیه و برخی مکروه و برخی حرام می‌باشند، پس در حالت وجود علتی در آن حکم آنرا به خود گرفته است، گاهی کار در اصل مباح است ولی با ایجاد علت و سببی دیگر، یکی از احکام چهارگانه‌ی فوق را به خود می‌گیرد، که عبارتند از: واجب، مستحب، مکروه و تحریم؛ گاهی کار در یک جز مباح و در کل واجب یا مندوب الیه، یا مکروه و یا حرام می‌تواند باشند.^۳

در نتیجه کارهای مباح حدی نداشته و قابل شمارش و محدود نمی‌باشند و می‌توان بطور کلی و در مثال‌هایی عمومی آنرا بیان نمود، به عنوان مثال:

۱- معجم مقاییس اللغة (۱/۳۱۵).

۲- المستصفی، غزالی (۱/۱۷۷). الغزالی، أبو حامد محمد بن محمد، جده المملكة العربية السعودية، شرکت المدينة المنوره للطباعة والنشر، ۱۴۱۰هـ.ق.

۳- الموافقات في أصول الشريعة (ص: ۷۵-۷۶).

هرکاری که در آن بر مسلمانان ضرری احساس نشود، مباح پنداشته می‌شود، چه کار فزیکه باشد یا فکری.

هر کاری که نتیجه آن علاوه بر حاجت مسلمانان تمام شود، بدون در نظر داشتن منفعت حاضر و در آینده هم از موارد ضروری و سودمند به حساب نیاید و در آن ضرر عام و یا خاصی دیده نشود، پس آن کار از جمله مباحت می‌باشد.

هر کاری که از جمله ضروریات و حاجیات و تکمیلات و تحسینیات نباشد، آن کار مباح است، به شرط آنکه مضر نبوده و برای دیگران زیان بار نباشد.

هر کار تخنیکی یا فکری که منفعتش مخصوص صاحب آن باشد نه غیر، به شرطی که برای عامه و خاصه ضرری نداشته باشد، مباح است.

گفتنی است که کارهای مباح در یک حال و زمان باقی نمی‌ماند، بلکه تحول پذیر بوده و از یک حکم به حکم دیگر انتقال می‌یابد، بدون اینکه صاحب آن آگاه شود، ممکن است از مباح به مندوب و یا به واجب ارتقا یابد. و گاهی به مکروهات و محرمات سقوط می‌کند. لذا بر هر صاحب کار واجب است که مسیر کار خود را پیگیری نماید و پیامدهای خیر و شر کار خود را درست مراقبت کند، و از هر نوع غفلت و سهل انگاری در قبال کار خود پرهیز کند، تا مبادا کارهایش به مکروه یا حرام انتقال نکند، در حالی که خودش آن را احساس نمی‌کند.

کارهای مکروه

کره (به ضم کاف و فتح آن) دو لغت است، به معنای (ابا و ورزیدن). گفته می‌شود: کره یکره کرها (به فتح و ضم) و کراهت و کراهیت (به تخفیف و تشدید) عبارت است از: ضد رضا و محبت.^۱

و در نزد اصولی‌ها: «مکروه عبارت است از هر آن چیزی که شریعت از انجام آن زجر داده و بر اقدام آن ملامت نکرده باشد».^۲

۱- تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی (ص: (۱۷۲، ۱۷۳)، محمد بن محمد بن عبدالرزاق الزبیدی، القاهرة مصر، دار الهدایة. و معجم مقاییس اللغة (۴۰۸/۹-۴۰۹).

۲- البرهان فی أصول الفقه، جوینی (۳۱۳/۱) أبو المعالی عبدالملک بن عبدالله الجوینی؛ البرهان فی أصول الفقه، المنصورة مصر، دار الوفاء للنشر، نشر ۱۴۱۸ هـ.

و همچنان تعریف کردند که: «چیزی که ترک آن بهتر از انجامش باشد، مکروه است»^۱.

و در نزد فقهای اسلام مکروه آنست که "بر ترک آن ثواب و بر فعل آن عقابی نباشد"^۲.

برشمردن کار مکروه و بیان اعیان آن دشوار است، و گاهی تشخیص آن از مباح نیز مشکل است؛ مخصوصا کارهای کسانی که فهمی از فقه اسلامی ندارند، و از فقها نیز نمی‌پرسند تا آن‌ها احکام مربوط به آن کار را به آن‌ها بیاموزند؛ بنابراین سعی می‌کنیم سلسله ضوابط و معیارهای عام را در ذیل بگذاریم تا وسیله‌ای برای شناخت انواع مکروهات گردد.

برخی از انواع کارهای مکروه عبارتند از:

کارهایی که با اخلاق و ارزش‌ها و عادات پسندیده در تعارض باشند.

تمام کارهایی که در تعارض با مندوبات باشند.

کارهایی که موجب تفریق و پراکندگی ثروت‌های مسلمانان گردد و پیامد مثبتی از آن تحقق نیابد.

هر کاری که منجر به تحلیل شود؛ و یا در استفاده مشروع منجر به زیاده‌روی گردد.

هر کاری که مانع کارهای واجب گردد.

کارهایی که منتهی به مکروهات شوند.

کاری که سبب تضییق روزگار مردم گردیده و یا سبب احتکار مصدر رزق‌شان شود.

کاری که ضرورت و ناتوانی مردم، زمینه کار و استفاده جویی یک فرد گردیده باشد.

کارهایی که کراهت دارند، عبارتند از: کارهایی که گاهی موجب برانگیختن نعره‌ها

گردد و یا باعث رقابت‌های گروهی و تعصبات شود.

کاری که زمینه اشتراک با کفار را فراهم کند و در آن ضرورت مشروعی دیده نشود.

کاری که موجب ضرر بیشتر به دین و یا دنیای مسلمانان گردد.

۱- روضة الناظر وجنة المناظر (ص: ۴۱).

۲- الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ابن العثیمین (۱۰۲/۴)، محمد بن صالح بن محمد عثیمین

المقبل الوهیبی التیمی، بیروت لبنان، دار ابن الجوزی، چاپ: اول، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۸ هـ.

کاری که اوقات و زندگی مردم بدون دست آوردی ضایع گردد. هر کاری که مردم را تشویق به کارهایی کند که مناسب حال شان نباشد. و مثال‌هایی از این قبیل.

کارهای حرام

تعریف حرام: حرام ضد حلال و تحریم ضد تحلیل است. گفته می‌شود: حرم یحرم حرمة و تحریم، عبارت از منع و تشدید می‌باشد، چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿وَحَرَّمَ عَلَىٰ قَرَبَةٍ أَهْلَكْنَهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۵]

«غیرممکن است که به سوی ما (برای حساب و کتاب) برنگردند مردمانی که آنان را (در جهان بر اثر کفر و ظلم) نابود کرده باشیم (و این که همان‌گونه که خود گمان می‌برند مرگ آخرین مرحله زندگی ایشان باشد)».

گفته می‌شود: چیزی را برایش حرام کرد؛ یعنی آن را از او منع کرد.^۱ و در نزد اصولیها تحریم عبارت است از: "آن چیزی که شارع بر انجام آن زجر داده ملامت کرده باشد".^۲

و در تعریف دیگر گفته شده: "حرام عبارت از خطابی است که تقاضای ترک از عملی، جازمی باشد".

کارهای حرام زیادند، شاید جوانب متعدد و تصرفات مادی و فکری انسان را در بر گیرد. از نمونه‌های کار حرام مادی در عرصه زراعت مثل کشت کوکنار و انواع آن، و کشت اشیا به قصد ساختن مشروبات الکلی و پاش دادن ادویه ضد حشره بر سبزیجات و سپس عرضه کردن آن برای مردم قبل از این که آثار آن زایل شده باشد و زیاده‌روی در استفاده از مواد کیمیای غرض تسریع رشد نباتات، بدون در نظر داشت و رعایت حد نهایی مسموح در استعمال آن مواد، زیرا این همه، نوعی از خیانت و تزویر پنداشته می‌شود، منجر به حدوث امراض خطرناک و سرطان‌های گوناگون به اکثر مردم می‌گردد.

و کار حرام در عرصه صنعت، مانند صنعت و تولید مخدرات و سایر خوردنی‌های حرام؛ و ساخت اسلحه‌ای که باعث تقویه فتنه و فساد در بین مسلمانان شود؛ و ساخت

۱- معجم مقاییس اللغة لابن فارس (۴۵/۲).

۲- البرهان فی اصول الفقه (۳۱۳/۱).

آلات موسیقی، ساختن کارت و وسایل استقبال کننده نشرات ماهواره‌ای که به فسق و فجور و انحرافات اخلاقی و عقیدتی دعوت می‌کند.

تهیه و ساخت تصاویر بت‌ها، و رسامی ذی روح و رسامی تصاویر متحرک آماده برای مشاهده از طریق تلوزیون و وسایل مرئی (کارتون). و ساختن آلات مضر به اطفال و بزرگان؛ و هر وسیله‌ای که سبب گمراهی مسلمانان می‌گردد. تزویر و جعل در ساخت اسناد با اختلاف اشکال و صورت‌های آن. نقص در مواد لازم اشیا، استبدال در مقابل چیزی کم ارزش، و یا خلط کردن به غیر جنس و امور دیگری که باعث تضعیف تولیدات و ساخت آن می‌گردد.

از جمله کارهای حرام، کار و فعالیت متخصصین و متفوقین مسلمان نزد غیر مسلمانان، چه در بخش صنایع نظامی باشد یا ملکی؛ و فرقی ندارد که زمینه همان کار نزد مسلمانان موجود باشد یا نباشد؛ چون در خدمت قرار دادن کارهای تخصصی، به نحوی همکاری با کفار بوده، در مقابل مسلمانان را ذلت و خواری می‌بخشند. مثال‌ها در این مورد زیادند که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست.

و از کارهای حرام کار در عرصه تجارت است، مانند تجارتي که فساد دینی و یا دنیوی را در بین مسلمانان ایجاد کند، شناخت این نوع کار، مسؤولیت تاجر است، بر هیچ تاجری جایز نیست که فراتر از محدودیت‌های که حلال بودن آن را می‌داند تجارت کند.

تجارت مبنی بر سود از بزرگترین محرّمات است، معاملات بانکی مبنی بر سود و قرضه‌های سودی، کار و فعالیت در چنین مراکزی، بر تاجر واجب است که احکام چنین معاملاتی را دانسته و از آن اجتناب کند. همچنین تجارت مخدرات و شراب، تجارت کتب، مجلات، جراید، کست‌ها، سی دی و فیلم‌هایی که رزایل اخلاقی و منکرات و خرافات و بدعات و شرکيات را ترویج می‌دهند، همگی حرام‌اند. خلاصه اینکه هر کار و تجارتي که عزت و کرامت کفار را تأمین کرده و سبب ذلت و تحقیر مسلمانان در امور دین و دنیای‌شان گردد، حرام است.

و کار حرام در خصوص کارهای فکری: افکار و نظریاتی که منجر به متضرر شدن دین، اخلاق و ارزش‌های مسلمانان می‌گردد حرام تلقی می‌شود، از قبیل نشر آن بوسیله تالیف کتب، نوشتن مقالات در جراید و مجلات و نشریه‌ها، سخنرانی و لکچرها در کنفرانس‌ها و نشست‌های رادیویی و تلوزیونی و میزگردها به منظور پخش و نشر

افکار و آرای منحرف و باطل و امثال این‌ها.

و از جمله کارهای فکری حرام، کم رنگ و کم ارزش جلوه دادن شعایر دینی است، مثلاً اعتبار ندادن و ارزش قایل نشدن به اوقات نمازهای پنجگانه و فرصت ندادن به کارگران برای ادای نماز جماعت و غیره.

از بزرگترین منکراتی که در برخی کارها رخ می‌دهد، برخورد منفی صاحبان کار و کارفرماها در برابر شعایر دینی، ارزش‌ها، عادات و تقالید مسلمانان و بی‌تفاوتی آن‌ها در این رابطه است، بطوری که در وسایل نقلیه زمینی و فضایی اکثر کشورهای اسلامی دیده می‌شود، تنظیم حرکت این وسایل طوری عیار شده که تعارض صریح با اوقات عبادات مسلمانان مانند نماز و روزه و غیره دارد. آیا نمی‌دانند که این وسایل در خدمت مسلمانان می‌باشند؟ پس چرا شعایر دینی‌شان را مورد احترام و تقدیر قرار نمی‌دهند و اوقات مناسبی را برای حرکت وسایل نقلیه اختیار نمی‌کنند تا تعارضی با شعایر دینی مسلمانان نداشته باشد؟ همچنان نادیده گرفتن وقت افطاری و سحری در ایام رمضان؛ و عدم وجود جای مناسب برای ادای نمازها از جمله اموری است که در بیشتر وسایل نقلیه به چشم می‌خورد؛ در حالی که مراعات این امر در وسایل نقلیه مسلمانان بسیار مهم و حتمی پنداشته می‌شود، تا مسافرین مسلمان با فکر آرام به طاعت و عبادت خود رسیدگی نمایند.

در این قسمت به دلایلی اشاره می‌کنیم که ارتباط به کارهای حرام و نکات فوق الذکر دارد:

دلایلی از قرآن کریم و سنت مطهر و قواعد شریعت و کلیات آن که بر حرمت آنچه تذکر یافت و امثال آن دلالت دارد:

از قرآن کریم:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ﴾ [المائدة: ۸]
«ای مؤمنان! بر ادای واجبات خدا مواظبت داشته باشید و از روی دادگری گواهی دهید».

در این آیه خداوند متعال بصورت عام به بندگان دستور فرموده تا همه اوامرش را به اجرا درآورده و از همه منهیاتش اجتناب ورزند، پس هر چیزی که با این آیه در مخالفت قرار بگیرد، حرام است.

۲- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَحُونُوا
ءَمَلَنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۲۷﴾ [الأنفال: ۲۷]

«ای مؤمنان! به خدا و پیغمبر (با دوست گرفتن دشمنان حق، پخش اسرار جنگی، پشت سرافکندن برنامه‌های الهی و غیره) خیانت مکنید و در امانات خود نیز آگاهانه خیانت روا مدارید».

این آیه هرکاری که در آن خیانت باشد مخصوصاً خیانت به دین و امانات، همه را تقبیح و ممنوع قرار داده است.

۳- همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ
وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۵۱﴾ [المائدة: ۵۱]

«ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید) ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). و هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد (و آنان را به سرپرستی بپذیرد) بی‌گمان او از زمره ایشان بشمار می‌رود. و شکی نیست که الله افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی‌کند».

این آیات، تمامی انواع موالات و دوستی با کفار را حرام قرار داده است.

۴- همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ
عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ بَٰعِيْرٍ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۶﴾ [لقمان: ۶]

«در میان مردم کسانی هستند که خریدار سخنان پوچ و یاهواند تا با چنین سخنانی (بندگان خدا را) جاهلانه از راه خدا منحرف و سرگشته سازند و آن را مسخره کنند. آنان عذاب خوار و رسوا کننده‌ای دارند».

این آیه مبارکه هر عملی که مبنی بر لهو و طرب و موسیقی باشد و منجر به گمراهی و انحراف و ضیاع وقت شود حرام قرار داده است.

۵- همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۚ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿۱۰۱﴾ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ

فِيهَا وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٠٤﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ [البقرة: ۲۰۴-۲۰۶]

«در میان مردم کسی یافت می‌شود که سخن او در (بارہ امور و اسباب معاش) زندگی دنیا، تو را به شگفت می‌اندازد (و فصاحت و حلاوت کلام او، مایه اعجاب تو می‌شود) و خدا را بر آنچه در دل خود دارد گواه می‌گیرد (و ادعاء دارد که آنچه می‌گوید، موافق با چیزی است که در درون پنهان می‌دارد، و گفتار و کردارش یکی است). و حال آن که او سرسخت‌ترین دشمنان است. و هنگامی که پشت می‌کند و می‌رود (و یا به ریاست و حکومتی می‌رسد)، در زمین به تلاش می‌افتد تا در آن فساد و تباهی ورزد و زرع و نسل (انسان‌ها و حیوانات) را نابود کند (و با فساد و تباهی خود، اقوات و اموال و ارواح را از میان ببرد)، و خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد. و هنگامی که به او گفته می‌شود: از خدا بترس (و اقوال و افعال برابر دار و به جای افساد اصلاح کن)، عظمت (و نخوت، سراپای) او را فرا می‌گیرد و (غرور) گناه (او را به بزهکاری وادار) می‌کند. پس دوزخ او را بسنده است و چه بد جایگاهی است».

این آیه کارهای گروهی از مردم را بیان می‌کند که ادعای تدین و صلاح دارند، ولی زمانی که امکانات و زمینه و زمان برایشان فراهم و مساعد شود فساد را در زمین به اوج می‌رسانند، قتل و چپاول و افساد می‌کنند و اگر آن‌ها را ه وجود پروردگار تذکر دهی، آشفته و برانگیخته شده برای نفس‌شان انتقام می‌جویند).

۶- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْعَصْرُ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾﴾ [العصر: ۱-۳]

«سوگند به زمان (که سرمایه زندگی انسان، و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است) انسان‌ها همه زیانمندند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی (در تحمل سختی‌ها و دشواری‌ها و دردها و رنج‌هایی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد)».

خداوند متعال به زمانه قسم یاد کرده که در آن اعمال بنی آدم واقع می‌گردد، چون انسان در خسارت و زیان است، مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و توصیه به اقامه حق و صبر بر آن نمودند.

۷- همچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸]

«و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید)».

خداوند متعال در این آیه از خوردن مال غیر به باطل نهی می‌کند؛ و خلط کردن دلایل و قرائین باطل بخاطر غلبه علیه اهل حق و از آن قبیل هر کاری است که در آن تقلب و تزویر و خیانت باشد، یا استفاده از نیازمندی‌های مردم و امثال آن باشد ممنوع و حرام قرار داده است.

۸- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [۲۷۸] فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۸-۲۷۹]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (عذاب و عقاب) خدا بپرهیزید و آنچه از (مطالبات) ربا (در پیش مردم) باقی مانده است فروگذارید، اگر مؤمن هستید. پس اگر چنین نکردید، بدانید که به جنگ با خدا و پیغمبرش برخاسته‌اید و اگر توبه کردید (و از رباخواری دست کشیدید و به اوامر دین گردن نهاده‌اید) اصل سرمایه‌های‌تان از آن شما است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید».

خداند متعال در این دو آیه بنده‌های مؤمن خود را به ترک سود خواری فرمان داده است و ترک آن را به ایمان ارتباط می‌دهد؛ و بیم می‌دهد که انجام چنین کاری به مثابه جنگ با الله و رسولش است. در آیه دلالت قاطع بر حرمت سود تذکر یافته است. پس هرکاری که سود یا ربا در آن وجود داشته باشد حرام و زشت می‌باشد.

۹- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [النور: ۳۷]

«مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی‌سازد. از روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن دگرگون و پریشان می‌گردد».

خداوند متعال آنانی را مذمت می‌کند که کارهای تجارتي، ایشان را از ادای فرایض باز داشته است و ستایش از کسانی نموده است که هیچ گاه تجارت و امثال آن آن‌ها از انجام فرایض و عبادات باز نداشته است.

۱۰- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۳۵]

«ای مؤمنان! از خدا بترسید (و از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و بایسته است)؛ و در راه او جهاد کنید تا این که رستگار شوید».

خداوند متعال در این آیه به تقوی و کارهایی که سبب تقرب به درگاه او می‌شوند امر نموده است، مانند جهاد در راه الله و اقامه دستورات الهی و ترک منهیات و تناصح دینی.

۱۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹]

«ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید».
الله تعالی به بندگان فرمان داده است که تقوا و راستی را پیشه کرده از دروغ در اقوال و اعمال اجتناب کنند.

۱۲- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [النور: ۲۱]

«ای مؤمنان! گام به گام شیطان، راه نروید و به دنبال او راه نیفتید، چون هر کس گام به گام شیطان راه برود و دنبال او راه بیفتد (مرتکب زشتی‌ها می‌گردد). چرا که شیطان تنها به زشتی‌ها (فرا می‌خواند و) فرمان می‌راند».

خداوند متعال در این آیه از پیروی راه‌های شیطان منع می‌کند، چون به فحشا و منکرات دستور می‌دهد. و هر عملی که در مخالفت با دلایل و قواعد شریعت قرار بگیرد، پیروی از فرمان شیطان است و حرام گفته می‌شود.

آیات فوق و آیات دیگری که مماثل آن می‌باشند بر حرمت کارهای مذکور و کارهای دیگری که شریعت از آن منع کرده و در مخالفت آن قرار گرفته باشد دلالت دارد.

دلایلی از سنت رسول الله آ:

۱- ابو هریره رضی الله عنه می گوید: رسول الله آ فرمودند: «مَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا» و در روایتی: «مَنْ عَشَّ فَلَيْسَ مِنِّي»^۱

«کسی که تقلب (و فریب کاری) کند از (امت) من نیست». در این حدیث حرمت تزویر و تقلب با اختلاف انواع آن بیان شده است و هر کاری که در آن تقلب و تزویر باشد حرام است.

۲- حکیم بن حزام رضی الله عنه می گوید: پیامبر آ در خصوص بیعان (خریدار و فروشنده) فرمودند: «فَإِنْ صَدَقًا وَبَيْنَنَا بُورِكَ لُهُمَا فِي بَيْعِهِمَا وَإِنْ كَتَمَا وَكَذَبَا مُحِقَّتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا»^۲
«پس اگر هر دو راست گفته و (عیب کالا را) بیان کنند در خرید فروششان برکت گذاشته می شود، اما اگر (عیب را) پپوشانند و دورغ بگویند، برکت خرید و فروششان محو می گردد».

پیامبر آ در این حدیث خبر می دهند که تقلب در کار چه خرید و فروش باشد یا غیره، و دروغ گفتن و پپوشاندن عیوب متاع، از اسباب محو برکت است و این عقابی است که در برابر فعل حرام داده می شود.

۳- عرفجه رضی الله عنه از رسول الله آ شنید که فرمودند: «إِنَّهُ سَتَكُونُ هَنَاتٌ وَهَنَاتٌ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يُفَرِّقَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَهِيَ جَمِيعٌ فَاصْرُبُوهُ بِالسَّيْفِ كَأَنَّكَ مِنْ كَانٍ»^۳
«همانا تبعیضها و شر و فساد به وقوع می پیوندد، پس اگر کسی خواست در امور این امت تفرقه ایجاد کند، در حالی که یک دست هستند، او را با شمشیر بزیند، هر کسی که باشد».

در این حدیث حرمت کاری بیان شده که به تفرقه امت بینجامد، چه این کار مستقیماً با فعل انسان صورت بگیرد یا این که با نشر طرز فکر خاصی باشد.

۱- الجامع الصحيح سنن الترمذي (۶۰۶/۳)، شماره حدیث (۱۳۱۵)، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون الأحادیث مذیلة بأحكام الألبانی علیها.

۲- صحیح بخاری (۵۹/۳)، شماره حدیث (۲۰۸۲).

۳- صحیح مسلم بشرح الإمام النووي، (۴۸۳/۶)، شماره حدیث (۴۷۷۳).

۴- از ابو رقیه تمیم بن اوس الداری ○ روایت است که رسول الله آ فرمودند: «الدِّينُ التَّصِيحَةُ فُلْنَا لِمَنْ قَالَ لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا ئِمَّةَ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»^۱
 «دین خیر خواهی است، گفتیم برای چه کسی؟ فرمودند: برای الله و کتابش و پیامبرش و برای رهبران مسلمانان و عامه مردم».

در این حدیث نصیحت و خیراندیشی برای دین الله و کتاب او و پیامبرش و امامان مسلمین و سایر مسلمانان عماد و پایه دین معرفی شده است، پس کسی که به اینها خیانت نماید و در کارهایشان خیرخواهی نکند، در دین خلل وارد کرده و اخلال‌گری در دین از بزرگترین محرمات است.

۵- از ابوهریره ○ روایت است که پیامبر آ فرمود: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ عَرَضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ التَّقْوَى هَاهُنَا بِحَسْبِ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْتَفِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»^۲

«مسلمان برادر مسلمان است، به او خیانت نمی‌کند، به او دروغ نمی‌گویند، یاری او را ترک نمی‌کند (تنهائیش نمی‌گذارد)، تمام حقوق یک فرد مسلمان، بر مسلمان دیگر حرام است: ناموسش، مالش، خونش. تقوا اینجا (در دل) است. برای شخص مسلمان، همین اندازه از شر و بدی کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند».
 در این حدیث مبارک حرمت هر نوع خیانت و رواداشتن ذلت برای مسلمانان بیان شده است و همچنان حرمت دروغ‌گویی به مسلمان، چه در کارهای ارزشمند و چه در کارهای خرد و کوچک.

حکم ترک فرائض توسط گارگر

رخصت در اداى نماز جماعت بجز در احوال ذیل، در دیگر احوال جایز نیست:

- ۱- سفر.
- ۲- مرض.
- ۳- خوف.
- ۴- عجز بخاطر بزرگ سالی.

۱- مصدر قبلی (۲/ ۱۱۵-۱۱۶)، شماره حدیث (۱۹۹).

۲- تحفة الاحوذی شرح جامع الترمذی (۶/ ۴۱-۴۲)، شماره حدیث (۱۹۲۷).

۵- شدت سردی و باد.

۶- تاریکی شب و بارش و لغزش.

اما رخصت در ادای نماز جماعت به خاطر کار به هیچ عنوانی جایز نیست و هیچ یک از علمای سلف و خلف بر جواز آن سخن نگفتند، بلکه در این اواخر بعضی از نعره‌های باطل به تجویز رخصت در نماز جماعت دیده می‌شود که متصدی آن کسانی هستند که از شریعت و احکام آن آگاهی ندارد، که خود نمونه‌ای از قول علی الله بغیر علم است.

در اصل جر و بحث و مناقشه و نظرخواهی در این مساله درست نیست، چون اعتبار شرعی ندارد، اما سخن پیرامون کار و کارگر در شرایط امروزی و آموختن احکام شرعی به آن‌ها مورد بحث قرار نمی‌گیرد و با تاسف بسیار کم است که مردم از امور دین‌شان بی‌پرسند و اطلاع یابند. لذا بخاطر جلوگیری از خلط و التباس امور باطل با حق، تا مبدا روزی حق پنداشته شده و صبغه شرعی داده شود تذکری دادیم، چون که اکثریت مردم از شناخت حق و دلایل آن دوراند و توانایی بحث و تحقیق و فرق میان صحت و سقم اقوال را ندارند.

حتی در میدان جهاد که از بزرگترین طاعات در اسلام است نباید در قبال نماز جماعت بی‌اعتنایی صورت بگیرد، چون اباحت ترک نماز در آن اصلا جواز ندارد، بلکه شریعت نماز خوف را تنظیم نموده است تا بر مبنای آن اقامه نماز پنج وقت برپا شود. پس استدلال از نصوص شرعی در مورد ترخیص در عبادات هنگام کار، به صراحت مردود و باطل می‌باشد.

البته کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ این امر را بیان داشته‌اند که بعضی مردمان از روی هوا و هوس در امور دین صحبت نموده و مردم را گمراه می‌کنند، که در ذیل به برخی از این آیات اشاره می‌نماییم:

از آیات قرآنی:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿۱۱۹﴾ [الأنعام: ۱۱۹]

«بسیاری از مردم، با هواها و هوس‌های (کج و نادرست) خود، بدون آگاهی (از صحت آنچه که می‌گویند و بدون دلیلی بر آنچه در راه آن می‌کوشند، دیگران را) سرگشته و

گمراه می‌سازند. بی‌گمان پروردگارت (از تو و از همه بندگان) آگاه‌تر از حال تجاوزکاران است.»

۲- و نیز می‌فرماید: ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۴]

«و چه کسی ظالم‌تر از کسی است که بر خدا دروغ بزند تا مردمان را از روی جهل گمراه سازد؟ خداوند هیچ گاه ستمکاران را (به راه راست و به سوی چیزی که خیر و صلاح دنیا و آخرت‌شان در آن باشد) هدایت نخواهد کرد.»

دو آیه‌ی فوق هر قول و فعلی را که مبتنی بر دلیلی از قرآن و سنت و قواعد شریعت نباشد، رد می‌کند؛ و رخصت دادن در عبادات و فرایض الهی به خاطر کار نیز، شامل آن می‌باشد.

۳- خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [النحل: ۱۱۶-۱۱۷]

«(خداوند حلال و حرام را برایتان مشخص کرده است) و به خاطر چیزی که تنها (از مغز شما تراوش کرده و) بر زبان‌تان می‌رود، به دروغ مگویید: این حلال است و آن حرام، و در نتیجه بر خدا دروغ بندید. به تحقیق کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌گردند. سودجویی و بهره‌مندی ایشان از جهان ناچیز است و تمام دنیا با توجه به آخرت) کالای کمی است و عذاب دردناکی (پس از پایان زندگی دنیوی) دارند.»

خداوند متعال کسانی را که بدون علم سخن می‌گویند و به کذب و افترا رو می‌آورند، به عذاب دردناک وعده داده است، پس کسانی که از جانب خود برای کارگران رخصت قایل شده و در ادای عبادات آن‌ها مطابق نظر خود مداخله می‌کنند، در واقع بر خداوند متعال بدون علم سخن گفته و دروغ بسته‌اند لذا شامل مضمون این آیه می‌گردند.

۴- همچنین می‌فرماید: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنَ بِهِ اللَّهُ﴾ [السوری: ۲۱]

«شاید آنان انبازها و معبودانی دارند که برای ایشان دینی را پدید آورده‌اند که خدا به آن اجازه نداده است.»

پس کسانی که قایل به رخصت در ادای عبادات و فرایض در اوقات کار برای کارگران‌اند، سخنان‌شان را در روشنای هیچ دلیل شرعی‌ای بنا نکرده‌اند و این خود سخن بستن بر الله تعالی بدون علم بوده و نوعی قانون‌گذاری در برابر قانون الهی و پیروی از هوای نفس برای تحقق مصالح دنیوی است، چنین اشخاص هوی و خواهشات خود را مصدر قانون‌گذاری و شریک قانون‌گذار قرار داده‌اند، تعالی الله عما یقولون علوا کبیرا.

از سنت مطهر:

احادیث زیادی از رسول الله آ وارد است که دلالت بر حرمت ابتداع در دین و بستن سخن بر خداوند متعال، آن هم بدون علم دارد، حدیث جامع و پرمحتوایی است که هر قول و عملی را که اعتماد بر دلیل و اصل شرعی ندارد ابطال می‌کند، از عایشه آ روایت است که پیامبر آ فرمودند: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ فِيهِ فَهُوَ رَدٌّ»^۱.

«هر کس عملی انجام دهد که مطابق و موافق با سنت و شریعت ما نباشد، آن عمل باطل و مردود است».

و در روایت امام مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»^۲. «هر کس عملی را انجام دهد که از دستورات ما نیست، پس آن عمل مردود است». در نتیجه دادن اجازه ترک نماز جماعت در زمان کار به کارگران، سخنی نو پیدا و محدث است، که نه پیامبر آ به آن دستور داده و نه از اصحاب ایشان در این مورد چیزی وجود دارد، لذا سخنی باطل و مردود است.

۱- صحیح بخاری (۳/۱۸۴)، شماره حدیث (۲۶۹۷).

۲- صحیح مسلم (۳/۱۳۴۲)، شماره حدیث (۱۷۱۸).

خاتمه

حمد و ستایش بی‌پایان بر آن ذات احد و صمد، ذاتی که نه زاده شده و نه می‌زاید و هیچ همتا و مانندی ندارد، و او راست حمد و ثنا در دنیا و آخرت، همه ستایش‌های بی‌پایان که قابل شمارش نیست برای اوست. بار اله! تو راست حمد و ستایش بر تقدیرات؛ و تو راست حمد و ثنا بر اینکه آموزش دادی؛ و تو راست حمد و ثنا بر آسانی‌هایت؛ و تو راست حمد و ثنا بر این که علم را برایم تکمیل نمودی.

بار اله! از تو ثبات در امور و عزیمت بر رشد را خواهانم، از تو مسألت دارم که علم نافع، زبان صادق، قلب شکرگزار و ایمان خالص نصیبم کنی؛ همچنین مسألت دارم طوری که این بحث را برایم آسان و تکمیل ساختی، آن را به درگاهت نیز قبول فرما، این سعی ناچیز را برای من و برای سایر برادرانم نافع بگردان؛ و توفیق بده به کسانی که از من آگاه‌ترند تا نواقص این بحث را تکمیل نمایند و آن را خدمتی بر اسلام و مسلمین قرار بدهند. درود و سلام بی‌پایان بر رسول امین پیامبر بزرگوار ما محمد آ و بر اهل بیت و اصحاب‌شان. وبعد:

مهم‌ترین نتایج

مهمترین نتایجی که از لابلای این بحث بدست می‌آید، امور ذیل است:

۱- مسلمانان باید کاری انجام بدهند که حاجات‌شان را مرفوع گرداند و آن‌ها را از نیاز به دشمنان نجات دهد و بتوانند نیاز خود را خودشان برطرف نمایند و راه ورود کارگران غیرمسلمان به کشورهای اسلامی که اکثراً بر فساد دین و دنیای‌شان تمام می‌شو، ببندند و فرزندان امت اسلام بر صبر و تحمل سختی‌های زندگی عادت کنند.

۲- کار عبارت از هر مساعی و اشتغالی است که انسان در عرصه‌های مختلف اعم از صنعت، حرفه، زراعت، تجارت و غیره، بخاطر تحقق اهداف خویش پیشه خود قرار می‌دهد.

۳- قرآن و سنت و اجماع دلالت بر مشروعیت کار دارد.

۴- در مشروعیت کار برای مسلمانان حکمت‌هایی نهفته است که مهمترین آن قرار ذیل است:

الف: اقامه دین الله در روی زمین.

ب: حفظ عزت و سرفرازی مسلمانان با تقویت بخشیدن اقتصاد موثر.

ج: مرفوع کردن مفاسد و اضرار از جامعه مسلمانان.

د: تعمیر و آبادانی زمین واستخراج خیرات طبیعی مطابق دستور الله تعالی.

۵- ترک کار منجر به فساد گسترده می‌شود، و خطرناکترین آن عبارت است از:

الف: اختلال دین وعقیده.

ب: تسلط یافتن دشمنان اسلام از خلال تنگدستی و فقر جوامع اسلامی.

ج: شیوع رذایل اخلاقی در بین مسلمانان.

د: ضعف در اقتصاد و توانایی‌های جسمی مسلمانان.

ه: سقوط وانحطاط معنویت مسلمانان و خود باختگی و تسلیم در برابر فساد.

۶- کار مسلمان، دارای ثمرات و پیامدهای نیک زود یا دیر می‌باشد و هیچ گاه از خیر عاجل یا آجل خالی نیست، به شرطی که در کار خود نیت خیر داشته باشند. کار مسلمان گاهی عبادت محض است و گاهی هم عادت و عبادت. اگر نیت اجر دنیوی و اخروی داشته باشد.

۷- کار نزد مسلمانان یک وسیله است نه هدف و غایت، چرا که مسلمان در کار دنیوی خود طالب تحقق هدف بزرگ است که بخاطر آن آفریده شده و آن هدف عبادت الله تعالی است.

۸- کار انواع مختلفی دارد از قبیل: زراعت، صنعت، تجارت، خدمات عامه، رشد و توسعه حیوانی، مهنه و حرفه و غیره. علما در باره بهترین کارها اختلاف نظر دارند، اما قول بهتر اینست که بهترین کار همان کاری است که مردم به آن نیاز بیشتری داشته باشند.

۹- بر زمامداران امور مسلمانان لازم و ضروری است که زمینه کار را برای مسلمانان فراهم کنند، و همچنان فراهم و آماده کردن کارگران برای پیشبرد کارها و رسیدگی به آن از مسؤولیت‌های ایشان است. اصل اینست که در بین مسلمانان بیکاری نباید وجود داشته باشد، چنان که کشورهای غیر اسلامی جوامع‌شان را ساخته‌اند، در

نظام اسلام وسعت و گستردگی در ابواب رزق و انفاق برای مسلمانان وجود دارد و منابع متعددی به خاطر رشد اقتصاد در نظر گرفته شده است.

۱۰- در جامعه اسلامی کار باید مطابق ضرورت و احتیاجات ملت باشد و شرایط هر عصر و زمانی نیز مدنظر گرفته شود. چون که ضرورتها و احتیاجات مردم با اختلاف و تغییرات عصر و احوال مردم تغییر و تبدیل می‌گردد.

۱۱- برای خیزش اقتصاد مسلمانان و بلند بردن سطح معیشت افراد جامعه، لازم است استمرار کار و رشد آن تضمین شود.

۱۲- ازدیاد زمینه‌های کاری و رشد و انکشاف تولیدات مورد نیاز، از اسباب استمرار کار و افزایش آن است که تأثیر مستقیم بر اقتصاد دارد.

۱۳- برای تضمین بهترسازی و ادامه و افزایش تولید کار، نخست لازم است با موانع کار مبارزه صورت بگیرد تا تضعیف و خنثی گردند، مثل موانع بشری، نفسی، وسایل تخنیکی، مالی و ایجاد کار بر هر متقاضی و داوطلب کار.

۱۴- لازم است مواد اساسی کار فراهم گردد تا ضرورت‌های کارهای مختلف را مرفوع ساخته و توسعه و تحسین یابد، بالاخره زمینه پیشبرد و ادامه و گسترش کار هموار گردد.

۱۵- از امور بسیار مهمی که در ادامه و توسعه کار نقش دارد، تلاش زیاد و متداوم بخاطر تحسین نوعیت تولیدات و انتاج است، تا به بلندترین مراحل پیشرفت خود نایل گردد.

۱۶- برای راه اندازی کار موثر، بمنظور بلند بردن سطح توانایی و انتاج، باید به ماشین آلات و تخنیک و نیروی بشری توجه جدی نمود؛ و این مساله در تامین نیازمندی‌های مسلمانان بسیار مهم و مؤثر است.

۱۷- برای بلند بردن ظرفیت وسایل انتاج، لازم است وسایل بلند بردن توانایی‌های کاری را جستجو کرد. مانند تعلیم، تمرین از طریق تدویر و رکشاپها، تنویر دهی تخنیکی، ایجاد فضای محبت و صمیمیت در بین کارگران ...

۱۸- صبر و تحمل در برابر کار و مشقت‌های آن امر ضروری است لذا در جانب آن باید اکرامیه‌ها و تقدیرات مادی و معنوی برای کارگران در نظر گرفته شود.

۱۹- برای رسیدن و تحقق یافتن توانایی‌ها و وسایل انتاجی، لازم است به مساله بسیار مهمی که عبارت است از: " تضمین انتاج کامل برای هر کارگر " اهتمام صورت

بگیرد. حصول این کار از طریق برنامه ریزی دقیق ممکن است و در این راستا باید از اندازه‌گیری سالم برای ضرورت‌ها و توانایی‌ها و توازن در توزیع کار، پیگیری و ارزیابی کردن و داشتن اداره فعال و کارا و اتخاذ اسلوب مکافات و مجازات و غیره که از ضروریات استقامت بخشیدن در کار است استفاده شود.

۲۰- انکشاف وسایل و آلات تولیدی برای بلند بردن توانایی‌های تولیدی بسیار ضروری است، این توانایی با ساخت و ایجاد ماشین آلات ثقیل که وسایل تولیداتی را فراهم می‌کند حاصل می‌گردد، مسلمانان توانایی داشتن این نوع فابریکه‌ها را دارند بشرطی که با اخلاص و همت بلند اقدام نمایند.

۲۱- بر علما و دانشمندان اسلام لازم است که احکام مسایل و امور جدید را در روشنای شریعت اسلامی بیان نمایند، چون هیچ قضیه‌ای نیست -چه خورد باشد چه بزرگ- مگر اینکه در شریعت ما احکام مفصل در مورد آن وجود دارد. پس علمای هر عصر باید به فرزندان نسل خودشان احکام امور نو ظهور را شرح و بیان نمایند و از طریق رسانه‌های قابل دسترس به ابلاغ آن پردازند.

۲۲- از جمله کارهایی که انجام آن بر ملت واجب است، همان کارهایی است که گاهی بر همه توانمندان واجب می‌گردد، و عبارت از کارهایی است که برای امرار معیشت لازم است، گاهی فرض کفایی است اگر برخی از متخصصین به ادای آن همت بگمارند پس از بقیه اهل تخصص گناه مرفوع می‌گردد، و اگر هیچ یک از اهل تخصص آن را عملی نکنند همه گناه کاراند. و گاهی برخی کارها بر ذمه اشخاص معین فرض عین می‌گردد، بخاطر این که ایشان ویژگی و استعداد کامل در انجام آن کار را دارند و مسلمانان به خدمات ویژه‌شان نیازمند هستند.

۲۳- کارهایی که مندوب و مستحب‌اند بسیار می‌باشند و برای شناخت بهتر آن باید به قواعد و ضوابط شرعی عام متصل شد، مثلاً ضوابطی که در برخی احوال می‌توان به حکم قضیه متصل گردید: "هر کاری که به مسلمانان منفعت رساند، وقتی واجب نباشد، مندوب و مستحب است".

۲۴- کارهایی که در حد مباح قرار دارند از همه بیشتر و وسیع‌تر است و این نوع کار اصل کار را تشکیل می‌دهد و هر کاری که از این اصل بیرون باشد و به واجب و مندوب و یا مکروه و حرام بکشانند، از این اصل (مباح) بنابر علتی خارج می‌شود.

۲۵- از جمله کارها، کار مکروه است، حصر کار مکروه نیز دشوار است، اما معرفی و شناخت آن توسط گذاشتن معیارها و ضوابط ممکن است، مثلا: هر کاری که با اخلاقیات و ارزش‌ها و عادات پسندیده مردم در تعارض باشد، مکروه است.

۲۶- از جمله کارها، کارهای حرام است، کارهای حرام زیادند، برخی از آن‌ها مادی و برخی دیگر فکری می‌باشند. از جمله کارهای حرام در بخش مادیات؛ زراعت، صنعت و تجارت و غیره هستند و کار حرام فکری عبارت از هر کاری است که ضرر آن به ارزش‌های معنوی مسلمانان و یا در بخشی از زندگی مسلمانان بوده باشد، چه از طریق نشر کتب باشد، و یا مجله‌ها یا سخنرانی‌ها و غیره.

۲۷- در هیچ صورت کارگران حق تعطیل ادای فرایض و واجبات دینی را به بهانه مشغولیت در کار ندارند و ادعای رخصت و تعطیل در این موضوع باطل و بی اساس است.

پیشنهاد و توصیه

امیدوارم مقامات و اولیای امور کشور در قدم نخست، سپس محصلین و دانشمندان وطن، در باره اهمیت کار و بیان خطر ترک آن و پیامدها و چالش‌هایی که به سبب آن در جامعه ایجاد می‌شود، به مردم آگاهی داده و سهم فعال‌شان را در راه اندازی و زمینه‌سازی کار و رشد آن به وجه شرعی در جامعه ایفا نمایند تا مصالح مسلمانان تحقق یافته و عزت و قوت از دست رفته آن‌ها احیا گردد، تا اقتصاد قابل رشد را بوسیله آن فراهم کنند و جلو بیکاری و فرار جوانان از کشور را گرفته و در راه سرفرازی اسلام و مسلمانان بکوشند تا شاهد نتایج ملموس و مشهود آن با مساعی خستگی‌ناپذیرشان در جامعه باشند.

بنابراین نخست خود، سپس دانشجویان و سایر دانشمندان محترم و اهل فهم و فکر را فراخوانده و توصیه می‌نمایم که به کار و فعالیت اهمیت ویژه بدهند و تمام جوانب کار را تحت بررسی و پژوهش قرار داده و برای چالش‌های آن «راه حل‌های معقول بگذارند، تا در رشد اقتصاد کشور گام‌های چشمگیری برداشته شود و آفات و آسیب‌های ناشی از بیکاری محو و نابود گردیده و عواقب ناگوار آن در جامعه عرض اندام نکند. در باره کار حلال و حرام به مردم وضاحت داده شود، در این راستا

دانشجویان عزیز موثرترین اشخاصی‌اند که می‌توانند نقش عمده خود را در قبال مسوولیتی که بدوش دارند درست ادا نمایند.

همچنان تمام پوهنتون‌های (دانشگاه‌های) کشورما افغانستان و سایر پوهنتون‌های کشورهای اسلامی را مخاطب قرار داده و ندا می‌دهم که هر یک نظر به تخصصی که دارد در مورد کار و اهمیت آن در رشد اقتصاد مسلمانان توجه خاص بکنند و در خصوص بررسی گسترده و مفید علمی با همکاری افراد توانا، وقت به خرج داده و پیرامون پیامدهای منفی بیکاری که تاثیر مستقیم به رشد اقتصاد کشور دارد بحث و تحقیق نمایند تا اضرار ناشی از بیکاری تقلیل یافته و به مرور زمان ریشه کن گردد.

امیدوارم قضایای کار را در اولویت‌ها گذاشته و جزئیات و فروعاتش را مورد بررسی، تحقیق، تحلیل و نقد قرار بدهند تا مردم از حقیقت و اهمیت کار آگاه شده و از خطر بزرگ بیکاری و اثرات منفی آن در جامعه برحذر باشند.

فهرست منابع

- ١- القرآن الكريم
- ٢- ابن تيميه؛ أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، رفع الملام عن أئمة الأعلام، رياض المملكة العربية السعودية، الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، سال نشر ١٩٨٣م -١٤٠٣ هـ.ق.
- ٣- العظيم آبادی؛ أبوطیب محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن أبي داود، بيروت لبنان، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، سال نشر ١٤٢٣هـ ق-٢٠٠٣م.
- ٤- الزحيلي؛ وهبة ابن مصطفى، التفسير الوسيط، دمشق، دارالفکر، سال نشر ١٤٢٢ هـ.ق.
- ٥- الجوزية؛ الإمام شمس الدين أبي عبدالله محمد بن أبي بكر ابن قيم، إعلام الموقعين عن رب العالمين، بيروت لبنان، دارالكتاب العربي، سال نشر ٢٠٠٤م ١٤٢٥ هـ.ق.
- ٦- القسطلاني؛ احمد بن محمد ابن أبي بكر بن الملك أبو العباس شهاب الدين، إرشاد الساری لشرح صحيح البخاری، مصر، المطبعة الكبرى الأميرية، طبع هفتم، سال نشر ١٣٢٣ هـ.ق.
- ٧- الباني؛ أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم الأشقودي الألباني، ضعيف الجامع الصغير وزيادته، بيروت لبنان، المكتب الإسلامي.
- ٨- الألباني؛ محمد ناصر الدين، تخريج أحاديث مشكلة الفقر وكيف عالجهما الإسلام، بيروت لبنان، المكتب الإسلامي -الطبعة: الأولى - ١٤٠٥ هـ- ١٩٨٤ م
- ٩- العيني؛ الإمام العلامة بدرالدين أبي محمد محمود بن احمد، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، پشاور، المكتبة الحقانية ١٩٩٥م.
- ١٠- الشاطبي؛ الإمام إبراهيم بن موسى اللخمي الغرناطي أبو إسحاق، الموافقات في أصول الشريعة، بيروت لبنان، دارالكتاب العربي، سال نشر ١٤٢٩ هـ.ق.

- ١١- الغزالی؛ أبو حامد محمد بن محمد، المستصفي للغزالی، جده المملكة العربية السعودية، شركة المدينة المنورة للطباعة والنشر، ١٤١٠ هـ ق.
- ١٢- ابن كثير؛ الإمام الحافظ أبي الفداء إسماعيل، تفسير القرآن العظيم، بيروت لبنان، دارالمعرفة سال نشر ١٤٠٧ هـ ق.
- ١٣- بخارى؛ الإمام أبي عبد الله محمد بن إسماعيل، صحيح البخارى، رياض، دارالسلام للنشر والتوزيع، سال ١٤١٧ هـ ق ١٩٩٧ م.
- ١٤- نووى؛ الإمام المحدث الفقيه محى الدين يحيى بن شرف أبي زكريا الدمشقى الشافعى، صحيح مسلم بشرح الإمام النووى، بيروت لبنان، دار إحياء التراث العربى، سال ١٤٢٠ هـ ق ١٩٩٩ م.
- ١٥- ابن رجب؛ الإمام الحافظ الفقيه زين الدين أبي الفرج عبد الرحمن ابن شهاب الدين البغد ادی ثم الدمشقى، جامع العلوم والحكم، رياض، طبع الخاصه بداره الملك عبد العزيز، سال ١٤٢٣ هـ ق- ٢٠٠٢ م.
- ١٦- العسقلانى؛ الإمام الحافظ احمد بن على بن حجر، فتح البارى بشرح صحيح البخارى، رياض، مكتبة العبيكان، سال نشر ١٤٢١ هـ ق ٢٠٠١ م.
- ١٧- البغوى؛ أبو محمد الحسين بن مسعود، شرح السنة، بيروت لبنان، دار الكتب العلمية، سال نشر ١٤١٢ هـ ق ١٩٩٢ م.
- ١٨- المباركفورى؛ الإمام الحافظ أبي العلاء محمد عبد الرحمن ابن عبد الرحيم، تحفة الاحوذى شرح جامع الترمذى، بيروت لبنان، دار إحياء التراث العربى سال نشر ١٤٢٢ هـ ق ٢٠٠١ م.
- ١٩- المنجد؛ الشيخ محمد صالح، سلسلة أعمال القلوب للشيخ، المملكة العربية السعودية، مجموعة زاد للنشر الطبعة الأولى ١٤٣٠- ٢٠٠٩.
- ٢٠- ابن ماجه؛ الإمام أبو الحسن الحنفى المعروف بالسندى، سنن ابن ماجه، بيروت لبنان، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، سال ١٤٢٠ هـ ق- ٢٠٠٠ م.
- ٢١- ابن قتيبه، أبو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبة الدينورى، غريب الحديث ت. د. عبد الله الجبورى بغداد، مطبعة العانى - الطبعة: الأولى، سال نشر ١٣٩٧.
- ٢٢- مخلص، عبدالرؤف، تفسير انوار القرآن، ايران، شيخ الإسلام احمد جام، سال ١٣٨٩ هـ ش

- ٢٣- ابن بطلال؛ الشيخ العلامة أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك القرطبي ثم البلسنى، شرح ابن بطلال على صحيح البخارى، بيروت لبنان، دار الكتب العلمية، سال ١٤٢٤ هـ ق و ٢٠٠٣ م
- ٢٤- خرم دل؛ داکتر مصطفى، تفسير نور، تهران ايران، نشر احسان، سال نشر ١٣٨٨ هـ ش
- ٢٥- ابن قدامه؛ شيخ الإسلام موفق الدين أبي محمد عبدالله بن احمد بن محمد المقدسى الحنبلى، روضة الناظر وجنة المناظر، بيروت، دارالزاحم للنشر والتوزيع، ١٤٢٤-١٤٢٥.
- ٢٦- ابن قدامه؛ شيخ الإسلام موفق الدين أبي محمد عبدالله بن احمد بن محمد المقدسى الحنبلى، المغنى، الرياض، دار عالم الكتب للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٦-٢٠٠٥ م
- ٢٧- الماوردى؛ أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى، الأحكام السلطانية والولايات الدينية، بيروت، المكتب الإسلامى للنشر نشر ١٤١٦ هـ
- ٢٨- ابن قيم؛ الإمام شمس الدين أبي عبدالله محمد بن أبي بكر الجوزية، الطرق الحكمية فى السياسة الشرعية، القاهرة، دار الحديث للطبع والنشر والتوزيع، نشر ١٤٢٣ هـ
- ٢٩- الأشقر؛ الأستاذ الدكتور عمر سليمان عبدالله، نحو ثقافة اسلامية اصيلة، عمان الأردن، دار النفائس للنشر والتوزيع، نشر ١٤٢٥ - ٢٠٠٥ م
- ٣٠- الفوزان؛ الشيخ الدكتور صالح بن فوزان بن عبدالله، الملخص الفقهى، الرياض المملكة العربية السعودية، دار العاصمة للنشر والتوزيع نشر ١٤٢١ هـ ٢٠٠١ م.
- ٣١- النسائى؛ أبو عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على بن بحر بن سنان بن دينار، سنن النسائى، حلب سورية، الناشر مكتب المطبوعات الإسلامية، الطبعة الثالثة المفهرسة، بيروت لبنان، ١٤١٤ هـ
- ٣٢- الكاسانى؛ الإمام علاء الدين أبي بكر بن مسعود الحنفى الملقب بملك العلماء، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ١٤٢٠ هـ ٢٠٠٠ م
- ٣٣- الفيروز آبادى؛ مجد الدين محمد بن يعقوب إمام اهل اللغة، القاموس المحيط، بيروت لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ١٤١٥ هـ ١٩٩٥ م.

- ٣٤- الرازي؛ زين الدين محمد بن ابي بكر بن عبدالقادر، مختار الصحاح، بيروت لبنان، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الحادي عشر، نشر ١٤٢٦ هـ - ٢٠٠٥ م.
- ٣٥- سعودي؛ دكتور سليمان بن ابراهيم بن ثنيان، مجلة البحوث الإسلامية العدد ٦٢، الرياض المملكة العربية السعودية، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء، نشر ذو القعدة وذو الحجة ١٤٢١ هـ - محرم وصفر ١٤٢٢ هـ.
- ٣٦- محمود شاكر؛ الشيخ محمود شاكر، اقتصاديات العالم الإسلامي، بيروت لبنان، المكتب الإسلامي، نشر ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م
- ٣٧- نيسابوري، الإمام الحافظ أبو عبدالله الحاكم، المستدرک علی الصحیحین، بيروت لبنان، دار ابن حزم، سال نشر ١٤٢٨ هـ - ق - ٢٠٠٧ م
- ٣٨- الباني؛ أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم الأشقودي الألباني، السلسلة الضعيفة، الرياض المملكة العربية السعودية، مكتبة المعارف، نشر ١٤٢٠ هـ
- ٣٩- ابن فارس؛ أبو الحسين احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، بيروت لبنان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م.
- ٤٠- الهندي؛ العلامة علاء الدين علي المتقي بن حسام الدين الهندي، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت لبنان، مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩. ومكتبة الشاملة.
- ٤١- السيد السابق؛ محمد سيد السابق، فقه السنة، مكتبة العبيكان، القاهرة مصر، دار الفتح للعلام العربي، نشر ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٤٢- الباني؛ أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم الأشقودي الألباني، سلسلة الأحاديث الصحيحة، الرياض المملكة العربية السعودية، مكتبة المعارف، نشر ١٤١٥ هـ - ١٩٥٥ م.
- ٤٣- الباني؛ أبو عبدالرحمن محمد ناصر الدين بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم الأشقودي الألباني، صحيح الجامع الصغير وزيادته، بيروت لبنان، المكتب الإسلامي.

- ٤٤- ابن تيميه؛ شيخ الإسلام احمد بن عبدالحليم بن عبد السلام، الحسبة، المكتبة الشاملة موافق للمطبوع. ١٩ جمادى الآخرة /١٤٢٨هـ -الموافق لـ ٧ /٤ م ٢٠٠٧/ عدد الأجزاء: ١
- ٤٥- ابن أبي شيبه؛ أبو بكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خوستى العبسى، المصنف فى الأحاديث والآثارمكتبة الرشد - الرياض المملكة العربية السعودية، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ هـ
- ٤٦- الطحاوى؛ أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجرى المصرى المعروف بالطحاوى، شرح مشكل الآثار، بيروت لبنان، مؤسسة الرسالة الطبعة الأولى - ١٤١٥ هـ، ١٤٩٤ م
- ٤٧- صنعانى؛ أبو بكر عبدالرزاق بن همام صنعانى، مصنف، بيروت لبنان، المكتب الإسلامى، نشر ١٤٠٣ هـ الطبعة الثانية.
- ٤٨- البيهقى؛ أبو بكر أحمد بن الحسين بن على بن موسى الخُسرُو جردى الخراسانى، السنن الصغير للبيهقى، جامعة الدراسات الإسلامية، كراتشى - باكستان الطبعة الأولى، ١٤١٠ هـ - ١٩٨٩ م
- ٤٩- الجرجانى؛ على بن محمد بن على الجرجانى، التعريفات، بيروت لبنان، دار الكتاب العربى للطباعة والنشر والتوزيع، نشر ١٤٠٥ هـ
- ٥٠- الزبيدى؛ محمد بن محمد بن عبدالرزاق الزبيدى، تاج العروس من جواهر القاموس، القاهرة مصر، دار الهداية.
- ٥١- الجوينى؛ أبو المعالى عبدالملك بن عبدالله الجوينى، البرهان فى اصول الفقه، المنصورة مصر، دار الوفاء للنشر، نشر ١٤١٨ هـ
- ٥٢- دكتور فتحى عبد الكريم واحمد العسال؛ النظام الإقتصادى فى الإسلام، شبكه انتر نيت لينك، www.kantakji.com/media/3825/601.doc
- ٥٣- السالوس؛ على أحمد، الاقتصاد الإسلامى والقضايا الفقهية المعاصرة، مؤسسة الريان، بيروت - لبنان، نشر ١٤١٨ - ١٩٩٨
- و <http://www.waqfeya.com/book.php?bid=1129>
- ٥٤- الطبرانى؛ أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامى، معجم الكبير، القاهرة مصر، مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، (دار الصمىعى - الرياض / الطبعة الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م).

- ۵۵- عوده؛ عبدالقادر عالم وفقیه ورجل قانون، التشریح الجنایی الإسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت لبنان، دار الكتاب العربی.
- ۵۶- العثیمین؛ محمد بن صالح بن محمد عثیمین المقبل الوهیبی التمیمی، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، بیروت لبنان، دار ابن الجوزی، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۸ هـ
- ۵۷- النووی؛ أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف النووی، المجموع شرح المهذب «مع تکملة السبکی والمطیعی» دار الفکر.
- ۵۸- الطویل؛ عزت عبدالعظیم، هموم العمل والعمال؛ الإسکندریة مصر، دار المطبوعات الجديدة ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م. و سایت انترنیتی.
www.neelwafurat.com/itempage.aspx?id=egb۵۶۹۳۸-
۵۰۵۶۹۵۸...books
- ۵۹- مسایل امام احمد از خلال در کتاب الحث علی التجارة والصناعة والعمل (ص/۱۵۸-۱۵۹)